

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درباره ترجمه

فصلنامه علمی، فرهنگی، خبری

در حال حاضر هر شش ماه یکبار منتشر می‌شود.

سال چهارم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۹

مدیر مسئول: علی معتمدی

سر دبیر: سید حسین حیدریان

طراح جلد: مرتضی حاتمی آذر

وبگاه نشریه: <http://www.about-translation.ir>

نشانی: تهران، صندوق پستی ۴۶۳-۱۹۵۷۵

درباره ترجمه بر آن است تا وسیله‌ای باشد برای

Darbareye Tarjomeh

(About Translation)

A Persian Translation Studies Journal

Volume 4, No.8

Spring and Summer 2010

Managing Director: Ali Motamedi

Editor-in-Chief: Seyed Hossein Heydarian

Cover Graphist: Morteza Hatami Azar

Website: www.about-translation.ir

Postal Address:

P.O Box No: 19575-463, Tehran,

Iran

darbareyetarjomeh@gmail.com

- آشنایی با رشته‌های دانشگاهی ترجمه و حوزه‌های تحقیق و پژوهش در ترجمه
- تعامل بهتر و بیشتر با استادان رشته‌های ترجمه
- انعکاس مقالات، یافته‌ها و دیدگاه‌های علمی استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان رشته‌های مرتبط با ترجمه در حوزه مطالعات ترجمه
- اطلاع‌رسانی در زمینه مسائل مربوط به ترجمه: کتاب‌ها، نشریه‌ها، پایان‌نامه‌ها و ...

درباره ترجمه کلیه نظرات و پیشنهادهای شما را درباره خود به دیده منت می‌پذیرد و آماده انعکاس دیدگاه‌ها و مقالات علاقه‌مندان به ترجمه و حوزه‌های مرتبط با ترجمه و زبان است. نظرات مطرح شده در نوشته‌ها و مقالات لزوماً نظر درباره ترجمه نیست. نقل مطالب درباره ترجمه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

هزینه چاپ و تکثیر این شماره از نشریه از محل بارانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به نشریات دانشجویی تأمین شده است. در اینجا از همکاری، همیاری و پشتگرمی جناب آقای دکتر خلیل علی‌محمدزاده، معاون محترم فرهنگی این دانشگاه، سپاسگزاری می‌شود.

شماره مجوز نشریه: ۸/۲۹/۷۱۱۶۰۷ تاریخ صدور: ۱۳۸۳/۱۲/۲۳

۳	مصاحبه با استادان ترجمه این شماره: دکتر کامبیز محمودزاده
۷	نکته‌ها و ناگفته‌های ترجمه حسن هاشمی میناباد
۱۶	آشنایی با کتاب‌های رشته ترجمه سید حسین حیدریان
۲۲	آشنایی با اندیشمندان ترجمه فاطمه مهدی‌برزی
مقالات	
۲۹	تأثیرگذاری مبتدای (نهاد) نشان‌دار بر ترجمه فارسی داستان‌های کوتاه گوتیک ادگار آلن پو اعظم هدایتی
۴۰	مسائل فرهنگی در ترجمه کتب راهنمای جهانگردی در ایران محمد رضا طالبی نژاد فروغ کریمی پور دوانی نژاد
۵۳	مدل‌ها، سیاق‌ها، انواع متن و روش‌های ترجمه عباس مهدی
۶۵	فهرست معادل‌های اصطلاحات مطالعات ترجمه
۷۴	بررسی سؤالات ورودی کارشناسی ارشد مترجمی هادی حاجی‌علی
۸۴	نشریه‌ها و خبرها علی معتمدی



مصاحبه با استادان ترجمه

این شماره: دکتر کامبیز محمودزاده

مصاحبه کننده: محمدرضا رضاییان

از استاد محمودزاده به خاطر لطفی که کردند و پذیرفتند که با مجله ما مصاحبه کنند کمال تشکر و قدردانی را داریم. با آرزوی سلامتی و بهروزی برای ایشان. همچنین از دوست خوبمان، آقای رضاییان، بابت زحمتی که برای انجام و تهیه این گزارش کشیدند تشکر می‌کنیم. (مدیر مسئول)

۱. لطفاً در ابتدا کمی از خودتان بگویید و بفرمایید که چگونه به ترجمه شفاهی گرایش پیدا کردید؟ این‌جانب در سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شدم. مدرک کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی خود را در سال ۱۳۵۶ از مدرسه عالی ترجمه سابق (علامه طباطبائی فعلی) گرفتم. مدارک کارشناسی ارشد و دکترا را نیز در رشته آموزش زبان انگلیسی به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۷۹ از دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی فعلی) و دانشگاه علامه طباطبائی گرفتم و اکنون دانشیار گروه مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه علامه طباطبائی هستم. در مدت این ۳۲ سال تدریس در دانشگاه علامه طباطبائی، برای چند دوره نیز استاد مدعو دانشگاه‌های رشت، زاهدان و چابهار بوده‌ام.

من رساله دکتراي خود را در حوزه ترجمه شفاهی نوشتم و از آنجا که بیشتر به گفتار توجه دارم تا به نوشتار، وقتی پیشنهاد شد این درس را ارائه دهم احساس کردم در قالبی کار خواهم کرد که مورد پسند و توجه خودم است. از طرف دیگر، من همیشه از به‌کاربردن تنها یک مرجع برای آموزش گریزان بوده‌ام، برای همین نیز بیشتر به ترجمه شفاهی جلب شدم چون برای من هیچ جلسه آن با جلسه قبل یکسان نبوده است. حتی پیش آمده که در یک ترم از یک درس ترجمه شفاهی دو گروه داشته‌ام و برای ترجمه در هر گروه از مقوله‌ها، روش‌ها و منابع متفاوتی بهره برده‌ام.

۲. ممکن است در مورد فرهنگ توصیفی ترجمه شفاهی که در دست چاپ دارید توضیح دهید؟ کی آماده خواهد شد؟

این کتاب در دست نگارش است و به دلیل وسواسی که در نوشتن دارم بسیار کند پیش می‌رود و بنابراین تصور می‌کنم زودتر از پایان امسال نگارش آن تمام نشود. آنچه در این کتاب جمع‌آوری می‌کنم بیش‌تر در قالب «عبارت» است تا واژه خارج از بافت. در نگارش این فرهنگ تلاش دارم اصطلاحاتی که بیش‌تر به لحاظ فرهنگی مترجم شفاهی نوپا را به اشتباه می‌اندازند مدنظر قرار دهم. همچنین، سعی می‌کنم قالب‌هایی را بگنجانم که متداول‌تر و پربسامدتر هستند و سعی می‌کنم برای هر عبارت بیش از یک معادل ارائه دهم تا برای دانشجویان رشته مترجمی و احتمالاً مترجمان نوپا بن‌مایه بهتری ارائه داده باشم.

۳. نقش نظریه در عمل ترجمه شفاهی چیست؟

من شخصاً معتقدم که نظریه می‌تواند کار مترجم را آسان‌تر کند، ولی بدون نظریه هم با کمی تلاش بیش‌تر امکان فراگیری این فن وجود دارد. من باید در مورد واژه «فن» توضیح دهم. به عقیده من، ترجمه کردن را می‌توان به یک فن تشبیه کرد و مترجم را هنرمندی دانست که به بهترین وجه ممکن از این فن استفاده می‌کند.

۴. جایگاه ترجمه شفاهی و آموزش آن در ایران و جهان چگونه است؟

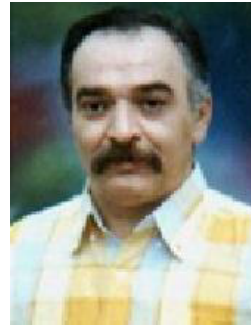
تصور می‌کنم به دلیل بده بستان‌های کلامی در میان افراد کشورهای مختلف، که الزاماً از زبان مشترک استفاده نمی‌کنند، ترجمه شفاهی و آموزش آن در جایگاه بسیار رفیعی قرار دارد. در ارتباط با ایران، این موضوع بسیار بیشتر صدق می‌کند و به دلیل ضرورت گفتگوی مقامات کشورمان با مقامات سایر کشورها نیاز به داشتن مترجم شفاهی خوب و در نتیجه آموزش ترجمه شفاهی هر چه بیشتر حس می‌شود. از آنجا که کشورهای اروپایی به‌ویژه از زبان‌های هم‌خانواده استفاده می‌کنند شاید این نیاز به اندازه نیاز ما شدید نباشد، گرچه آنها نیز در نشست‌های رسمی همچنان از وجود مترجمان شفاهی استفاده می‌کنند. به طور کلی معتقدم که باید برای ترجمه شفاهی و آموزش آن اهمیت بسیاری قائل بود، به‌ویژه اگر ارتباط میان گویشوران زبان‌هایی را در نظر بگیریم که به لحاظ زبانی و فرهنگی به هیچ وجه مشابهت و قرابت ندارند.

باید اضافه نمود که من از وضعیت فعلی ترجمه شفاهی و آموزش آن در ایران به هیچ وجه راضی نیستم و هیچ دلیلی نمی‌بینم که ترجمه شفاهی پس از آموزش ترجمه متون مکتوب ارائه شود. این دو حوزه می‌توانند از همان ابتدا به صورت جداگانه تدریس شوند.

۵. کلاس یا دوره نمونه ترجمه شفاهی چگونه باید باشد؟

ضروری است ابتدا برای واژه «نمونه» تعریفی به دست دهیم و سپس بر اساس آن الگویی ارائه کنیم. برای این که کلاس نمونه‌ای داشته باشیم ضروری است وسایل کمک آموزشی بسیاری را در اختیار

دانشجویان قرار دهیم تا بتوانیم انتظار بازدهی معقول و متینی داشته باشیم. آموزش ترجمه شفاهی در داخل کلاس یا حتی آزمایشگاه زبان کفایت نمی‌کند. برای تربیت مترجم شفاهی باید دستگاه‌هایی در اختیار دانشجویان قرار دهیم که بتوانند همزمان ترجمه خود را در برابر آنچه که می‌شنوند ارائه دهند و ضبط کنند تا پس از پایان کلاس بتوانند با گوش کردن به ترجمه خود متوجه مشکلاتشان شوند. اما باید گفت در شرایط کنونی ترجمه شفاهی پیایی تا حدی قابل اجراست و در این حالت بیش‌ترین تلاش‌مان باید بر این باشد که در کوتاه‌ترین زمان نزدیک‌ترین تعبیر ممکن را از آنچه گفته شده ارائه دهیم. من به هیچ وجه اعتقادی به ترجمه همزمان ندارم، زیرا فواصل زمانی میان گفتار گوینده و ترجمه‌ای که ارائه می‌شود هرگز به صفر نخواهد رسید. پس می‌توان گفت ترجمه شفاهی همزمان گونه‌ای از ترجمه شفاهی پیایی است که در کوتاه‌ترین زمان ممکن ارائه می‌شود.



۶. بارزترین نقطه ضعف ایرانیان برای یادگیری ترجمه شفاهی چیست و چگونه باید آن را مرتفع کرد؟

به نظر من، دانشجویان ما تنها یک مشکل دارند و آن بی‌توجهی به زبان است. به عبارت دیگر، به نظر من، آنها چیزهایی را می‌شنوند که دل‌شان می‌خواهد و در نتیجه بر اساس آنچه که فکر می‌کنند شنیده‌اند ترجمه می‌کنند که مسلماً ترجمه متینی از آب در نخواهد آمد. در غیر این صورت، تقریباً تمامی دانشجویان ما هوش، ذکاوت و استعداد بسیار خوبی دارند. ما اگر بتوانیم پیش‌داوری را در ارتباط با کلام و دنباله آن از دانشجویان بگیریم تا آنها منتظر آنچه شوند که قرار است گفته شود، شاید بهترین کمک را بدان‌ها کرده باشیم.

۷. از علایق شما زبان‌شناسی کاربردی است. ارتباط زبان‌شناسی با ترجمه چیست؟ آیا زبان‌شناسی به ترجمه کمک می‌کند؟ تا چه حد؟

من به دو زمینه مطالعاتی زبان‌شناسی کاربردی و جامعه‌شناسی زبان علاقه زیادی دارم، زیرا معتقدم هر دوی این زمینه‌ها می‌توانند در بالا بردن تبحر مترجم به وی کمک کنند. اگر فرض را بر این بگیریم که هدف اصلی زبان‌شناسی کاربردی از میان برداشتن مشکلات مربوط به زبان است، خواهیم دید که این حوزه مطالعاتی تقریباً تمامی جنبه‌های زندگی‌مان را دربرمی‌گیرد و مهم‌ترین آنها را شاید بتوان ترجمه (اعم از شفاهی و کتبی) در نظر گرفت. از این رو، معتقدم دانستن زبان‌شناسی و به‌ویژه جنبه‌های خاصی از آن مانند معنی‌شناسی، منظورشناسی و تحلیل گفتمان می‌توانند به مترجمان

نوپا کمک بسیاری بکنند. در ارتباط با جامعه‌شناسی زبان، بحث‌هایی نظیر دوزبانگی و این که ما در هر بافتی از گونه زبانی خاصی استفاده می‌کنیم می‌توانند کمک قابل‌ملاحظه‌ای به انتخاب واژه و ساختار توسط مترجم بنمایند.

۸. مترجم شفاهی باید چه آمادگی‌هایی داشته باشد تا بتواند جلسات ترجمه شفاهی را با موفقیت و تسلط اداره کند؟ تمرین (های) خاصی برای دانشجویان علاقه‌مند به این رشته در نظر دارید؟ برای پاسخ به این پرسش، اجازه دهید شرایط مترجم متون مکتوب و مترجم شفاهی را مقایسه کنیم. مترجم متون مکتوب با داشتن متن، زمان کافی و دسترسی به انواع واژه‌نامه‌ها و حتی دایره‌المعارف‌های گوناگون این امکان را دارد که بارها و بارها ترجمه خود را تغییر دهد و در نهایت ترجمه‌ای به دست دهد که مقبول و متین است. اما مترجم شفاهی در زمان بسیار کوتاهی که در اختیار دارد خود باید واژه‌نامه و دایره‌المعارف باشد و به لحاظ اطلاعات عمومی نیز در بالاترین سطح ممکن باشد زیرا وقتی نخواهد داشت که بدین منابع مراجعه کند و معادل موردنظر را پیدا نماید.

برای آماده کردن دانشجویان می‌توان آنها را ترغیب کرد که ابتدا آنچه را که به زبان مادری خود می‌شنوند سایه‌وار به دنبال گوینده ادا کنند، که ابتدا متوجه خواهند شد بسیار کند پیش می‌روند، اما پس از تمرین‌های مداوم خواهند توانست با فاصله زمانی بسیار کوتاه آنچه را که گفته می‌شود ادا نمایند. در مرحله بعد، همین کار را با زبان خارجی‌ای که مورد استفاده آنها است انجام دهند و در نهایت در گام سوم تلاش‌شان این باشد که آنچه را که به زبان خارجی می‌شنوند بلافاصله به زبان مبدأ ترجمه نمایند. میل دارم در مورد آنچه که به عقیده من «باور نابه‌جا» است توضیح کوتاهی بدهم. همواره فرض بر آن است که مترجم، اعم از مترجم متون مکتوب یا شفاهی، باید از زبان خارجی به زبان مادری ترجمه کند. در حالی که عکس این موضوع زمانی که دانشجویان تمرین کافی کرده‌اند به راحتی انجام‌پذیر است و حتی می‌توان چنین فرض کرد که فردی که به زبان «الف» صحبت می‌کند از زبان‌های «ب» و «ج» به یکدیگر ترجمه کند.

۹. دوره‌های تکمیلی مطالعات ترجمه و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد تا چه میزان به حوزه‌های ترجمه شفاهی پرداخته‌اند؟

در تمام دنیا، ماهیت مطالعات ترجمه شفاهی تا حدودی با مطالعات ترجمه به معنی مکتوب آن تفاوت داشته است از جمله اینکه مطالعات ترجمه شفاهی، بیشتر به بررسی‌های تجربی وابسته بوده است. در ایران طی چند سالی که از برگزاری دوره‌های کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه می‌گذرد درصد کمی از پایان‌نامه‌های ارشد به ترجمه شفاهی اختصاص داده شده است. به تصور من، شاید بزرگ‌ترین دلیل آن این است که برای به پایان رساندن رساله، دانشجویان ناچارند از داوطلبان زیادی استفاده کنند.



نکته‌ها و ناگفته‌های ترجمه

حسن هاشمی میناباد*

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

(بخش هفتم)

مقابله سه ترجمه از داستان کوتاه شکارچی با متن انگلیسی آن

اشاره: هدف ما از بخش مقابله ترجمه با متن اصلی و ارزیابی آن، آموزش ترجمه از بزرگان این رشته است. با این کار می‌توان بسیاری از مشکلات واژگانی و نحوی ترجمه را حل کرد و شیوه‌های گوناگون ترجمه را شناخت. نظریه ترجمه بدون ارجاع به عمل و بهره‌گرفتن از تجربیات مترجمان کارکشته، هیچ است و عمل ترجمه را چاره‌ای بهتر از مددگرفتن از نظریه ترجمه نیست. نظریه‌های گوناگون ترجمه را می‌توان با عنایت به کار عملی مترجمان بهتر و آسان‌تر دریافت و آموزش داد.

پیش از هر چیز، ابتدا ترجمه‌های سه‌گانه زیر را بدون مراجعه به متن انگلیسی بخوانید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

- کدام ترجمه روان و طبیعی است؟
- در کدام ترجمه زبان داستان بهتر رعایت شده؟
- کدام ترجمه را بدون اشکال و ابهام می‌خوانید؟
- از کدام ترجمه بیشتر لذت می‌برید؟

The Huntsman



(1) NOON, hot and stifling, with no clouds in the sky. (2) The sunburned grass had a dismal, hopeless look. (3) Even if the rains came, it was doubtful whether the grass would ever be green again. (4) The forest was silent, motionless, as though gazing out from the treetops or waiting for something to happen.

(5) At the edge of the clearing a tall, narrow-shouldered man of forty, wearing a red shirt, patched trousers which had evidently once belong to a gentleman, and high leather boots, was sauntering along a pathway with lazy, shambling strides. (6) To the right was the green of the clearing, to the left a golden sea of ripened rye stretching to the horizon. (7) His face was ruddy and sweating. (8) A white cap with a straight visor, like those worn by jockeys, perched jauntily on his handsome blond head – the cap must have been the gift of a generous young nobleman. (9) Over his shoulder hung a game bag with a crumpled woodcock lying in it. (10) The man was holding a double-barreled shotgun in his hand, both barrels cocked, and he was screwing up his eyes as he followed the ancient and lean hunting god which was running on ahead, sniffing at the bushes. (11) There was silence all around, not a sound anywhere. (12) Every living thing had taken refuge from the heat.

(A. Chekhov 1963:72)

ترجمه ۱

شکارچی

(۱) نیمروزی است داغ و خفقان آور. آسمان، صاف و بی‌ابر است... (۲) سبزه آفتاب‌سوخته، منظره‌ای غم‌انگیز و یأس‌آور دارد: (۳) باران هم گر بارد، این سبزه جان نخواهد گرفت... (۴) جنگل، خاموش و بی‌حرکت است انگار که با نوک درخت‌هایش به نقطه‌ای خیره مانده یا چشم به راه وقع حادثه‌ای است.

(۵) چهل‌ساله مردی بلندبالا و شانه‌باریک، با پیراهن قرمز و شلوار وصله‌دار اربابی و چکمه‌های بزرگ، بی‌شتاب و سلانه‌سلانه، لنگ‌لنگان گام برمی‌دارد و حاشیه‌ی خالی از درخت جنگل را می‌پیماید. (۶) در سمت راست او جنگل سرسبز و در سمت چپش دریای زرین چاودار رسیده، تا خط افق گسترده شده است... (۷) سیمای عرق‌کرده‌ی مرد، گلگون است. (۸) یک کلاه کاسکت کوچک و سفید مخصوص سوارکاران - گویا هدیه‌ای از اربابی سخاوتمند - جاهلانه بر سر موبور و خوش‌ترکیبش نشسته است.

(۹) چنته شکار را که یک خروس کولی مچاله‌شده در آن دیده می‌شود به شانه آویخته. (۱۰) تفنگی دولول آماده شلیک در دست دارد و نگاه چشم‌های تنگ‌کرده‌اش را به سگ پیر و لاغری دوخته است که جلو پایش می‌رود و بوته‌زار را می‌بوید. (۱۱) سکوت بر همه‌جا و همه‌چیز، حکمفرماست... (۱۲) هوای داغ نیمروزی، همه‌چیز زنده و جاندار را از جنب و جوش انداخته است.

(سروژ استپانیان ۲۸۲:۱۳۷۱)

ترجمه ۲

شکارچی

(۱) ظهر دم‌کرده خفقان‌آوری بود. حتی لکه ابری در آسمان به چشم نمی‌خورد... (۲) علفزار زیر آفتاب طراوتش را از دست داده بود و منظره غم‌انگیز و یأس‌آوری پیدا کرده بود؛ (۳) و حتی اگر باران هم می‌بارید دیگر سرسبزی پیدا نمی‌کرد... (۴) بادی برگ درخت‌ها را به تکان وانی داشت، درخت‌ها بی‌حرکت و گویی با سرشاخه‌های خود به چیزی خیره شده بودند یا انتظار چیزی را می‌کشیدند.

(۵) مردی چهل‌ساله، بلندقد، با شانه‌های باریک، پیراهن قرمز، چکمه‌های بلند و شلوار وصله‌دار که روزی متعلق به اربابی بوده با قدم‌های کاهلانه، در خاشیۀ بی‌درخت چمنزار، سلانه‌سلانه پیش می‌رفت و کوره‌راه را پشت سر می‌گذاشت. (۶) در طرف راستش چمنزار دیده می‌شد و در طرف چپش دریای طلایی چاودارهای رسیده تا دامنه افق امتداد داشت. (۷) چهره قرمزرنگش عرق کرده بود. (۸) کلاه کپی سفید سوارکاری، که ظاهراً هدیه‌ای از طرف ارباب جوان دست و دل‌بازی بود، بر سر خوش‌ترکیب و موهای بورش جا خوش کرده بود. (۹) ساک شکار، که باقرقره‌ای در آن قرار داشت، از شانه‌اش آویزان بود. (۱۰) تفنگ دولولی را که چخماقش را بالا آورده بود توی دست داشت و چشم‌هایش را به سگ پیر و نزارش دوخته بود که پیشاپیش او می‌دوید و بوته‌ها را می‌بوید. (۱۱) سکوت همه‌جا را گرفته بود و هیچ صدایی شنیده نمی‌شد. (۱۲) موجودات زنده همه خود را از گرما پنهان کرده بودند.

(احمد گلشیری ۴-۷۳:۱۳۸۵)

ترجمه ۳
شکارچی

(۱) نیمروز دمدار و خفه‌کننده. کوچک‌ترین ابری در آسمان نبود... (۲) چمن آفتاب‌خورد، قیافه پریشان و ناامید داشت. (۳) حتی اگر باران هم می‌بارید باز سبز نمی‌شد... (۴) جنگل ساعت و بی-حرکت بود، گویی با سر درختان به چیزی نگاه می‌کرد و یا انتظار می‌کشید.

(۵) در حاشیه فضای باز جنگل، مردی بلندقد، شانه‌باریک، چهل‌ساله، با پیراهن قرمز، شلوار وصله‌دار که مال ارباب بوده است، و چکمه‌های ساقه‌بلند یا وضعی ناهنجار راه می‌رفت و با تنبلی گام برمی‌داشت. (۶) در سمت راست، سبزی فضای باز و در سمت چپ، دریای طلایی چاودار رسیده تا افق گسترده شده بود. (۷) صورت مرد سرخ و عرق‌ریزان بود. (۸) کلاه سفید سوارکاری، که ظاهراً عطیه یک ارباب جوان دست و دل‌بازی بود، با لاقیدی بر سر بور و زیبای او قرار گرفته بود. (۹) در درون توبره شکار که از شانهاش آویزان بود یک پرندۀ شکارشده دیده می‌شد. (۱۰) مرد تفنگ دولولی که چخماق آن کشیده شده بود بر دست داشت و چشمهایش را به سمتی که سگ لاغز و پیر او در جلو می‌دوید و بنه‌ها را بو می‌کرد دوخته بود. (۱۱) سکوت همه‌جا را فرا گرفته بود و کوچک‌ترین صدایی شنیده نمی‌شد... (۱۲) هر جانداری خود را از گرما مخفی کرده بود.

(یحی هدی ۲۱۹:۱۳۸۶)

گلشیری و هدی از متن انگلیسی ترجمه کرده‌اند و شاید استپانیان از متن روسی.

در خواندن داستان، و نیز در ترجمه آن، خواننده ناخودآگاه صحنه‌های داستان را در ذهن خود مجسم می‌کند و بدین ترتیب، خود وارد داستان می‌شود. بهتر است مترجم نیز صحنه‌ها و حوادث داستان را پیش چشم بیاورد و آن‌ها را در ذهن خود متصور کند. این کار به درک هر چه بیشتر و بهتر حال و هوای داستان و ترجمه دقیق‌تر یاری می‌رساند.

زمان روایت در متن انگلیسی گذشته است. در زبان فارسی داستان را یا با زمان گذشته روایت می‌کنند یا زمان حال. دو مترجم زمان روایت را گذشته انتخاب کرده‌اند و یک مترجم زمان حال.

(۱) جمله بی‌فعل شماره ۱ از سه بخش تشکیل شده است: (۱) قدی تک‌کلمه‌ای زمان، (۲) گرما، و (۳) بی‌ابر بودن آسمان. هر سه مترجم آن را به دو جمله مستقل ترجمه کرده‌اند. نظر شما درباره این ترجمه چیست؟

نیمروزی است داغ و خفه، بدون لکه‌ای ابر در آسمان.

(۲) گلشیری grass را به علفزار برگردانده. در فضای داستان جنگلی هست با فضای باز و بی درختی در یک سو و مزرعهٔ چاوداررسیده در سویی دیگر. فضای باز grass دارد و نیز خود جنگل. پس علفزار معادل درستی برای grass نیست. استپانیان در برابر آن سبزه آورده و هدی چمن. نظر شما دربارهٔ معادل «علف‌ها» چیست؟

(۳) هدی look را به «قیافه» ترجمه کرده که با چمن تناسب ندارد. قیافهٔ چمن؟ معادل‌هایی که برای صفت‌های dismal و hopless انتخاب می‌کنید باید با look و grass هماهنگ و متناسب باشد. ناامید، ملول، مأیوس و جز آن معادل‌های مناسبی در این جمله نیستند. گرفته، ملال‌آور، و یأس‌آور را هم می‌توان به معادل‌های استپانیان و گلشیری افزود.

گلشیری the sun-burned grass را تفسیر کرده و به «علفزار زیر آفتاب طراوتش را از دست داده بود» ترجمه کرده. به نظر می‌رسد گلشیری به ترجمهٔ تفسیری و شرح و بسط در ترجمه علاقه داشته باشد. موارد دیگری از ترجمهٔ تفسیر و شرح و بسط (زائد) را در ترجمهٔ گلشیری پیدا کنید.

هر سه مترجم it was doubtful whether را از قلم انداخته‌اند. از توضیحات و فضای داستان چنین برمی‌آید - و منطقی نیز همین است - که معلوم نبود علف‌ها دوباره سبز بشوند یا نه. rains در متن انگلیسی جمع و باران فارسی مفرد است.

(۴) فاعل این جمله The forest است و جمله از سه بخش اصلی تشکیل شده:

- 1) The forest was silent, [and] motionless, as though
- 2) The forest was gazing out from the treetops or
- 3) The forest was waiting for something to happen.

به حرف اضافهٔ from در بخش دوم جمله توجه کنید: جنگل از بالای / فراز درختان به بیرون چشم دوخته بود.

ترجمهٔ استپانیان: جنگل... با نوک درخت‌هایش به نقطه‌ای خیره مانده... است.

ترجمهٔ گلشیری: درخت‌ها... با سرشاخه‌های خود به چیزی خیره شده بودند.

ترجمهٔ هدی: جنگل... با سر درختان به چیزی نگاه می‌کرد.

علاوه بر این، به حرف اضافهٔ out همراه با فعل دقت کنید.

something فاعل فعل happen است و بنابراین، می‌توانیم something را به حادثه یا اتفاق ترجمه کنیم. «انتظار چیزی را می‌کشید» در ترجمه گلشیری مبهم است (شاید انتظار خرگوشی را می‌کشید یا شکفتن گلی یا به دنیا آمدن سنجابی). ساختار دستوری ترجمه هدی از این بخش چرا غلط است؟ (۵) ترجمه این جمله توصیفی بلند و پر از انواع اطلاعات سخت است و رسیدن به جمله فارسی شسته و رفته‌ای سخت‌تر.

clearing یعنی فضای باز و بی‌درختی در داخل یا حاشیه جنگل.

ترجمه narrow-shouldered برای بسیاری از دانشجویان سخت بود، چراکه این ترکیب در فرهنگ‌ها نیامد؛ و آن‌ها جرئت واژه‌سازی به خود نداده بودند یا شاید به فکرشان نرسیده بود که خودشان می‌توانند معادلی برای آن بسازند. بسیاری از معادل‌های سراسرست و دقیقی را که امروزه به کار می‌بریم مترجمان در حین کار ساخته و به ما و نسل‌های بعد تحویل داده‌اند. هر سه مترجم معادل‌های مناسبی ساخته‌اند. «شانه باریک» از «با شانه‌های باریک» هم در جمله بهتر جا گرفته.

استپانیان و گلشیری به‌درستی و بر طبق فارسی طبیعی، سن شکارچی را که در انگلیسی سمین توصیفگر شکارچی است در آغاز آورده‌اند.

هر سه مترجم wearing (= ملبَس به، که... پوشیده بود) را به «با» ترجمه کرده و در نتیجه، هم مفهوم را رسانده و هم باعث جلوگیری از طولانی‌تر شدن این جمله بلند شده‌اند.

هر سه مترجم evidently را از قلم انداخته‌اند. در ترجمه استپانیان حذف شده و a gentleman که نکره است در ترجمه هدی به معرفه (ارباب، یعنی اربابی که ما خوانندگان می‌شناسیمش) تبدیل شده.

دانشجویان از جمله این معادل‌ها را برای gentleman و nobleman در جمله آورده بودند: اشراف-زاده، نجیب‌زاده، مرد متشخص، مرد متمول و پولدار.

در معادل‌یابی باید زمان و مکان متن را در نظر گرفت و بر اساس اطلاعاتی که از متن به دست می‌آید از بین معادل‌های مختلف، فقط یک معادل نزدیک و مناسب را برگزید. این متن از آنتوان چخوف، نویسنده روسی (۱۸۶۰-۱۹۰۴)، است. (شایان ذکر است که این تاریخ را به عنوان اطلاعات کمکی، در کنار نام نویسنده آوردیم تا مبدا دانشجویان فکر کنند چخوف نویسنده معاصر است.) در جامعه فئودالی روسیه، مانند ایران گذشته، طبقه ارباب وجود داشته و در نتیجه gentleman در این متن باید به «ارباب» ترجمه شود.

گفتیم که در ترجمه باید به زمان و مکان متن توجه و بر اساس آن معادل‌یابی کرد. «بوت» به‌تازگی وارد زبان فارسی شده و نمی‌تواند معادل تاریخی boot در این متن باشد.

جنس چکمه (چرم) در هر سه ترجمه حذف شده.

«با وضعی ناهنجار راه می‌رفت» در ترجمه هدی با متن اصلی متفاوت است و علاوه بر این، منطقی به نظر نمی‌رسد.

آیا نیازی به «ساقه» در «چکمه‌های ساقه‌بلند» ترجمه هدی هست؟

آیا «حاشیه بی‌درخت چمنزار» در ترجمه گلشیری درست و منطقی است؟

along the pathway در این ترجمه‌های چگونه منعکس شده؟

saunter نوع راه رفتن شکارچی است، و lazy و shambling صفت گام‌ها / قدم‌های او. این مفاهیم چگونه در این ترجمه‌ها منعکس شده؟ کدام مترجم اطلاعی را از قلم انداخته است؟ آیا «لنگ‌لنگان» استپانیان درست است؟

(۶) the green of the clearing. نویسنده در این‌جا به‌طور استعاری سخن گفته و صفت green را به اسم تبدیل کرده و مترجم نیز باید این بیان استعاری را حفظ کند. معادل‌های مترجمان را ارزیابی کنید:

ترجمه استپانیان: جنگل سرسبز

ترجمه گلشیری: چمنزار

ترجمه هدی: سبزی فضای باز

در برگردان a golden sea، «دریای زرین» (ترجمه استپانیان) را می‌پسندید یا «دریای طلایی» را، چرا؟

در ترجمه to the horizon استپانیان «خط» را اضافه کرده و گلشیری «امتداد» را. این افزایش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

(۷) جمله ۷ در واقع دو جمله عطفی کوتاه‌شده است که با and به هم پیوسته:

1) His face was ruddy.

2) His face was sweating.

استپانیان و گلشیری آن را به یک جمله ترجمه کرده‌اند و هر یک، یکی از صفت‌ها را به face نسبت داده‌اند.

ترجمه استپانیان: سیمای عرق کرده مرد، گلگون است.

ترجمه گلشیری: چهره قرمز رنگش عرق کرده بود.

آیا این تغییرات به تفاوت معنایی انجامیده؟ نظر شما درباره این برگردان چیست؟

صورتش گل انداخته و خیس عرق بود.

(۸) cap را استپانیان به «کلاه کاسکت» ترجمه کرده و گلشیری «کلاه کپی». آیا این معادل‌ها درست‌اند؟ با مراجعه به فرهنگ‌های تک‌زبانۀ فارسی می‌توانید پاسخ خود را مستدل کنید.

چه عناصری از این جمله در این ترجمه‌ها حذف شده؟ و آیا این حذف‌ها خللی به پیام جمله وارد می‌کند یا نه؟

وقتی اربابی چیزی را به کسی می‌بخشد، ما آن را «پیشکش» می‌نامیم. عطیه (ترجمه هدی) هم قدیمی و بسیار رسمی است و هم پیشکش شخص بسیار والامقامی مانند عطیه خدادادی یا عطیه همایونی.

بسیاری از دانشجویان در ترجمه perched jauntily دچار اشکال شده بودند. perch در مورد نشستن پرندگان در جای بلند و معمولاً در کناره جایی بلند به کار می‌رود. این واژه گسترش استعاری پیدا کرده و در مورد انسان هم به کار رفته. فرهنگ کوبیلد صفت jaunty را چنین تعریف کرده و مثال زیر را برای آن داده:

Something that you do or wear that is jaunty shows that you are cheerful, full of confidence, and energetic.

She adjusted her hat to a more jaunty angle.

با توجه به این اطلاعات، برگردان‌های مترجمان را ارزیابی کنید و ترجمه خودتان را عرضه کنید.

بعضی از دانشجویان به جای blond از واژه قرضی «بلوند» استفاده کرده بودند. آیا بلوند بیشتر در مورد زنان به کار نمی‌رود؟

(۹) آیا معادل «ساک» در مورد شکار یک رعیت در قرن نوزدهم روسیه معادل مناسبی است؟

فرهنگ‌ها معادل‌های مختلفی در برابر woodcock آورده‌اند از جمله کبکنجیر، خروس جنگلی، وایا. معادل‌های خروس کولی و باقرقره را نیز به ترتیب استپانیان و گلشیری داده‌اند. (هدی خود را از این

دردسر معادل‌یابی خلاص کرده و تنها به پرنده قناعت کرده.) در این‌جا با توجه به اطلاعاتی که در این بخش از متن داستان آمده، و نیز ادامه داستان، نوع پرنده آن قدر مهم نیست و لزومی ندارد دقت جانورشناسانه به خرج دهیم.

هدی crumpled را به «شکارشده» برگردانده که درست نیست.

(۱۰) both barrels cocked یعنی هر دو لول تفنگ پر بود و آماده شلیک. کدام‌یک از برگردان‌های مترجمان درست یا دقیق‌ترست؟

تعریف screw up را در فرهنگ‌ها و به‌ویژه فرهنگ‌های تک‌زبانه پیدا کنید و ببینید کدام‌یک از معادل‌ها درست است؟ آیا می‌توان به سگی که دائماً حرکت می‌کند و می‌دود و بوته‌ها را بو می‌کشد چشم دوخت؟

چرا در متن انگلیسی صفت ancient برای سگ آمده نه صفت old؟ آیا منظور این نبوده که این سگ بسیار پیر بوده؟

آیا «بوته‌زار» استپانیان در مقابل bushes درست است؟

(۱۲) مفهوم taken refuge from the heat (= از شرّ گرما به جایی پناه برده بود / از شرّ گرما پناهی جسته بود) در این جمله مفهومی کلیدی است. برگردان‌های این مترجمان را ارزیابی کنید.



آشنایی با کتاب‌های رشته ترجمه

سید حسین حیدریان*

دانشجوی دکترای مطالعات ترجمه - دانشگاه کاردیف

(قسمت دوم)

آشنایی با مطالعات ترجمه: نظریه‌ها و کاربردها

Munday, Jeremy (2001), *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*, London & New York: Routledge. [222 pages]

این کتاب اولین کتاب آموزشی دانشگاهی است که بعد از دوران موسوم به شکوفایی مطالعات ترجمه (دهه نود)، با هدف معرفی اجمالی تمام نظریه‌های ترجمه از گذشته‌های دور تا به زمان تألیف آن، به چاپ رسیده است. بررسی‌های مقایسه‌ای و دسته‌بندی بی‌نظیر تاریخی بیشتر مباحث ترجمه، باعث شده تا هیچ‌یک از مدرسان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های مترجمی از در اختیار داشتن این کتاب کم‌حجم بی‌نیاز نباشند.

این کتاب ساختار آموزشی خوبی دارد. آغاز هر فصل آن شامل فهرستی از مفاهیم کلیدی ارائه شده در آن فصل، معرفی کتاب‌ها و مقالات کلیدی، و مقدمه‌ای در حد یک یا دو پاراگراف در مورد موضوع آن فصل است. سپس، معرفی بخش‌بندی‌شده مباحث و نظریه‌ها و بخشی به عنوان بحث و مطالعه موردی (Discussion and case study) برای راهنمایی و تشویق دانشجویان به تحقیق و به‌کارگیری نظریه‌ها در عمل ترجمه و، سرانجام، معرفی فهرستی از منابع بیشتر جهت مطالعه است. در سراسر این کتاب برای دسته‌بندی بهتر و سهولت در فراگیری؛ جدول‌ها، نمودارها و کادرهای تفکیک‌کننده‌ای برای نشان دادن سرفصل نظریه‌ها در نظر گرفته شده است.

آنچه از عناوین فصل‌های یازده‌گانه این کتاب به شرح زیر استنباط می‌شود تمایل نویسنده آن، جرمی ماندی، به تقسیم‌بندی موضوعی و سپس تاریخی در بررسی نظریه‌های ترجمه است:

۱. سرفصل‌های اصلی در مطالعات ترجمه، ۲. نظریه ترجمه پیش از قرن بیستم [در انتهای این فصل، برخلاف عنوانش، به بررسی دیدگاه‌های اوایل قرن بیستم هم پرداخته می‌شود]، ۳. تعادل و اثر

* heydarianS@Cardiff.ac.uk

معادل (equivalent effect) [بررسی نظریه‌ها و تقسیم بندی‌های یاکوبسن، نایدا، نیومارک و کالر، و نهایتاً اشاره به نظرات صاحب‌نظران متأخر] ۴. رویکرد تبدیل (shift) در ترجمه [بررسی نظریات وینی و داربلنه، کتفورد، چک، و ون لوون ازوارت]، ۵. نظریه‌های نقش‌گرا (functional) در ترجمه، ۶. رویکرد تحلیل گفتمان و سیاق (Discourse and register analysis) ۷. نظریه‌های نظام (system theories) ۸. گونه‌های مطالعات فرهنگی، ۹. (نا)پیدایی مترجم، ۱۰. نظریه‌های فلسفی ترجمه، ۱۱. مطالعات ترجمه به عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای.

تأکید نویسنده به جامعیت این کتاب سبب شده که بعضی از بخش‌های آن فهرست‌وار، فشرده و فرهنگ‌نامه‌ای تألیف شود و، در نتیجه، ممکن است مطالعه بخش‌های توصیفی آن کمی خسته‌کننده به نظر بیاید و جذابیت یک کتاب خواندنی را برای دانشجویان نداشته باشد. در هر صورت، به نظر می‌رسد ویژگی‌های منحصر به فردی که به آن‌ها اشاره شد، موجب شده در طی حدود یک دهه که از چاپ آن می‌گذرد، نه تنها دانشجویانی که تازه با این رشته آشنا شده‌اند به عنوان یک کتاب آموزشی، بلکه بسیاری از اهل فن گاه‌به‌گاه به شکل یک مرجع از آن استفاده کنند. مؤید این گفتار ارجاع‌دهی-های مکرر به آن و تجدید چاپ و ترجمه آن به زبان‌های مختلف بوده است^۱. ویرایش جدید این کتاب در سال ۲۰۰۹ به چاپ رسیده که نویسنده این نوشتار تا این لحظه موفق به دسترسی به آن نشده است. از مرور فهرست و تعداد صفحات چاپ جدید این کتاب از طریق اینترنت و نیز مصاحبه‌ای که با مؤلف اثر در وب‌گاه دانشگاه لیدز گذاشته شده^۲، چنین به نظر می‌آید که تغییرات عمده ویرایش جدید شامل بازنگری مختصر در برخی از فصل‌ها (از جمله اضافه کردن مباحثی در خصوص ایدئولوژی و ترجمه به فصل آخر کتاب، و مطالب اندکی در حوزه مطالعات پیکره‌ای) بوده است.

ماندی نه در مقدمه، بلکه در انتهای فصل اول کتابش می‌نویسد:

این کتاب بر آن است تا بین شاخه‌های عمده مطالعات ترجمه که پیش از این پراکنده بوده‌اند ارتباط ایجاد کند و از این رهگذر به خواننده کمک کند تا به شناختی از این رشته و تاریخچه مورد نیاز و ابزارهای ضروری آن دست یابد و بتواند پژوهش خود را در حوزه ترجمه آغاز کند. از سویی بر آن است تا یک زیرساخت نظری ارائه دهد که هم مترجمان حرفه‌ای و هم ترجمه‌آموزان بتوانند تجربه عملی خود را بر اساس آن به سامان برسانند.

۱. در مصاحبه ویدئویی موجود در وب‌گاه http://www.jostrans.org/issue10/int_munday.php نیز به این مسئله اشاره شده است.

۲. همان منبع

مرجعی پیشرفته برای درس ترجمه

Hatim, Basil and Jeremy Munday (2004), *Translation: An Advanced Resource Book* (Applied Linguistics Series), London & New York: Routledge. [373 pages]

جرمی ماندی در بخشی از مقدمه کتاب قبلی‌اش، که در بالا معرفی شد، پیشنهاد کرده بود که استفاده هم‌زمان از آن کتاب و کتابهای مجموعه آثار (readers) مرتبط با مباحث درسی، آرمانی‌ترین روش موفقیت تحصیلی دانشجویان است. او در همان بخش شش کتاب مجموعه آثار را که بعضی از آنها به زبان انگلیسی نیستند یا سال‌هاست تجدید چاپ نشده‌اند، به همراه فرهنگ و نیز دائرةالمعارف مطالعات ترجمه، معرفی کرده بود. به نظر می‌رسد دغدغه ماندی در خصوص مشکل بودن دسترسی به مجموعه آثار مختلف با انتشار کتاب مرجعی پیشرفته برای درس ترجمه به همراه بزیل هتیم از میان رفته است. این کتاب، علاوه بر رویکرد آموزشی، قسمت مستقلی را به طور جداگانه به گزیده‌هایی از مقالات کلیدی و کتاب‌های اثرگذار در این رشته اختصاص داده است. قسمت مذکور به نام قسمت ب با ارائه ۱۹ مقاله (بیشتر به صورت خلاصه) و گزیده‌های کلیدی از کتاب‌ها شامل فصل‌های متناظر با فصل‌های قسمت نخست؛ یا قسمت آ، حدود ۱۰۰ صفحه از صفحات کتاب را در بر می‌گیرد. با در دست داشتن این کتاب خواننده یا پژوهشگر تازه‌کار علاوه با آشنا شدن و تمرین با مباحث اصلی مطالعات ترجمه برای خیلی از مفاهیم کلیدی، از گشتن به دنبال مقالات یا مطالعه مقالات طولانی بی‌نیاز شده است. خصوصاً دانشجوی رشته مطالعات ترجمه می‌تواند مستقیماً با روش نگارش، رویکرد، و نیز واژه‌گزینی صاحب‌نظران رشته خود^۱ در یک مجموعه یک جلدی با کمترین تلاشی به طور مستقیم آشنا شود.

قسمت ث این کتاب نیز شامل فصل‌های متناظر با دو قسمت نخست کتاب است و با عنوان قسمت «کاوش» به نقد و بسط بیشتر مباحث مرتبط می‌پردازد. در این قسمت، تمرین‌ها و پروژه‌های کاربردی بیشتری برای علاقه‌مندان به درک عمیق‌تر و بازبینی مباحث، به‌ویژه بر اساس زبان و فرهنگ ویژه خودشان، ارائه می‌شود.^۲

۱. مواردی که زبان اصلی آنها غیرانگلیسی بوده نیز معمولاً توسط صاحب‌نظران این رشته ترجمه شده.

۲. ساختار مذکور ویژگی سری کتاب‌هایی با عنوان زبانشناسی کاربردی است که توسط انتشارات راتلج (Routledge Applied Linguistics Series) برای دانشجویان و پژوهشگرانی که در ابتدای راه پژوهش در زمینه زبان انگلیسی یا زبانشناسی کاربردی هستند تدوین شده است.

عنوان برخی از سرفصل‌ها و مباحث این کتاب شبیه کتاب *آشنایی با مطالعات ترجمه: نظریه‌ها و کاربردهاست* که در بالا به آن اشاره شد، با این تفاوت که این کتاب ضمن دوری از بررسی‌های تاریخی، رویکرد توصیفی و عملی بیشتری دارد. واحد ترجمه، تجزیه و تحلیل معنا، ترجمه و ارتباط (relevance)، و ترجمه در عصر فناوری اطلاعات، فصل‌های مستقلی از کتاب را به خود اختصاص داده‌اند. برای آشنایی با ویژگی آموزشی و رویکرد عملی این کتاب، نمونه‌ای از تمرین‌های جالب ارائه شده در یک فصل از سه قسمت متناظر در این کتاب (فصل دوم از قسمت آ، فصل دوم از قسمت ب، و فصل دوم از قسمت ث) در زیر ارائه می‌شود:

فصل دوم کتاب در سه قسمت آ، ب، و ث هر سه با عنوان: راهکارهای ترجمه

نمونه تمرین در فصل دوم قسمت آ (بعد از مبحث صورت و محتوا):

شکل نوشتاری و گفتاری نام‌ها در کتاب‌های هری پاتر اغلب به دریافت معنای آن‌ها کمک می‌کند. در داستان هری پاتر و *تالار اسرار* یکی از شخصیت‌های شیطانی داستان با نام Tom Marvolo Riddle معرفی می‌شود، که خود این اسم هم نوعی معما (riddle) است، زیرا این اسم از جابه‌جایی حروف جمله I am Lord Voldemort ساخته شده است، و نشان‌دهنده هویت اصلی شخصیت داستان است. در مورد این‌که چگونه باید با این مشکل صورت-محتوا در هنگام ترجمه این داستان به زبان دیگر برخورد کرد اظهار نظر کنید.

نمونه تمرین در فصل دوم قسمت ب (که در آن بخشی از ویرایش سوم کتاب *After Bible* نوشته جورج استاینر از صفحه ۲۵۱ تا ۲۶۴ درج شده است).

همزمان با خواندن نوشتار استاینر، فهرستی از دلایل موافق و مخالف مطرح‌شده برای ترجمه-پذیری توسط او را تهیه کنید.

فهرستی از استعاره‌ها و تصویرهایی که استاینر برای توصیف ترجمه به کار برده است تهیه کنید.

[...] [بعد از مقاله] [...]

مواردی را که در این نوشتار به طور ویژه مربوط به متن‌های مذهبی می‌شود به طور خلاصه بیان کنید. سعی کنید مثال‌های دیگری [به زبان خودتان] در زمینه ترجمه متن‌های مقدس یا، از جهاتی، حساس پیدا کنید و ببینید چگونه با آنچه که استاینر گفته است مطابقت دارد.

نمونه تمرین و طرح‌های پژوهشی کوتاه (برای ارائه در طی یک ترم تحصیلی) در فصل دوم قسمت ث:

[پس از ارائه چهار نمونه ترجمه جمله‌ای از کتاب انجیل مندرج در یکی از وبگاههایی که به بررسی و مقایسه راهکارهای ترجمه انگلیسی کتاب مقدس می‌پردازد بعلاوه درج نشانی وبگاه و توضیحات نویسنده وبگاه درباره راهکارهای مربوطه]
به دقت به چهار ترجمه ارائه شده توجه کنید. [...]

چقدر راهکارهای مطرح‌شده با آنچه که در متن‌های مقصد می‌بینید مرتبط هستند؟

[نویسندگان، در ادامه تمرین‌های این فصل آن را با طرح سه پروژه کوتاه برای تحقیق دانشجویان به پایان می‌رسانند:]

[...]

۲. بومی‌سازی (domestication) و بیگانه‌سازی (foreignization) مطرح‌شده توسط ونوتی در دهه گذشته تأثیر عملی مهمی بر روی ترجمه گذاشته است. از میان ترجمه‌های منتشرشده در کشور خودتان که به نظر می‌رسد از این دو راهکار استفاده کرده‌اند، مثال‌هایی پیدا کنید. سعی کنید نمونه‌ای از بومی‌سازی و بیگانه‌سازی از یک متن مبدأ واحد ارائه دهید. فهرستی از روش‌هایی را که برای ارائه این نمونه ترجمه‌ها استفاده شده است تهیه کنید.

۳. در این قسمت از کتاب نظرات و نقدهای منتشرشده‌ای درباره نمونه‌های ترجمه مطرح و بررسی شد. نگاهی به نقدهایی که در کشورتان در مورد آثار منتشر شده انجام می‌شود بیندازید. فقط به اظهار نظرهایی که در مورد خود ترجمه انجام می‌دهند توجه کنید. سعی کنید خلاصه-ای از نظرات مطرح‌شده را دسته‌بندی کنید. آیا می‌توانید چیز مشترکی در آنها پیدا کنید؟ منتقدان هنوز تا چه حد به رویکردهای جانبدارانه و تجویزی برای ترجمه، چه در ترغیب به بومی‌سازی و چه در ترغیب به بیگانه‌سازی، تأسی می‌کنند؟

بررسی ساختار کلی این دو کتاب، و به‌ویژه تعمق در مثال‌هایی مانند نمونه‌های انتهایی ارائه‌شده از کتاب دوم در بالا می‌تواند برای تألیف کتاب‌های بومی آموزش ترجمه به زبان فارسی و یافتن روش‌های مفید آموزش پیشرفته ترجمه در ایران بسیار الهام‌بخش باشد.^۱

انتشارات سمت این کتاب را ترجمه، چاپ و برای استفاده دانشجویان مترجمی معرفی کرده است. بی‌شک، زحمت ترجمه چنین کتابی برای علاقه‌مندانی که به زبان انگلیسی آشنایی ندارند ستودنی است، ولی با توجه به اهداف این کتاب و لزوم آشنایی دانشجویان با نگارش مقالات به زبان انگلیسی بویژه در قسمت دوم آن، توصیه به تدریس آن به زبان فارسی لاقلاً در کلاسهای مترجمی زبان انگلیسی، نوعی نقض غرض است.^۱

درباره نویسندگان



جرمی ماندی، هم‌اکنون دانشیار دانشگاه لیدز انگلستان و مترجم زبان‌های فرانسه و اسپانیایی به زبان انگلیسی است. او در برگزاری بعضی از دوره‌های تکمیلی مطالعات ترجمه در کشور انگلستان (دانشگاه لیدز و یوسی‌ال) و نیز مراکز آموزشی در کشورهای پرتقال و اسپانیا همکاری دارد.

اطلاعات تکمیلی درباره ماندی از وب‌گاه دانشگاه لیدز قابل دسترسی است:

http://www.leeds.ac.uk/cts/en/staff/jeremy_munday.htm

پروفسور **بزیل هتیم**، نظریه‌پرداز ترجمه و مترجم از زبان انگلیسی به عربی و برعکس است. او هم‌اکنون استاد زبان و ترجمه در مرکز مطالعات عربی دانشگاه شارجه و مدرس دانشگاه هریوت وات انگلستان است. هتیم علاوه بر آنچه در این‌جا ذکر شد، در کنار آثار دیگرش، مؤلف کتاب‌های زیر در حوزه مطالعات ترجمه بوده است:



Discourse and the Translator (Longman 1990) and *The Translator as Communicator* (Routledge 1997) (both with Ian Mason)

Teaching & Researching Translation (Longman 2002)

اطلاعات تکمیلی در مورد ایشان را می‌توانید در وب‌گاه زیر بیابید:

http://www.aus.edu/cas/arabic/faculty/basil_hatim.php

۱. مرجعی پیشرفته برای ترجمه، مترجم: مریم جابر زیر نظر فریبرز مجیدی، انتشارات سمت: ۱۳۸۸. نکته‌ای که قبل از هرگونه پیشنهادی در مورد ترجمه کتاب به ذهن نگارنده خطور کرد، عنوان کتاب بود. با توجه به معنی *resource book* و نیز آنچه در کتاب آمده اشاره به بعد درسی آن در عنوان آن بایسته به نظر می‌آید.

درباره ترجمه آشنایی با اندیشمندان ترجمه



فاطمه مهدی‌برزی*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی
دانشگاه علامه طباطبائی

(قسمت آخر)

در قسمت پیشین با یوستوس روزنبرگ، رامان یاکوپسن و یوجین نایدا آشنا شدیم. نظریات روزنبرگ در خصوص ترجمه شعر را بررسی نمودیم، انواع ترجمه از دیدگاه یاکوپسن (درون‌زبانی، بین‌زبانی و بین‌انسانه‌ای) را تحلیل کردیم و با معانی متفاوت (زبانی، ارجاعی و ضمنی) و سپس مراحل مختلف تحلیل، انتقال و بازسازی و انواع تعادل (پویا و صوری) از دیدگاه نایدا آشنا شدیم.

در این قسمت اشاره‌ای خواهیم داشت به نظریات بیرژی لوی^۱، سی. جان کتفورد^۲ و پیتر نیومارک^۳.

بیرژی لوی

نظریه لوی با عنوان «ترجمه: یک فرآیند تصمیم‌گیری» از معروف‌ترین نظریات در مطالعات ترجمه بوده که ترجمه را یک فرآیند ارتباطی برای انتقال دانش زبان مبدأ به خوانندگان زبان مقصد می‌داند.



جنبه نوآوری در ترجمه از مهم‌ترین مسائل مورد توجه در مدل بیرژی می‌باشد. از دیدگاه وی کارآمدی متن ترجمه‌شده بستگی به توانایی آن متن در انتقال

* f_mehdibarzi@yahoo.com

1. Jiri Levy
2. C. John Catford
3. Peter Newmark

دانش به خوانندگان خود دارد و بنابراین هر چه توانایی متن در این زمینه بیشتر باشد، از کارآمدی و ارزش بیشتری برخوردار است.

از نظر پیرژزی، طی فرآیند ترجمه، مترجم به صورت مستمر با موقعیت‌های متفاوتی روبروست که لازم است در هر یک از آنها در مورد استفاده از مناسب‌ترین کلمه جایگزین تصمیم‌گیری نماید. این فرآیند مانند بازی شطرنج می‌ماند که شطرنج‌باز در آن، با توجه به حرکات و تصمیمات قبلی، حرکت بعدی را پیش‌بینی می‌کند و عملاً مهره خود را حرکت می‌دهد.

طبق استدلال وی، مترجم ممکن است تحت تأثیر متن قرار گرفته و بر اساس آن تصمیمی هماهنگ با متن اتخاذ نماید.

لازم به ذکر است که نظریات پیرژزی لوی تأثیرپذیرفته از مکتب پراگ^۱ بود. راهکار پیشنهادی لوی را برای ترجمه *minimax* می‌نامند و خلاصه تعریف وی از نظریه ترجمه به شرح زیر است:

«گرایش نظریه ترجمه به سمت دستورمداری و هنجاربنیادی است و نظریات ترجمه، مترجم را به سمت راه‌حل بهینه راهنمایی می‌کند. با وجود این، مترجم طی فرآیند ترجمه عملاً به کاربرد توجه داشته و به دنبال راه‌حلی می‌گردد که با حداقل تلاش به حداکثر تأثیر بر خواننده دست یابد».

جان کتفورد

ترجمه از دیدگاه کتفورد عمل تبدیل است که در آن بخشی از متن مبدأ با معادل آن در زبان مقصد جایگزین می‌شود. به گفته وی نظریه ترجمه می‌بایست تعریفی از موقعیت‌هایی ارائه دهد که در آن ترجمه امکان‌ناپذیر است. وی ترجمه را فرآیندی می‌بیند که در آن تمامی مؤلفه‌های متن یا بخشی از آن پردازش شده و نتیجه آن می‌تواند منجر به ایجاد متون متفاوتی گردد. رویکرد وی به ترجمه رویکردی رفتارگرایانه بوده است.

انواع تبدیل^۲ از نظر کتفورد عبارتند از تبدیل سطح (*shift level*) که با دستور زبان در یک زبان و واژگان در زبان دیگر بیان می‌شود؛ و تبدیل مقوله (*category shift*) که دارای چهار دسته فرعی است: تبدیل ساختار (در ساختار و دستور زبان)، تبدیل رده (از یک بخش گفتار به بخش دیگر)،

۱. شیوه‌ها و رویکردهای این مکتب به مسائل مختلف زبان، به ویژه اوج‌شناسی و نقش ادبی زبان و نگاه نقش‌گرایانه آنها تأثیر به‌سزایی بر تفکر زبان‌شناختی اروپا و همچنین جهان داشت و در پی آن در نقد و مباحث نظری هنر نیز نفوذ کرد.

2. shift

تبدیل واحد (معادل در درجات مختلف) و تبدیل درون سیستم (استفاده از یک غیرمعادل علی‌رغم وجود معادل در زبان مقصد).

اشکال مختلف ترجمه از دیدگاه کتفورد به شرح زیر است:

۱. ترجمه کامل در برابر ترجمه نسبی^۱

ترجمه کامل: ترجمه‌ای است که در آن کل متن زبان مبدأ پردازش شده و نتیجه آن جایگزینی کامل متن زبان مبدأ با داده‌های زبانشناسی زبان مقصد است.

ترجمه نسبی: ترجمه‌ای است که در آن تنها بخشی‌هایی از متن ترجمه شده و بقیه متن به صورت ترجمه شده و بدون هیچ‌گونه جایگزینی از داده‌های زبانشناسی زبان مقصد باقی می‌ماند.

۲. ترجمه کلی در برابر ترجمه محدود^۲

ترجمه کلی: در این نوع ترجمه، تمامی داده‌های زبانی مبدأ در سطح خود با داده‌های زبانی مقصد جایگزین می‌شود. مترجم به کلیه سطوح توجه داشته و تلاش می‌کند تا معادل لغوی و دستورزبانی مقصد را پیدا نماید.

ترجمه محدود: در این نوع ترجمه تمامی داده‌های زبانی مبدأ تنها در یک سطح با داده‌های زبانی مقصد جایگزین می‌شوند.

بنابراین با در نظر گرفتن مدل کتفورد، نتیجه کار ترجمه از یک متن واحد ارتباط کامل و مستقیمی با خوانندگان متن مقصد و در نظر گرفتن آن‌ها در ترجمه متن توسط مترجم دارد. کار ترجمه بسته به اینکه رسمی یا غیررسمی است و خواننده آن تحصیل کرده یا فردی از عموم مردم است، متفاوت خواهد بود.

از دیدگاه کلی (Kelly)، نادیده گرفتن جهانی‌های ترجمه و پنهان نمودن نظریه ترجمه در پشت فرمول‌های تبدیل از نواقص نظریه کتفورد است.

پیترو نیومارک^۳

نظریه ترجمه نیومارک در کتاب وی با عنوان «رویکردهایی به ترجمه»^۴ از کامل‌ترین و روزآمدترین

-
1. Full vs. partial translation
 2. Total vs. restricted translation
 3. Peter Newmark
 4. Approaches to Translation

نظریه‌های ترجمه است که دربردارنده دستورالعمل‌هایی مهم برای مترجمان است. مطابق نظریه نیومارک، ترجمه مهارتی است که در آن مترجم تلاش می‌کند تا پیام کتبی زبان مبدأ را با پیام کتبی دیگری در زبان مقصد جایگزین نماید. طی این روند گاهی ترجمه‌افزایی (Overtranslation)^۱ و گاهی ترجمه‌کاهی (Undertranslation)^۲ اتفاق می‌افتد. اختلافات بین متن مبدأ و مقصد از دیدگاه نیومارک به دلایل زیر ایجاد می‌شود:



۱. متن مبدأ ممکن است دارای مؤلفه‌هایی باشد که با مؤلفه‌های موجود در متن مقصد هم‌خوانی ندارد.
 ۲. مترجم و نویسنده می‌توانند دارای سیستم‌های ارزشی کاملاً متفاوت و نظریه‌های مختلفی در ارتباط با معنا باشند.
 ۳. مترجم می‌تواند از سبکی کاملاً متفاوت از سبک نویسنده متن اصلی استفاده کند.
 ۴. ارزش‌های ادبی، ایدئولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی جامعه زبان مبدأ می‌تواند کاملاً با ارزش‌های موجود زبان مقصد متفاوت باشد.
- نیومارک معتقد است که تئوری ترجمه نه یک نظریه و نه یک علم، بلکه دانشی است که در خصوص فرآیند ترجمه داریم و باید داشته باشیم.
- واحد ترجمه از دیدگاه نیومارک جمله است. وی ترجمه را به دو دسته تقسیم می‌کند:
۱. ترجمه ارتباطی^۳ که مشابه تعادل پویای ناپیدا است. در این ترجمه، مترجم بر آن است که بر خواننده متن مقصد همان تأثیری را بگذارد که خواننده متن مبدأ از متن اصلی گرفته است. تمرکز در این ترجمه بر پیام، خواننده و گفتار است.

۱. به عقیده نیومارک ترجمه‌افزایی زمانی روی می‌دهد که از بین رفتن معنا (به جای افزایش در تعمیم) باعث افزایش جزئیات شود.

۲. طبق نظر نیومارک، کاهش اجتناب‌ناپذیر معنای متن مبدأ که هر عمل ترجمه در پی دارد، ممکن است بسته به شرایط موجود، به تفصیل یا تعمیم در متن مقصد منجر شود، چنانچه به مورد دوم یعنی تعمیم بینجامد، آن را ترجمه‌کاهی می‌خوانند.

3. Communicative translation

۲. ترجمه معنایی^۱ که مشابه معادل صوری ناپیدا است. در این ترجمه، مترجم دو زبان را تحلیل کرده و محدودیت‌های زبانی را مد نظر قرار داده که همان معنی دقیق نویسنده از متن را دوباره ایجاد می‌نماید. تمرکز در این ترجمه بر معنا، فرآیندهای فکری نویسنده و مفاهیم ضمنی متن است.

در مقایسه این دو ترجمه، ترجمه ارتباطی ساده‌تر، روان‌تر و دارای کلمات عمومی‌تر است و تفاوت آن با ترجمه تحت‌اللفظی در توضیح و تفسیر موارد مبهم می‌باشد، در حالی که ترجمه معنایی، پیچیده‌تر و دارای جزئیات بیشتر و دقیق‌تر بوده و توجه آن بیشتر بر فکر نویسنده است..

از دیدگاه نیومارک، دست مترجم در ترجمه ارتباطی برای تصحیح متن و رفع ابهام بازتر بوده، اما در ترجمه معنایی همواره متن ترجمه شده در سطحی پایین‌تر از متن اصلی قرار دارد و معنی را تا حدودی از دست می‌دهد.

وی معتقد است که ترجمه ارتباطی برای متون روزنامه‌نگاری، غیرادبی، تبلیغاتی، اعلان‌ها، نوشتارهای استاندارد و داستان‌ها مناسب است، در حالی که ترجمه معنایی باید برای ترجمه متونی به کار رود که در آن انتقال دقیق کلمات نویسنده از اهمیت برخوردار است، مانند متون مذهبی، فلسفی، سیاسی، علمی، فنی، نقل قول، مکاتبات شخصی و ...

نیومارک ترجمه ارتباطی را «مهارت» و ترجمه معنایی را «هنر» می‌شمارد و بیان می‌دارد که بهترین روش در ترجمه ارتباطی و معنایی ترجمه تحت‌اللفظی است، به شرط آن که تأثیری برابر با متن مبدأ بر خواننده بگذارد.

از نظر نیومارک، مترجم باید از مهارت‌های زیر برخوردار باشد:

۱. دارای دانش ادبی و غیرادبی باشد که در غیر این صورت نمی‌تواند تفاسیر محتمل را از هم تمیز دهد.
۲. همواره باید سبک نوشتاری خود را بهبود بخشد.
۳. توانایی تشخیص کیفیت ادبی متن را داشته باشد.
۴. دانش مناسبی در زمینه منطقی داشته باشد.
۵. مهارت کافی در دو زبان داشته تا بتواند به نویسنده وفادار بوده و بهترین سبک مناسب با متن وی را در ترجمه به زبان مقصد مورد استفاده قرار دهد.

1. Semantic translation

۶. بین معنی صریح و ضمنی کلمات تمایز قائل شود.

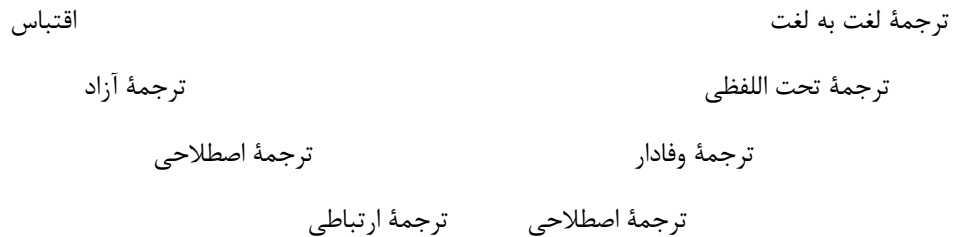
مترجم می‌بایست هم‌چنین با فنون زیر آشنایی داشته باشد:

آوانویسی (transcription)، ترجمه کلمه به کلمه، گرده‌برداری (calque)، مترادف، تحلیل، جابه‌جایی (transposition)، مدولاسیون یا تعمیم (modulation)، جبران (compensation)، تعریف، دگرگویی (paraphrase)، و...

نیومارک معتقد است که مترجم باید در ترجمه یک متن مراحل زیر را دنبال نماید:

۱. اطمینان حاصل نماید که متن را با توجه به هدف نویسنده، هدف خواننده از خواندن آن، لایه‌های فرهنگی و اجتماعی خواننده، جنسیت و شغل خاص خوانندگان درک کرده است.
۲. در مورد دسته‌بندی متن، اعم از توصیفی، اطلاعاتی یا ندایی بودن آن، تصمیم‌گیری نماید.
۳. کنایه‌دار بودن یا غیرمعقول بودن بخشی از متن را شناسایی نماید.
۴. در مورد اینکه چه نوع معنایی را باید در نظر بگیرد (اعم از معنای زبان‌شناسی، ارجاعی، فرهنگی، ضمنی، کاربردی و...) تصمیم‌گیری کند.
۵. تفسیر خود را از قسمت‌هایی از متن که مبهم هستند بیان نماید.

مدل ترجمه نیومارک به شرح زیر است:



خلاصه آن‌که اختلاف بر سر توجه به معنا در ترجمه از زمان ارسطو تا قرن بیستم ادامه یافت. این موضوع در قرن بیستم توسط دو گروه مورد توجه قرار گرفت:

۱. ساختارگرایان^۱ که وجود معنا در نشانه‌ها را انکار کرده و باور داشتند که کار مترجم ایجاد دوباره یک متن است، به صورتی که همان تأثیر متن مبدأ را در خواننده متن مقصد ایجاد نماید.

1. structuralists

۲. پیروان مدل موقعیت‌بافتی^۱ که معتقد بودند ترجمه زمانی به اندازه کافی خوب است که برای بافت اجتماعی مشابه بافت اجتماعی خوانندگان متن اصلی مناسب باشد.

پیروزی بزرگ تحقیقات در زمینه مطالعات ترجمه در قرن بیستم، بدون شک، حرکت از نظریه ترجمه به سوی علم ترجمه است. از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، مطالعات ترجمه در مقایسه با زبان‌شناسی که در تلاش برای ارائه پاسخ به تقاضای ترجمه ماشینی بود، روند ضعیف‌تری را طی کرد، چراکه ترجمه ماشینی نیازمند داشتن دانش دقیقی در زمینه تاریخ تحولات لغوی و قواعد صرف و نحو بود.

هر چند این سری مقالات می‌توانست با توجه به تعداد بسیار زیاد و متفاوت نظریات در زمینه مطالعات ترجمه بیش از این ادامه یابد، به نظر می‌رسد که ادامه این مبحث از حوصله خواننده خارج است. امید آن است که طی این سری مقالات، بخش کوچکی از حق مطلب ادا شده باشد.

با امید موفقیت روزافزون برای فعالان رشته مطالعات ترجمه.

منابع

فرحزاد، فرزانه، غلامرضا تجویدی و مزدک بلوری. فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه. شاتلورت و کاوی. تهران: یلدا قلم. ۱۳۸۵.
مجیدی، فریبرز. فرهنگ تلفظ نام‌های خاص. تهران: فرهنگ معاصر. ۱۳۸۱.

Mehdibarzi, F. (2007). *Translation Scholars*. Tehran: Daneshgahian.
Miremadi, A. (2003). *Theories of Translation and Interpretation*. Tehran: SAMT.
Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies: The Theories and Applications*. London and New York: Routledge.
Newmark, Peter. (1981). *Approaches to Translation*. Oxford: Pergamon Press.
<http://bashgah.net/pages-17590.html>. (2010).
<http://www.histal.umontreal.ca/pdfs/20thCenturyApproachesTranslation.pdf>. Bernardo, Ana Maria. (2007)



مقالات

تأثیر گذاری مبتدای (نهاد) نشان‌دار بر ترجمه فارسی داستان‌های کوتاه گوتیک ادگار آلن پو

اعظم هدایتی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس

چکیده:

در این تحقیق سعی بر آن بوده است که به دو پرسش عمده پاسخ داده شود؛ نخست، آیا یک دسته بندی متناظر برای دسته بندی مایکل هالیدی از مبتدای نشان‌دار در فارسی وجود دارد؟ و دوم، آیا ترجمه مبتدای نشان‌دار به مبتدای بی نشان تأثیری بر روند پیش برد پیام متن دارد؟

با این هدف، چهار داستان کوتاه گوتیک ادگار آلن پو به عنوان منابع اطلاعاتی تحقیق انتخاب شده اند. روشی که برای انتخاب نمونه های این تحقیق مناسب به نظر می رسد روش در دسترس بودن نمونه ها است. بدین ترتیب ۸۷ پاراگراف فارسی و انگلیسی (دو ترجمه فارسی برای هر پاراگراف) به عنوان نمونه نهایی تحقیق انتخاب شده اند. همه پاراگراف ها بر اساس دسته بندی هالیدی به اجزا سازنده خود یعنی فاعل، فعل، مفعول، متمم و... تجزیه شده و اطلاعات مربوط به هر پاراگراف در جدول مربوط به آن ثبت گردیده است.

نتایج حاصل نشان می دهد که مترجمان رویکردهای متفاوتی در ترجمه ساختار نشان‌دار زبان مبدأ به زبان مقصد داشته اند: در رویکرد نخست، ساختار نشان‌دار زبان مبدأ را به ساختاری نشان‌دار در زبان مقصد ترجمه کرده اند. در رویکرد دوم، اصل ساختار نشان‌دار زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل کرده اند. روش دوم در برخی از موارد منتهی به تبدیل در مقوله دستوری (*shifts in part of speech*) گردیده است.

واژه های کلیدی:

بافت^۱، تحلیل گفتمان^۲، جمله ساده^۳، خبر (گزاره)^۴، دستور نقش گرای نظام مند^۵، ساختار نهاد-گزاره^۶، مبتدا (نهاد)^۷، مبتدای (نهاد) نشان‌دار^۸، مبتدای بی نشان^۹

۱- مقدمه

رافل (میرعمادی، ۱۳۷۸ ص ۱۰) اظهار می‌دارد: مادامی‌که نیاز به شناخت سایر فرهنگ‌ها زیاد احساس شود، احساس نیاز به ترجمه نیز در سطح بالایی خواهد بود و علت آن این است که هر چه فرد سایر فرهنگ‌ها را بیشتر بشناسد، بیشتر به خودشناسی می‌رسد.

ترجمه به عنوان پدیده‌ای کهن، تعاریف بی‌شماری به خود دیده است. اما شاید رایج‌ترین و شایع‌ترین تعریف ترجمه را پیتر نیومارک (۱۹۸۸ ص ۷) ارائه می‌کند. او می‌گوید: ترجمه فنی است که طی آن سعی می‌شود پیام نوشتاری در یک زبان با همان پیام نوشتاری در زبان دیگر جایگزین شود. تا قبل از قرن بیستم، ویژگی مشترک ترجمه طی قرون متمادی تأکید بر قالب‌های زبانی منفک مثل کلمه، گروه، و جمله بوده است. یکی از تلاش‌های شایان ذکر قرن بیستم در حوزه ترجمه، چاپ کتاب «تئوری زبان‌شناختی ترجمه» اثر کتفورد در سال ۱۹۶۵ است. اگرچه این کتاب بر تئوری‌های زبان‌شناختی استوار است اما دامنه آن نیز به سطح «جمله» به عنوان واحد ترجمه محدود می‌شود. تلاش‌های دیگری هم‌چون دستور زباناگشتاری توسط چامسکی چارچوب‌های جدیدتری ارائه نمودند اما این چارچوب‌ها با ماهیت واقعی زبان به عنوان ابزاری جهت برقراری ارتباط تناسب نداشتند. می‌توان ادعا نمود که یکی از کاربردی‌ترین نمونه‌های زبان‌شناختی که تا حد زیادی با کاربرد زبان مطابقت داشته است، مدل مایکل الکساندر کرکوود هالییدی از تحلیل گفتمان است که در اواخر قرن بیستم مطرح و ارائه گردید (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۵ صص ۶۳-۶۴).

۲- پیشینه تاریخی تحلیل گفتمان

اگرچه تاکنون کتب، همایش‌ها و مقالات بی‌شماری به موضوع تحلیل گفتمان اختصاص یافته است اما یک اجماع کلی و جهانی مبنی بر چیستی حقیقی تحلیل گفتمان وجود ندارد. متداول‌ترین معنای موجود درباره تحلیل گفتمان به عنوان واژه‌ای عام این است: «پرداختن به واحدهای زبانی در سطح جمله یا بالاتر از جمله» (ویدوسان، ۲۰۰۴ ص ۱۵). بدین ترتیب، تحلیل گفتمان رویکردی مناسب

1. Context
2. Discourse Analysis
3. Clause
4. Rheme
5. Systemic Functional Grammar
6. Thematic structure
7. Theme
8. Marked Theme
9. Unmarked theme

برای پاسخ دادن به پرسش‌های زبان‌شناختی دربارهٔ زبان است، اگرچه تنها به این حوزه محدود نمی‌شود. پیش از معرفی تحلیل گفتمان، روش مرسوم و متداول زبان‌شناسان برای تحلیل زبان، تکیه بر قالب‌های زبان‌شناختی مجزا و منفک مثل کلمه، گروه، عبارت و جمله بود، اما تحلیل گفتمان، در مقابل، با پرداختن به کاربرد زبان در گفتمان از توالی جمله‌ها و تعامل بین گوینده-شنونده و یا نویسنده-خواننده کار خود را آغاز نمود. تحلیل گفتمان به این شیوه، نخستین بار در مقالات زلیگ هریس در سال ۱۹۵۲ مطرح گردید. از دیدگاه هریس، تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از فرایندها برای ایجاد تعادلات زیربنایی صوری در یک متن است (ویدوسان، ۲۰۰۴ ص ۱). از میان پیشرفت‌های نظری تأثیرگذار بر تحلیل گفتمان می‌توان نظریه‌های زبان‌شناختی را نام برد که توسط ویلم متیسیوس، بنیانگذار مکتب زبان‌شناختی پراگ، مطرح گردید. او معتقد است که کلام نتیجهٔ حالات عمدی ذهن است که منبع تحقق نیازهای ارتباطی است. ویلم متیسیوس Functional Sentence Perspective را به عنوان رویکردی معرفی نمود که جمله را در بافت برون‌زبانی یا بافت درون‌زبانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. رومن یاکوبسن زبانشناس صورت‌گرای آمریکایی-روسی یکی از چهره‌های سرشناسی بود که با وارد نمودن ایده‌ها و نظریات مکتب صورت‌گرای روسی به مکتب پراگ، آنرا متحول ساخت. تأثیر مکتب پراگ در طول دههٔ چهل قابل توجه بود، اگرچه فعالیت اعضا این مکتب در طول جنگ جهانی دوم محدود شد. در این زمان، یاکوبسن با مهاجرت به آمریکا حد و مرز اصول و قوانین مکتب پراگ را گسترش داد. زبان‌شناسان مکتب پراگ، از شاخص‌ترین چهره‌هایی بودند که به تحلیل گفتمان توجه نشان دادند. مایکل هالیدی با پیروی از مکتب زبان‌شناسی پراگ و مفهوم جی. آر. فرث دربارهٔ معنا به عنوان نقش در بافت برون‌زبانی، مدل خود را از تحلیل گفتمان ارائه نمود. تحلیل گفتمان مدرن تا حد زیادی تحت تأثیر اصل تشریک مساعی (cooperative principle) یا اصل همکاری گرایس (گرایس، ۱۹۷۵ ص ۴۵) قرار گرفت.

۱-۲ مدل تحلیل گفتمان مایکل هالیدی

هالیدی هدف خود را از ارائهٔ این مدل این‌گونه بیان می‌کند: «هدف ایجاد دستوری به منظور تحلیل متن بوده است، دستوری که سخن ملموس و سودمند دربارهٔ کلام مکتوب یا شفاهی در انگلیسی مدرن را ممکن سازد» (ویدوسان، ۲۰۰۴ ص ۱۷).

در این مدل، واحد تحلیل متن جمله ساده است که تفسیر آن نقش‌گرا است، یعنی با مراجعه به معنا تفسیر جملهٔ ساده ممکن است. این مدل همچنین بر این فرضیه استوار است که کاربران زبان در هر زمان و در هر موقعیتی که از زبان به منظور برقراری ارتباط استفاده کنند با گزینه‌هایی مرتبط با معنا روبرو می‌شوند که خود زبان آنها را فراهم می‌سازد.

هالیدی بافت را به دو دسته تقسیم می‌کند: الف) بافت فرهنگی ب) بافت موقعیت. دسته اول به دو زیرگروه ایدئولوژی به عنوان سطح بالاتر و ژانر به عنوان سطح پایین تر تقسیم می‌شود. ایدئولوژی نه تنها دربرگیرنده عقاید سیاسی است بلکه دربرگیرنده ارزش‌هایی است که نگرش جهانی فرد را تشکیل می‌دهد. ژانر همان مفهوم متداول و مرسوم به معنای نوع متن است. ژانر تعیین‌کننده سیاق (register) است و سیاق خود عامل معرف بافت موقعیت است. سیاق متشکل از سه متغیر است: الف) موضوع (field) ب) فضا (tenor) ج) سبک (mode). متغیر اول به محتوا و موضوع ارتباط، متغیر دوم به فضا و طرفین ارتباط، و متغیر سوم به روش و سبک ارتباط اطلاق می‌شود. حرکت از سطح بالا، یعنی بافت و زمینه، به سمت سطح پایین، یعنی متن، شامل ارتباط سه متغیر تشکیل‌دهندهٔ سیاق با سه نقش زیربنایی، یعنی نقش محتوایی یا مقصودی (ideational)، نقش اجتماعی یا بین شخصی (interpersonal) و نقش متنی (textual)، می‌باشد. هالیدی به این سه نقش زیربنایی عنوان فرانش‌ها (metafunctions) را اطلاق می‌کند و به هم‌زمانی نقش معنایی آنها در جمله ساده معتقد است. نقش محتوایی یا مقصودی نمایانگر تجربهٔ گوینده از دنیای خارج و همچنین دنیای درون اوست و با محتوای متن مرتبط است که گاهی نیز از این نقش به عنوان نقش تجربی (experiential) یاد می‌شود. نقش محتوایی یا مقصودی کلیهٔ اعمال، رویدادها، فرایندهای خودآگاه و روابط را در بر می‌گیرد. نقش اجتماعی یا بین شخصی نوع روابط میان مخاطب، متکلم، میزان صمیمیت و آشنایی آنهاست و نقش متنی نقشی است که متن را از غیر متن متمایز می‌سازد. این نقش همچنین تعیین‌کنندهٔ ساختار داخلی و آرایش عناصر سازندهٔ جمله است. این نقش تعیین می‌کند که کدام یک از عناصر جمله به عنوان مبتدا (نهاد) و کدام یک به عنوان خبر (گزاره) در جمله ایفای نقش کند.

هالیدی (۱۹۸۶ ص ۳۹) مبتدا یا نهاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «مبتدا به آن عنصر جمله گفته می‌شود که در جایگاه نخست جمله می‌آید و نشان‌دهندهٔ این است که جمله دربارهٔ چیست.» در حالت عادی و بی‌نشان مبتدا و فاعل جمله هر دو در یک عنصر با یکدیگر نمود پیدا می‌کنند. عنصری که پس از مبتدا می‌آید و دربارهٔ آن توضیح می‌دهد خبر یا گزارهٔ جمله نامیده می‌شود. چنانچه مبتدا یا نهاد جمله با فاعل یکسان نباشد در این صورت مبتدا نشان‌دار خواهد بود.

۲-۲ مبتدای (نهاد) نشان‌دار

مونا بیکر (۱۹۹۲) معتقد است معنا ارتباطی تنگاتنگ با انتخاب و گزینش دارد. بنابراین هر چه وجود عنصری در جمله الزامی تر باشد کمتر نشان‌دار خواهد بود و معنای ضعیف‌تری خواهد داشت. به عنوان مثال، قید در دستور زبان انگلیسی بیش از یک جایگاه در جمله دارد. پس، قرار گرفتن قید در

ابتدای جمله معنادارتر از سایر جایگاه‌ها ست، چون گزینه‌های دیگری نیز برای قرار گرفتن قید در جمله وجود دارد. مونا بیکر اظهار می‌دارد که دغدغه اصلی مترجم باید آگاهی و اطلاع از «نشان‌داری نسبی» (relative markedness) ساختار مبتدا - خبر باشد. این آگاهی باعث افزایش آگاهی مترجم از گزینه‌های معنادارای می‌شود که توسط نویسنده یا گوینده بیان شده است. بیکر همچنین معتقد است نشان‌داری از یک زبان به زبان دیگر متفاوت است که همین موضوع محور اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد. از دیدگاه بیکر (۱۹۹۲، ص ۱۳۲)، مایکل هالیدی، مبتدای نشان‌دار را در سه دسته عمده خلاصه می‌کند.

۱-۲-۲ مبتدای مقدم (Fronted theme): این نوع مبتدا به مبتدایی گفته می‌شود که در ابتدای جمله قرار می‌گیرد اما این جای‌گیری غیرعادی و نشان‌دار است و به اشکال گوناگون در جمله نمود پیدا می‌کند.

الف) تقدم قید زمان و مکان (fronting of time & place adjunct) : در این زیرگروه، به منظور تغییر ساختار بی‌نشان جمله به ساختار نشان‌دار، قید زمان و یا مکان به ابتدای جمله تغییر مکان می‌دهد. این نوع مبتدا، در دستور زبان انگلیسی متداول‌ترین نوع مبتدای نشان‌دار محسوب می‌شود.

ب) تقدم مفعول و متمم (fronting of object & complement) : مفعول و متمم در دستور زبان انگلیسی دارای جایگاه‌های محدودتر و مشخص‌تری در جمله می‌باشند.

ج) تقدم خبر (گزاره) (fronting of predicator) : این نوع مبتدا نادرترین نوع مبتدای نشان‌دار در دستور زبان انگلیسی است که خبر (گزاره) یا، به عبارت بهتر، فعل جمله را به جای مبتدا در آغاز جمله قرار می‌دهد.

۲-۲-۲ مبتدای (نهاد) خبری (Predicated theme): این مبتدا به همراه ساختار فاعل تهی (کم محتوی) یا ساختار (It+ be+..) همراه است. مبتدا در این گروه در ابتدای جمله قرار نمی‌گیرد بلکه مبتدا همان عنصری است که بعد از فعل معین (be) قرار دارد.

۳-۲-۲ مبتدای (نهاد) تشخیصی (Identifying theme): این نوع مبتدا تا حدودی شبیه به مبتدای خبری است اما در این گروه به جای استفاده از ساختار فاعل تهی از عنصر WH استفاده می‌شود.

برای پاسخ به فرضیه‌های تحقیق، چهار داستان کوتاه از داستان‌های گوتیک ادگار آلن پو نویسنده آمریکایی به نام‌های گربه سیاه، لیژیا، زوال خاندان آشر، قلب رازگو به عنوان منابع اطلاعاتی تحقیق انتخاب شده‌اند. با توجه به اینکه پاراگراف‌هایی که دربرگیرنده جملات بی‌نشان هستند تأثیری در ایجاد نتایج متفاوت نخواهند داشت و روش سیستمیک تصادفی برای انتخاب نمونه منجر به انتخاب چنین پاراگراف‌هایی می‌گردد از این روش جهت انتخاب نمونه استفاده نشد و از روش در دسترس بودن داده جهت انتخاب نمونه نهایی تحقیق استفاده شده است. برای هر داستان کوتاه انگلیسی، دو ترجمه فارسی انتخاب شده است. به منظور انتخاب نمونه نهایی تحقیق، ابتدا چهار داستان به طور کامل بررسی و پاراگراف‌هایی که دربرگیرنده جملات نشان‌دار هستند انتخاب و بر اساس توضیحات هالیدی درباره‌ی تحلیل و تجزیه جمله به اجزاء تشکیل دهنده زیربنایی، تجزیه و تحلیل شده‌اند. از مجموع ۱۱۵ پاراگراف در ۲۹ پاراگراف جمله نشان‌دار مشاهده شده که با احتساب پاراگراف‌های فارسی، در مجموع ۸۷ پاراگراف نمونه نهایی تحقیق را تشکیل می‌دهند. روش آماری برای تحلیل داده‌های تحقیق، فراوانی و مجذور خی می‌باشند.

۴- بررسی داده‌ها

در اینجا چند نمونه از مبتدای نشان‌دار از پاراگراف‌های مختلف به همراه ترجمه‌های فارسی جهت بررسی انتخاب شده‌اند. لطفاً به مثال‌های زیر توجه کنید.

۴-۱- مقدم قید مکان:

From that chamber, and from that mansion, I fled aghast.

ترجمه ۱: وحشت‌زده از آن اتاق و از آن خانه گریختم.

ترجمه ۲: هراسناک از آن اتاق و از آن قصر به بیرون گریختم.

قید هم در دستور زبان انگلیسی و هم در دستور زبان فارسی از نظر جایگاه قرار گرفتن در جمله از محدودیت کمتری نسبت به سایر عناصر سازنده جمله برخوردار است. در هر دو ترجمه فارسی، مترجمان ساختار نشان‌دار زبان مبدا را نادیده گرفته و به جای مقدم قید مکان به فاعل (من) عنصر دیگری (متمم) (complement) در ابتدای جمله قرار گرفته است و تبدیل در ساخت دستوری زبان مقصد به وجود آمده است.

۴-۲- مقدم قید زمان

In the meantime, the cat slowly recovered.

ترجمه ۱: در این حال، گربه به آهستگی بهبود می‌یافت.

ترجمه ۲: در این میان، گربه کم کم بهبود می یافت.

در هر دو ترجمه فارسی، با رعایت نشان داری قالب ساختار زبان مبدا، قید زمان به جایگاه نخست جمله که در حالت بی نشان به فاعل تعلق دارد منتقل شده و جمله متن مبدا به جمله نشان دار فارسی ترجمه شده است. بنابراین، محتوا و قالب زبان مبدا با رعایت اصل وفاداری به زبان مقصد منتقل شده است.

۳-۴ تقدم مفعول:

Of this spirit philosophy takes no account.

در این جمله *philosophy* فاعل و *of this spirit* مفعول جمله است که در جایگاه فاعل قرار گرفته است.

ترجمه ۱: فلسفه درباره این حالت توضیحی نمی دهد.

ترجمه ۲: از این روحیه فلسفه سخنی نمی گوید.

همان طور که مشاهده می شود در ترجمه اول، فلسفه که مبتدای (نهاد) جمله می باشد در جایگاه عادی و بی نشان خود قرار گرفته است و جمله نشان دار انگلیسی به جمله بی نشان فارسی ترجمه شده و در ترجمه دوم قالب نشان دار انگلیسی به زبان فارسی منتقل شده است اما همان طور که می دانید در زبان فارسی عبارتی که به دنبال حرف اضافه می آید عبارت قیدی است (باطنی، ۱۳۸۱ ص ۷۷). بنابراین، در ترجمه دوم تبدیل در ساخت دستوری صورت گرفته است.

۴-۴. تقدم متمم:

Mad am I not.

ترجمه ۱: دیوانه نیستم.

ترجمه ۲: دیوانه که نیستم.

در این جمله انگلیسی، *Mad* به عنوان متمم در ابتدای جمله به جای فاعل *I* قرار گرفته است. در ترجمه اول، ضمیر متصل به فعل نقش فاعل را در جمله ایفا می کند اما در عین حال فاعل (من) از ابتدای جمله حذف شده و جمله نشان دار است و در ترجمه دوم هم به همین ترتیب فاعل (من) از جمله حذف شده و ضمیر متصل به فعل نقش فاعل جمله را بازی می کند.

۴-۵. تقدم خبر (گزاره):

There came a fierce breath of the whirlwind.

ترجمه ۱: گردباد به سختی وزیدن گرفت.

ترجمه ۲: دم تند گردباد می‌آمد.

همان‌طور که در جمله انگلیسی مشخص است *Came* به جای فاعل در ابتدای جمله و فاعل بعد از آن قرار گرفته است. در ترجمه اول و همچنین در ترجمه دوم نهاد در ابتدای جمله و در جایگاه عادی و بی‌نشان خود قرار گرفته است. هر دو مترجم ساختار نشان‌دار را به ساختار بی‌نشان ترجمه کرده‌اند.

۴-۶. مبتدای خبری (نهاد گزاره‌ای):

It is by that sweet word alone by Ligeia that I bring before mine eyes in fancy the image of her who is no more.

ترجمه ۱: تنها با این نام شیرین - با لیجیا - است که در خیالم تصویر او را که دیگر نیست پیش چشم می‌آورم.

ترجمه ۲: تنها با واژه شیرین لیژیاست که تصویر او را که دیگر وجود ندارد در خیالپردازی‌هایم می‌بینم.

در جمله انگلیسی همان‌طور که مشاهده می‌شود فاعل جمله *that sweet word* است. همان‌طور که قبلاً هم گفته شد کاربرد این نوع مبتدای نشان‌دار این است که عنصری را که در جمله خبری بی‌نشان نقش فاعل را بازی می‌کند به ابتدای جمله تغییر مکان می‌دهد. چنانچه این جمله را به حالت بی‌نشان خود تغییر دهیم به این شکل تغییر می‌یابد:

That sweet word alone brings before mine eyes in fancy the image of her who is no more.

به نظر می‌رسد که هر دو ترجمه فارسی، برگردان حالت بی‌نشان این جمله به فارسی باشند نه حالت نشان‌دار جمله.

۴-۷. مبتدای تشخیصی (نهاد):

What was it that so unnerved me in the contemplation of the House of Usher?

ترجمه ۱: در تماشای خانه آش‌ر چه بود که آن اندازه پریشانم می‌کرد؟

ترجمه ۲: در مشاهده خانه آش‌ر چه بود که مرا این چنین نگران کرده بود؟

این نوع مبتدای نشان‌دار در دستور زبان انگلیسی به عنوان یک ساختار نشان‌دار متداول و مرسوم است اما در هر دو ترجمه گروه قیدی به ابتدای جمله تغییر مکان داده است و این گروه قیدی نقش فاعل را در جمله‌های فارسی بازی می‌کند.

What was in the contemplation of the House of Usher that so unnerved me?

جمله فوق حالت بی‌نشان در انگلیسی است.

۵- نتیجه‌گیری:

هالیدی عنوان مبتدا (نهاد) را به آن عنصر جمله اطلاق می‌کند که در ابتدایی‌ترین نقطه جمله قرار می‌گیرد و مابقی جمله درباره آن توضیح می‌دهد که در فارسی به آن خبر (گزاره) گفته می‌شود (عمل صالح، ۱۹۹۲، ص ۱۸۷). بنابراین، عادی‌ترین و بی‌نشان‌ترین مبتدا، مبتدایی است که با فاعل جمله هم‌پوشانی داشته باشد. الگوی زیربنایی جملات در دستور زبان انگلیسی فاعل-محموری است تا فعل-محورری؛ این بدان معناست که جملات انگلیسی به طور طبیعی با فاعل شروع می‌شوند تا با فعل که این موضوع در مورد جملات فارسی نیز صادق است. بنابراین، ساختار بی‌نشان انگلیسی S V (O) یعنی فاعل-فعل- (مفعول) است و ساختار بی‌نشان فارسی S (O) V یعنی فاعل- (مفعول)- فعل است. پرانتزها بیانگر این موضوع هستند که وجود مفعول در جمله در هر دو دستور زبان اختیاری هستند. پس، می‌توان گفت تحلیل ساختار مبتدا-خبر هالیدی تقریباً با تحلیل جملات فارسی نیز مطابقت دارد.

در ترجمه ساختار نشان‌دار، مترجمان دو رویکرد مختلف را در پیش می‌گیرند:

۱. ترجمه ساختار نشان‌دار زبان مبدأ به ساختار نشان‌دار در زبان مقصد. به این ترتیب، در نگاه اول ممکن است به نظر برسد اصل وفاداری به زبان مبدأ رعایت نشده است؛ با وجود این، مقصود اصلی نویسنده در انتقال معنای خاص از طریق نشان‌دار نمودن یک عنصر در جمله رعایت شده است. در این صورت، مترجم نه معنای صوری و نه معنای ضمنی را از دست نداده است.

۲. ترجمه یا به عبارت بهتر انتقال عین ساختار نشان‌دار از زبان مبدأ به زبان مقصد. در این صورت، مترجم ظاهراً به متن مبدأ وفادار بوده است اما چه بسا ساختار نشان‌دار منتقل شده در زبان مقصد نشان‌دار نباشد. بنابراین، مترجم قالب زبان مبدأ را حفظ کرده است اما معنای ضمنی خاصی را که نویسنده متن اصلی درصدد انتقال آن از طریق ساختار نشان‌دار بوده از دست داده است. علاوه بر این، همانطور که در تحقیق هم نشان داده شده است در برخی موارد این رویکرد در ترجمه باعث تبدیل در ساختار دستوری زبان مقصد می‌شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مترجمان نسبت به معنای ضمنی ساختارهای نشان‌دار چندان حساسیت و توجهی نشان نمی‌دهند و تنها سعی می‌کنند قالب مبدأ را بدون توجه به نشان‌دار یا بی‌نشان بودن و بدون توجه به ساختار دستوری آن به زبان مقصد منتقل کنند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دستور نظام‌مند نقش‌گرای هالیدی اگرچه در بسیاری از موارد با زبان فارسی مطابقت دارد (باطنی، ۱۳۸۱ ص ۲۰) اما مترجمان در ترجمه مبتدای نشان‌دار هالیدی از انگلیسی به فارسی با مشکل مواجه هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که مترجمان تمایل بیشتری به استفاده از فعل در ابتدای جمله دارند که این با ماهیت ضمیراندازی زبان فارسی مرتبط است به همین دلیل در بیشتر موارد ساختار نشان‌دار انگلیسی به ساختار بی‌نشان فارسی ترجمه شده است چون در این صورت جایگاه نخست جمله را گروه فعلی به جای فاعل اشغال می‌کند.

تحلیل آماری داده‌ها نشان می‌دهد در چهار داستان گوتیک انگلیسی، تقدم قید زمان با فراوانی ۴۶.۰۳٪، از بالاترین میزان فراوانی و مبتدای تشخیصی با ۰.۷۹٪ کمترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده است. همچنین، محاسبه مجذور خی برای پاراگراف‌های زبان مبدا و پاراگراف‌های ترجمه نشان می‌دهد که برای مقدار ۶ به عنوان درجه آزادی ۱۲.۵۹ یا مقدار بالاتری نیاز است تا در ۰.۰۵ معنادار باشد. مقدار مجذور خی برای داستان‌های انگلیسی ۴.۱۲، برای ترجمه اول ۸۱.۲۵ و برای ترجمه دوم ۲۲.۶۴ است. این مقادیر نشان می‌دهد که تفاوت بین مقدار دسته‌بندی‌های مختلف مبتدای نشان‌دار معنادار است که این معناداری بدان معناست که تفاوت مشاهده‌شده تصادفی نمی‌باشد. در جدول و نمودار زیر نحوه توزیع مبتدای نشان‌دار در جملات انگلیسی و فارسی نشان داده شده است.

جدول‌ها:

نوع	مبتدای مقدم					مبتدای خبری	مبتدای تشخیصی
	تقدم قید مکان	تقدم قید زمان	تقدم خبر (گزاره)	تقدم مفعول	تقدم متمم	ساختار شکاف‌دار	ساختار نیمه-شکاف‌دار
فراوانی جملات انگلیسی	۷.۹۳٪	۴۶.۰۳٪	۳.۱۷٪	۹.۵۲٪	۲۳.۸٪	۷.۹۳٪	۰.۷۹٪
ترجمه ۱	۱۱.۷۶٪	۳٪	۰	۰	۰	۰	۰
ترجمه ۲	۶.۲۵٪	۱۰٪	۰	۰	۰	۰	۰

- Amalsaleh, E. (1991). *The T/R Organization of English and Persian Paragraphs: A Comparative Study of the Textual, Ideational, and Interpersonal Functions*. M.A. Thesis. Shiraz University.
- Baker, M. (1992). *In Other Words: A Coursebook on Translation*. London/New York: Routledge.
- Firbas, J. (1997). *Functional Sentence Perspective in Written and Spoken Communication*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Grice, P. (1975). Logic and Conversation. In P. Cole., & J. Morgan (Eds.). *Syntax and Semantics 3: Speech Acts*. Academic Press, pp 41-58.
- Halliday, M. A. K. (1986). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- Miremadi, A. (1999). *Theories of Translation and Interpretation* (6th ed.). Tehran: Tehran University Press.
- Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. Hertfordshire: Prince Hall International Ltd.
- Poe, E. A. (2002). *The Complete Tales and Poetry of Poe*. New Jersey: Castle Book.
- Widdowson, H. G. (2004). *Text, Context, Pretext: Critical Issues in Discourse Analysis*. Oxford: Blackwell Publishing.

باسمنجی، کاوه (۱۳۸۸) «نقاب مرگ سرخ و هیجده قصه‌ی دیگر از آلن پو»، مترجم، چاپ دوم، تهران، نشر روزنه‌کار.

باطنی، محمدرضا (۱۳۸۱) «توصیف دستوری زبان فارسی»، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۸۵) «درآمدی بر اصول و روش ترجمه»، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

ملک‌آرا، بیتا (۱۳۸۷) «یک بعد از ظهر با ادگار آلن پو»، مترجم، تهران، نشر شهر خورشید.

میرعلایی، احمد «زوال خاندان آشر» مترجم، در داستان و نقد داستان (۱۳۷۹)، جلد دوم، صص ۳۰۵-۳۳۲.

افشار، حسن (۱۳۸۲) «یک صخره، یک ابر، یک درخت»، مترجم، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.

مسائل فرهنگی در ترجمه کتب راهنمای جهانگردی در ایران: مشکلات و رهنمودها از دیدگاه نظریه اسکوپوس



محمدرضا طالبی نژاد^۱

فروغ کریمی پور دوانی نژاد^۲

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا

چکیده:

تحقیق حاضر به دنبال بررسی این مسأله است که آیا عدم توجه یا توجه نامطلوب به ترجمه مسائل فرهنگی در کتب راهنمای جهانگردی در ایران می‌تواند علت ناتوانی در برقراری ارتباط و به تبع آن ناکارآمدی در جذب جهانگرد باشد. این کتب به علت ماهیت و هدف ارتباطی‌ای که دارند به شدت تحت تأثیر فرهنگ هستند و برای برقراری ارتباط بین فرهنگی نیازمند ترجمه‌ای هستند که همان تأثیر متن مبدأ را بر خواننده مقصد داشته باشد. این تحقیق قصد دارد با مقایسه سه کتاب راهنمای جهانگردی فارسی با ترجمه انگلیسی آنها در سطح لغت، عبارت و جمله فرآیندهای ترجمه‌ای نامناسب را از دیدگاه نظریه اسکوپوس شناسایی و رهنمودهای مناسب را ارائه کند.

واژه‌های کلیدی:

ترجمه مناسب، فرآیندهای ترجمه، فرهنگ، ارتباط، نظریه اسکوپوس، کتاب راهنمای جهانگردی

۱- مقدمه

ترجمه کتب راهنمای جهانگردی در کشوری مثل ایران بسیار اهمیت دارد. این کتب هدف ارتباطی دارند و تحت تأثیر فرهنگ هستند. چون ایجاد ارتباط با استفاده از زبان (گفتار، نوشتار، علائم و...) صورت می‌پذیرد و زبان ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ دارد. در این ایجاد ارتباط فرستنده پیامی را به گیرنده می‌فرستد. فرستنده و گیرنده هر کدام متأثر از فرهنگ خود هستند و واژگان هر زبان نیز نمود فرهنگی خاص خود را دارند. درک معنای واژگان فرهنگی بدون داشتن دانش زبانی و فرهنگی کافی مسیر نیست (Nida, 1964). برای ایجاد ارتباط بین فرهنگی، ترجمه‌ای نیاز است که فرای

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

مرزهای زبانی و فرهنگی سیر کند و اهداف ارتباطی متن مبدأ را در متن مقصد بازسازی کند. چنین ترجمه‌ای همانند پلی میان زبان و فرهنگ مبدأ و مقصد است (House, 2009).

مطالعاتی که تا کنون انجام شده‌اند همه به عناصر فرهنگی (سنت‌ها، مراسم، لباس‌ها، معماری، نقاط دیدنی، مکان‌های باستانی و مذهبی و غذاها و ...) موجود در کتب راهنمای جهانگردی اشاره می‌کنند و مشکلات ناشی از ترجمه نامطلوب آنها را بیان می‌کنند. اما به ندرت راه‌حلی بر مبنای نظریه ترجمه‌ای خاصی ارائه می‌کنند.

۱-۱ بیان مسأله: به گزارش سازمان جهانی جهانگردی (World Tourism Organization) نسبت گردشگر داخلی به خارجی در ایران ۱۰ به ۱ است. یعنی ایران با تمام توانایی‌های بالقوه‌اش در جذب جهانگرد چندان موفق نیست! (Nobakht & Piruz, 2008)

۲-۱ هدف تحقیق: تحقیق حاضر قصد دارد با استفاده از نظریه اسکوپوس فرآیندهای نامناسب ترجمه‌ای به کار رفته برای مسائل فرهنگی را شناسایی و رهنمودهای مناسب را ارائه کند تا به کمک آن سازمان جهانگردی مشکلات فعلی کتب راهنمای جهانگردی را حل کند. همچنین قصد دارد نتایج حاصل از تحقیق را به عنوان مطالب آموزشی عملی برای دانشجویان کارشناسی ارشد مترجمی به کار گیرد.

۳-۱ پرسش‌های تحقیق:

پرسش اول: آیا عدم توجه یا توجه نامطلوب به ترجمه مسائل فرهنگی در کتب راهنمای جهانگردی در ایران می‌تواند علت ناتوانی در برقراری ارتباط و به تبع آن ناکارآمدی در جذب جهانگرد باشد؟

پرسش دوم: آیا می‌توان فرآیندهای ترجمه‌ای نامناسب را با استفاده از نظریه اسکوپوس شناسایی و رهنمودهای مناسب را ارائه کرد؟

۲- ترجمه

این بخش به اختصار ماهیت ترجمه، ارتباط ترجمه با نظریه ترجمه و ارزیابی ترجمه را شرح می‌دهد.

۲-۱ ماهیت ترجمه: از دو دیدگاه می‌توان ترجمه را بررسی کرد: فرآیند (process) و محصول (product). این تحقیق دیدگاه اول را دنبال می‌کند که در آن متن مبدأ ابتدا در ذهن مترجم تجزیه و تحلیل می‌شود سپس با در نظر گرفتن شرایط خاصی در متن مقصد بازسازی می‌شود. ترجمه را می‌توان به دو صورت معنایی (semantic) و ارتباطی یا پیامی (communicative) هم در نظر

گرفت. در ترجمه معنایی وفاداری به متن مبدأ اهمیت دارد در حالی که در ترجمه ارتباطی ایجاد ارتباط با خواننده مقصد اهمیت بیشتری دارد.

نمونه‌ای از ترجمه ارتباطی و معنایی:

More Catholic than the Pope (Safavi, 1992)

ترجمه معنایی: کاتولیک تر از پاپ

ترجمه ارتباطی: کاسه داغ تر از آش / دایه دل‌سوزتر از مادر

با توجه به این مثال‌ها و اهداف ارتباطی کتب راهنمای جهانگردی می‌توان دریافت که این تحقیق از ترجمه ارتباطی استفاده می‌کند.

دیدگاه‌هایی نیز در مورد دانش (science)، هنر (art) و یا مهارت (craft) بودن ترجمه وجود دارند که در این تحقیق جای بحث ندارند.

۲-۲ ارتباط ترجمه با نظریه ترجمه:

نظریه ترجمه خاص این امکان را می‌دهد تا مشکلی شناسایی، رهنمودهای ممکن ارائه و از میان آنها بهترینشان انتخاب شود (Pym, 2010). نظریه‌های زبانشناسی ترجمه (Linguistic theories of translation)، متن مبدأ و مقصد و نحوه جایگزینی واژگان مبدأ را بررسی می‌کنند. بدین ترتیب از زبان در ارتباط بین زبانی استفاده می‌کنند. نظریه‌های فرهنگی ترجمه (Cultural theories of translation)، به معیارهای فرازبانی توجه دارند. بر اساس این نظریه‌ها، ترجمه فرهنگ به معنای ترجمه نظامی از معانی است که حامل معانی زبانی و غیر زبانی می‌باشد.

(Solange Mahi, 1993).

نظریه ارتباط (Communication theory) معتقد است نظام ارتباطی کارآمد نظامی است که اطلاعات را با کمترین میزان حشو (redundancy) و اختلال (noise) منتقل کند (Palmer, 1971).

با توجه با آنچه گفته شد برای ارزیابی فرآیندهای ترجمه به کار رفته برای مسائل فرهنگی در کتب راهنمای جهانگردی باید به دنبال نظریه‌ای از جنس نظریه‌های فرهنگی ترجمه و هماهنگ با نظریه ارتباط باشیم.

۳-۲ ارزیابی ترجمه:

Lauscher به دو نگرش در ارزیابی ترجمه اشاره می‌کند:

نگرش مبتنی بر معادل‌یابی (Equivalent- based approach) و نگرش کاربردی یا نقش‌گرا (Functional approach).

توجه نگرش اول معطوف به معادل است و ترجمه را فرآیندی دو قطبی می‌داند که در آن مترجم دائماً به متن مبدأ رجوع می‌کند تا به آن وفادار بماند. در نگرش دوم متن مقصد و فرهنگ آن تعیین‌کننده هدف ترجمه هستند. پایه این نگرش نظریه اسکوپوس (Skopos theory) است. بنیانگذار این نظریه Vermeer است (Lauscher, 2000). طبق این نظریه:

- ۱- متن مقصد باید انسجام درونی داشته باشد (Coherence rule).
- ۲- متن مقصد باید با متن مبدأ هماهنگ باشد (Fidelity rule).
- ۳- متن مقصد (translatum) با هدف آن تعیین می‌شود.
- ۴- هدف متن مقصد به خوانندگان مقصد و پس‌زمینه فرهنگی آنها بستگی دارد.
- ۵- متن مقصد نوعی اطلاع‌رسانی ثانویه است.

(Munday, 2001)

بنابراین نظریه اسکوپوس به دنبال بومی‌سازی (Domestication) است. جدول زیر تفاوت بومی‌سازی و بیگانه‌سازی (Foreignization) را در ترجمه نشان می‌دهد.

Table 2.1 Domestication and Foreignization (Rahimi, 2008)

بیگانه‌سازی (Foreignization)	بومی‌سازی (Domestication)
وفاداری به متن مبدأ	استفاده از فرآیندهای ترجمه‌ای مثل 1. Transference 2. Naturalization 3. Shift 4. Functional equivalent 5. Paraphrase 6. Translation label 7. Literal translation 8. Modulation (Newmark, 1988)
دقیق / مبهم / غیرقابل فهم / بین‌متنی	طبیعی / واضح / قابل فهم / درون‌متنی
دنبال کردن ترتیب واژگانی مبدأ	دنبال کردن ترتیب واژگانی مقصد
زبانی	کاربردی (نقش‌گرا)

محقق در سطر اول (فرآیندهای ترجمه) جدول فوق اصلاحاتی انجام داده است.

۳. روش ها و مواد : تحقیق حاضر با روشی توصیفی، داده‌ها را جمع‌آوری ، فرآیندهای نامناسب ترجمه‌ای را به کمک نظریه اسکوپوس شناسایی و رهنمودهای مناسب را ارائه می‌کند.

۱-۳ مواد: مواد مورد استفاده در این تحقیق ۳ کتاب راهنمای جهانگردی به زبان فارسی و ترجمه انگلیسی آنها به شرح زیر است:

- ۱- (Yaghubi, 2006) راهنمای سفر به استان فارس-1
Translation: Travel Guide to Fars (Beheshti, 2007),
- ۲- (Zendehdel, 2007) ایران در یک نگاه
Translation: Iran at a Glance (Hakimian, 2007), and
- ۳- (Atapour, 2009) نگاهی کوتاه به اصفهان-3
Translation: Isfahan at a Glance (Atapour, 2009)

برای سهولت کار، عناوین این کتب به اختصار به صورت مقابل به کار می‌روند: 1.TGF, 2.Ir G, and 3.Is G

این کتب به علت در دسترس بودن، جدید بودن، تجدید چاپ و در برگرفتن عناصر فرهنگی ایران و دو شهر مهم آن (شیراز و اصفهان) در زمینه جذب جهانگرد انتخاب شده‌اند. علاوه بر این کتب، کتب زیر هم برای بررسی فرآیندهای ترجمه‌ای عناصر فرهنگی به کار رفته‌اند.

1. *Routledge Encyclopaedia of Translation Studies (Second ed.)*. (2009). NY: Routledge.
2. *Encyclopedia of Tourism*. (2000). NY: Routledge.
3. *Dictionary of the American Heritage (Forth Ed.)*. (2006). NY: Dell Publishing.

۲-۳ فرآیند بررسی و ارزیابی داده‌ها: محقق، در بخش تحلیل داده‌ها، فرآیندهای ترجمه‌ای به کار رفته برای عناصر فرهنگی موجود در ۳ کتاب راهنمای جهانگردی ذکر شده و ترجمه آنها را در سطح لغت، عبارت و جمله پیدا می‌کند و فرآیندهای نامناسب ترجمه‌ای را با علامت ستاره مشخص می‌کند.

سپس در بخش بحث، دلایل ناکارآمدی این فرآیندها را به کمک اصول نظریه اسکوپوس، نظریه ارتباط و اصول تشریک مساعی (Cooperative principles) که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند بیان و ترجمه مناسب را ارائه می‌کند. بعد از آن نتیجه‌گیری انجام می‌شود.

۴. تحلیل داده‌ها:

در باره ترجمه

در این بخش داده‌های به‌دست‌آمده برای فرآیندهای ترجمه‌ای به کار رفته برای عناصر فرهنگی در ۳ کتاب ذکر شده و ترجمه آنها در سه سطح لغت، عبارت و جمله قرار می‌گیرند و فرآیندهای نامناسب ترجمه‌ای با علامت ستاره مشخص می‌شوند.

۱-۴ داده‌ها در سطح لغت:

بختیاری، بلوچ، تکیه، تیمچه

Transference: Bakhtiari, Baluch, *tekieh, *timcheh
TGF, P 138,138,92,93

آریایی، قشقایی، شاهنامه، کوروش، خشایار

Naturalization: Aryan, Qashqai, shahnameh, Cyrus, Xerexes
TGF,p19,138,13,26

آتشگاه، فالگوش

Transference & Literal translation: *atashgah(fire temple), falgush (fortune hearing)
IrG,p35-TGF,p12

چهارشنبه سوری

Transference&Translation label: *Chaharshanbeh Suri ("Wednesday fire")
TGF,p122

حاجی فیروز

Transference & Paraphrase: *Hajji Firuz (the traditional herald of Nouruz season)
TGF,p123

پایتخت، سیاه‌چادر

Literal translation: *capital city, *black tent
IsG,p3-TGF,p147

۲-۴ داده‌ها در سطح عبارت:

استان اصفهان، شهر برجسته

Literal translation: *Province Isfahan, * a city leading

IsG,p2,3

مسجد جامع، میدان کهنه

Transference: *Masjed Jame, *Meydan Kohneh
IsG,p38,14

خانه‌های چوبی، سقف‌های گنبدی شکل

Shift: wooden houses, dome-shaped roofs
IrG,p71,71

نان سنگک، بازار قیصریه

Transference & literal translation: *Sangak bread, Qesarieh Bazaar
IrG, p62-IsG,p3

۳-۴ داده‌ها در سطح جمله :

شواهدی مستدل حاکی از این است که داریوش پیرو آیین زرتشت بود و از هیچ تلاشی در گسترش این آیین در سراسر قلمرو امپراطوری ایران دریغ نکرد.

Modulation (Negated contrary): *There are reasonable grounds to believe that Darius may have contributed to the wide spread of Zoroastrianism in Iran. (TGF,p26)

زنان قشقایی هیچ‌گاه موهای خود را کوتاه نمی‌کنند.

Literal translation: *Qashqai women never cut their hair short. (TGF,p143)

این مسجد برای استفاده عموم ساخته شده است و معمار آن استاد علی اکبر اصفهانی بوده که معمار برجسته عصر صفوی است و نام او در سردر مسجد وجود دارد.

Shift (a complex sentence to two simple sentences) & Modulation (active to passive): *This mosque was a public one and Master Ali Akbar Isfahani is its architect who has been very famous at his time. His name is carved on top of the mosque portal. (IsG,p7)

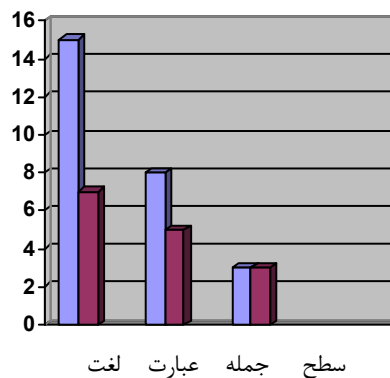
۵- بحث: در این بخش داده‌ها از نظر پرسش‌های تحقیق (پرسش‌های زیر) بررسی می‌شوند.

پرسش اول: آیا عدم توجه یا توجه نامطلوب به ترجمه مسائل فرهنگی در کتب راهنمای جهانگردی در ایران می‌تواند علت ناتوانی در برقراری ارتباط و به تبع آن ناکارآمدی در جذب جهانگرد باشد؟

پرسش دوم: آیا می‌توان فرآیندهای ترجمه‌ای نامناسب را با استفاده از نظریه اسکوپوس شناسایی و رهنمودهای مناسب را ارائه کرد؟

۵-۱: بحث در مورد داده‌ها از دیدگاه پرسش اول: از ۱۵ داده در سطح لغت ۷ مورد، از ۸ داده در سطح عبارت ۵ مورد، و از ۳ داده در سطح جمله ۳ مورد از فرآیندهای ترجمه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در فرآیند ارتباط بین فرهنگی اختلال ایجاد کرده‌اند (۱۵ از ۲۶ = ۵۷/۶۹٪) که تأیید کننده صحت پرسش اول می‌باشد. در شکل زیر ستون‌های سمت چپ تعداد کل فرآیندهای ترجمه‌ای و ستون‌های سمت راست تعداد فرآیندهای ترجمه‌ای نادرست به کار رفته در هر سطح را نشان می‌دهند.

Figure 5.1 The Number of Appropriate & Inappropriate Translation Procedures



۵-۲: بحث در مورد داده‌ها از دیدگاه پرسش دوم:

۵-۲-۱: بحث در مورد فرآیندهای ترجمه‌ای نادرست در سطح لغت:

•Transference: *tekieh, *timcheh

استفاده از فرآیند transference به تنهایی اطلاعات کافی در زبان مقصد را فراهم نمی‌کند و اصل quantity از اصول تشریح مساعی رعایت نمی‌شود. بنابراین این ترجمه نمی‌تواند با خواننده مقصد ارتباط موثقی برقرار کند.

ترجمه مناسب: استفاده از paraphrase & transference با هم متن منسجمی در زبان مقصد بوجود می‌آورد و به خواننده مقصد این امکان را می‌دهد تا درک درستی از ترجمه داشته باشد.

tekieh (a site for holding religious ceremonies)

timcheh (originally a small caravanserai and now a roofed area inside the bazaar)

• **Transference & Literal translation: *atashgah (fire temple)**

فرآیند literal translation به تنهایی با خواننده مقصد ارتباط مناسبی برقرار می‌کند و استفاده از transference حشو به حساب می‌آید و اصل quantity از اصول تشریک مساعی رعایت نمی‌شود (Yule, 1996).

ترجمه مناسب: fire temple

• **Transference & Translation label: *Chaharshanbeh Suri ("Wednesday fire")**

استفاده از transference مناسب است اما translation label اطلاعات کافی فرآهم نمی‌کند و اصل (متن مقصد اطلاع‌رسانی ثانویه است) از نظریه اسکوپوس و اصل quantity از اصول تشریک مساعی رعایت نمی‌شوند.

ترجمه مناسب: استفاده از paraphrase & transference انسجام درونی و هماهنگی (Coherence & fidelity rules) با متن مبدأ را حفظ می‌کند.

Chaharshanbeh Suri (the last Wednesday of Iranian calendar which is celebrated by making fire)

• **Transference & Paraphrase: *Hajji Firuz (the traditional herald of Nouruz season)**

استفاده از paraphrase & transference با هم لازم است اما نوروز فصل نیست و این انتقال نادرست اطلاعات است که اصل quality از اصول تشریک مساعی رعایت نمی‌کند. (Yule, 1996).

ترجمه مناسب: حذف لغت Hajji Firuz (the traditional herald of Nouruz) season

• **Literal translation: *capital city, *black tent**

استفاده از لغت city حشو به حساب می‌آید و اصل quantity از اصول تشریک مساعی رعایت نمی‌شود.

ترجمه مناسب: استفاده از capital به تنهایی و حذف لغت city.

black tent بار فرهنگی لازم را به زبان مقصد منتقل نمی‌کند و در زبان مقصد با یک چادر (مسافرتی) به رنگ سیاه تفاوتی نخواهد داشت در حالیکه منظور در متن مبدأ چادر عشایری بافته

شده از پشم بز است. بدین ترتیب با متن مبدأ هماهنگ نیست و *fidelity rule* رعایت نشده است. ترجمه مناسب: *nomadic tent*.

۲-۲-۵ بحث در مورد فرآیندهای ترجمه‌ای نادرست در سطح عبارت:

• **Literal translation: *Province Isfahan, * a city leading**

در ترجمه‌های فوق از ترتیب واژگانی متن مبدأ استفاده شده که در زبان مقصد طبیعی نیست و مخالف با بومی‌سازی است. بدین ترتیب از دید نظریه اسکوپوس درست نمی‌باشد.

ترجمه مناسب: استفاده از ترتیب واژگانی متن مقصد *Isfahan Province, a leading city* (shift)

• **Transference: *Masjed Jame, *Meydan Kohneh**

ترجمه‌های بالا هیچ اطلاعاتی را به خواننده مقصد منتقل نمی‌کنند و ارتباط بین فرهنگی رخ نمی‌دهد.

ترجمه مناسب: *literal translation*

Congregational Mosque(shift)/ Jame Mosque
The Old Square (shift)

• **Transference & literal translation: *Sangak bread**

ترجمه‌های بالا فقط معنی نان را القاء می‌کند اما یک جهانگرد در سفارش دادن غذا نمی‌تواند از آن استفاده کند چون درک درستی از نوع آن ندارد. به عبارتی این ترجمه اطلاعات کافی نمی‌دهد و اصل *quantity* از اصول تشریک مساعی رعایت نمی‌شود.

ترجمه مناسب: استفاده از *paraphrase* به همراه *transference* و حذف لغت *bread*.

Sangak (thin bread which is baked over gravels)

۳-۲-۵ بحث در مورد فرآیندهای ترجمه‌ای نادرست در سطح جمله:

شواهدی مستدل حاکی از این است که داریوش پیرو آیین زرتشت بود و از هیچ تلاشی در گسترش این آیین در سراسر قلمرو امپراطوری ایران دریغ نکرد.

• **Modulation (Negated contrary): *There are reasonable grounds to believe that Darius may have contributed to the wide spread of Zoroastrianism in Iran.**

در مقابل 'گسترش' از the wide spread of و در مقابل 'قلمرو امپراطوری ایران' از Iran استفاده شده است. این اضافه و حذف کردن نابجا باعث عدم هماهنگی با متن مبدأ و عدم رعایت fidelity rule می‌شود.

ترجمه مناسب:

There are reasonable grounds to believe that Darius may have contributed to the spread of Zoroastrianism in Iran's Empire.

زنان قشقای هیچ‌گاه موهای خود را کوتاه نمی‌کنند.

• **Literal translation: *Qashqai women never cut their hair short.**

cut به تنهایی به معنی کوتاه کردن مو است و استفاده از لغت short حشو به حساب می‌آید و اصل quantity از اصول تشریک مساعی رعایت نمی‌شود. ترجمه مناسب: Qashqai women never cut their hair.

این مسجد برای استفاده عموم ساخته شده است و معمار آن استاد علی اکبر اصفهانی بوده که معمار برجسته عصر صفوی است و نام او در سر در مسجد وجود دارد.

• **Shift (a complex sentence to two simple sentences) & Modulation (active to passive): *This mosque was a public one and Master Ali Akbar Isfahani is its architect who has been very famous at his time. His name is carved on top of the mosque portal.**

در مقابل 'عصر صفوی' از at his time و در مقابل 'در سر در مسجد وجود دارد' از is carved on top of the mosque portal استفاده شده است. این عدم هماهنگی با متن مبدأ fidelity rule را نادیده می‌گیرد و در مورد اول باعث ایجاد ابهام و عدم رعایت اصل manner از اصول تشریک مساعی هم می‌شود.

در مقابل 'برجسته' از famous استفاده شده در حالیکه می‌توان از معادل مناسبتری مثل prominent استفاده کرد.

با وجود تبدیل جمله متن مبدأ به دو جمله ساده‌تر مشکل هنوز هم وجود دارد. تبدیل آن به سه جمله کوتاه و ساده در زبان مقصد ارتباط بهتری با خواننده مقصد برقرار می‌کند.

ترجمه مناسب:

This mosque was a public one. It was built by Ali Akbar Isfahani who was one of the prominent architects of Safavid era. His name exists on top of the mosque portal.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دریافت نظریه اسکوپوس در شناسایی فرآیندهای نادرست ترجمه و ارائه راه حل، توانایی لازم را دارد. بدین ترتیب صحت پرسش دوم هم تأیید می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری: ۱۵ مورد از ۲۶ مورد (بیش از نیمی) از فرآیندهای ترجمه‌ای به کار رفته برای عناصر فرهنگی در کتب راهنمای جهانگردی نادرست بوده‌اند. کاملاً واضح است که این مشکل، مانعی در برقراری ارتباط بین فرهنگی است و پیامد آن ناکارآمدی در جذب جهانگرد است. به کمک نظریه اسکوپوس، که ارتباط تنگاتنگی با نظریه ارتباط و اصول تشریح مساعی دارد، می‌توان با توجه به هدف متن مبدأ، فرآیندهای ترجمه‌ای نامناسب را شناسایی و سپس با در نظر گرفتن موقعیت خواننده مقصد و پس زمینه فرهنگی او، همان هدف را در قالب متنی طبیعی، واضح و قابل فهم در زبان مقصد به منظور بومی‌سازی و با کمک فرآیندهای ترجمه‌ای مناسب از دید نظریه اسکوپوس بازسازی کرد. چنین ترجمه‌ای در زبان مقصد از انسجام درون‌متنی برخوردار است و از هماهنگی با متن مبدأ (هماهنگی بین‌متنی) هم بی‌بهره نیست.

منابع

- صدیق بهزادی، ماندانا. شیوه نامه ضبط اعلام انگلیسی در فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. صفوی، کوروش. هفت گفتار درباره ترجمه. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱، ص ۱۶.
عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.

- Atapour, M. H. (2009). *Isfahan at a glance*. (B. Oliya, Trans.). Isfahan: Atapour Publication.
Dictionary of Language Teaching & Applied Linguistics (New Ed.). (1992). UK: Longman.
Dictionary of the American Heritage (Forth Ed.). (2006). NY: Dell Publishing.
Encyclopedia of Tourism. (2000). NY: Routledge.
House, J. (2009). *Translation*. Oxford: Oxford University Press.
Karimipur Davaninezhad, F. (2009, October 9). Cross cultural communication and translation. *Translation Journal*. Retrieved October 9, 2009, from <http://www.translationjournal.net/journal/50culture.htm>

- Lauscher, S. (2000). Translation quality assessment: where can theory and practice meet. *The Translator*, Volume6, number2, 149-168.
- Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. UK: Prentice Hall.
- Nida, E. (1964). *Towards a science of translating: with special reference to principles and procedures involved in Bible translating*. Netherlands: Brill Academic Publishers.
- Palmer, F. R. (1971). *Semantics: a new outline*. (K. Safavi, Trans.). Tehran: Markaz Publication.
- Pym, A. (2010). *Exploring translation studies*. NY: Routledge.
- Routledge Encyclopedia of Translation Studies (Second ED.)*. (2009). NY: Routledge.
- Solange Mahi, A. (1993). *The challenges of cross-cultural communication: how to express the cultural elements in translation*. Master thesis. Faculty of Graduate Studies, York University.
- Wikipedia, the Free Encyclopedia*. Retrieved July 30, 2009, from <http://en.wikipedia.org/wiki/Tourism>.
- Yaghubi, H. (2006). *Travel guide to Fars*. (O. Behashti, Trans.). Tehran: Rowzaneh Publication.
- Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University Press.
- Zendehdel, H. (2007). *Iran at a glance*. (A. H. Hakimian, Trans.). Tehran: Irangardan Publication.



مدل‌ها، سیاق‌ها، انواع متن و روش‌های ترجمه

عباس مهدی^۱

کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

چکیده

مباحث نظری و گاه پیچیده ترجمه و اصطلاحات رایج در آن همیشه مشکلاتی برای کسانی که وارد رشته مترجمی زبان انگلیسی می‌شوند به وجود می‌آورد. هم‌پوشانی حوزه معنایی لغاتی مثل *model*، *technique*، *procedure*، *method* و تعابیری چون متن و انواع آن دانشجویان فارسی‌زبان و حتی کسانی را هم که انگلیسی زبان مادریشان است با سردرگمی‌هایی مواجه می‌کند. تقریباً در حال حاضر شاید نتوان کتاب یا مقاله‌ای پیدا کرد که این مباحث یکجا در آن آمده باشد و دانشجوی تازه‌کار بتواند با مقایسه آنها به یک شناخت کلی برسد. نگارنده مقاله خود یکی از کسانی است که تا دو سال اول دوره کارشناسی نتوانست بین این تعابیر تفکیک قائل شود و همیشه به دنبال منبعی بود که همه اینها در آن جمع شده باشد. لذا با نیت کمک به دانشجویان تازه‌وارد به عرصه ترجمه، در این مقاله تلاش می‌شود تا درباره انواع مدل‌ها، سیاق‌ها، انواع متون و روش‌های ترجمه مطالب مختصری ارائه شود.

واژه‌های کلیدی:

مدل، تعریف مدل، سیاق، روش یا روش‌های ترجمه، انواع متن

مقدمه

تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم تعداد اصطلاحات ترجمه به عدد انگشتان دست هم نمی‌رسید. تا این تاریخ واژه‌هایی چون تعادل (equivalence)، تناظر (correspondence)، ترجمه آزاد و تحت اللفظی و چند واژه و اصطلاح دیگر در عرصه بی‌در و پیکر ترجمه ترک‌تازی می‌کردند. با ورود به دهه شصت قرن بیستم و تولد نظریه‌های مختلف در زبانشناسی، تعامل حوزه‌های علوم انسانی مثل فرهنگ و جامعه‌شناسی و متعاقب آن تحول در عرصه ترجمه و مطالعات آن، سیل عظیمی از اصطلاحات و تعابیر خاص ترجمه روانه متون مرتبط گردید. از این تاریخ به بعد روند علمی شدن

1. Abbas_mh200@yahoo.com

صنعت ترجمه آغاز شد و البته در هر تحول و دگرگونی زایش‌های فراوانی وجود دارد که جا افتادن آن در ذهن جویندگان غیر هم‌عصر آنها، چالش‌های فراوانی به دنبال دارد. بدون تردید یکی از بهترین راه‌های معرفی این تعابیر و اصطلاحات آوردن آنها در یک جا و مقایسه کردن آنهاست. در این مقاله اندک قصد بر آن است تا با تشریح مدل، سیاق، روش و انواع متن قدری از ابهام آنها کاسته شود.

مدل‌ها، سیاق‌ها، انواع متن و روش‌های ترجمه

۱- مدل‌های ترجمه

در حوزه علوم انسانی به جهت وجود متغیرهای فراوان لفظ "مطلق" معنی و مفهوم عینی ندارد و هر چه هست همه نسبی و قابل تغییر است. مدل هم ساخته و پرداخته ذهن بشر و علوم انسانی است و تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است، اما بر روی یکی از این تعاریف اتفاق نظر بیشتری وجود دارد. در این تعریف مدل ساختار یا سازه‌ای عینی یا ذهنی است که زوایایی از حقیقت شیء یا موضوعی را بیان می‌کند. در مدل سازی "قیاس" نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. شخص در قیاس با شیء یا ایده‌ای، مدل کوچکی از آن ارائه می‌کند؛ مثلاً با نگاه به یک آسمانخراش غول‌پیکر، ماکت یا مدل کوچکی از آن ساخته می‌شود که در ظاهر همه خصوصیات سازه واقعی را دارد اما هیچ‌گاه خود سازه نمی‌شود. همانطور که در تعریف بیان شد مدل سازی بعضی مواقع عینی و بعضی مواقع ذهنی است. در مورد اشیاء و اجسام که موجودیت عینی دارند و قابل رویت هستند مدل‌سازی کار چندان دشواری نیست، اما در مورد مفاهیم انتزاعی و غیر قابل ملموس مدل‌سازی کار پیچیده و دشواری است. ترجمه هم از زوایایی یک مفهوم ناملموس و انتزاعی است و مدل‌سازی در آن همیشه بر مدار فرضیه و احتمال چرخیده است. درستی یا غلط بودن در مدل‌های ارائه شده برای مفاهیم انتزاعی موضوعیت ندارد بلکه چقدر دور یا نزدیک بودن به واقعیت آن مهم است. هرچه که هست، مدل در حوزه علوم انسانی و به ویژه ترجمه به عنوان یک نقشه راه عمل می‌کند.

از حدود نیم قرن پیش در حوزه مطالعات و تحقیقات ترجمه سه مدل پایه معرفی شده است. البته چسترمن در کتاب خود (سال ۲۰۰۰ میلادی) زیرشاخه‌هایی برای این سه مدل متصور شده است ولی از حوصله این مقاله خارج است. در ادامه هر یک از این مدل‌ها به اختصار شرح داده خواهد شد.

مدل مقایسه‌ای (comparative model)

مدل فرایند-محور (process model)

مدل علت - معلولی (causal model)

۱.۱ مدل مقایسه‌ای (comparative model)

این مدل یکی از اولین مدل‌های ترجمه است. اساس و پایه این مدل دو مفهوم نام‌آشنای تعادل (equivalence) و تناظر (correspondence) است. در این مدل پویایی چندانی وجود ندارد و فقط محصول کار مهم است. ساختارهای زبان مقصد و مبدأ با هم مقابله می‌شوند و برای واژه ای در زبان مبدأ، معادل آن در زبان مقصد ارائه می‌شود. این مدل فرآورده زبانشناسی مقابله‌ای است که کتفورد، وینی، داربلنت و چند تن دیگر از طرفداران پروپاقرص آن هستند. شایان ذکر است که باید بین دو مقوله تبادل و تناظر تمایز قائل شد. چون:

تناظر: برابری ساختاری یا کاربردی دو سیستم یا قسمت‌هایی از دو سیستم زبانی است. مثلاً قیدهایی که در انگلیسی به Iy ختم می‌شوند با قیدهایی که در فارسی با "به" شروع می‌شوند هم‌خوانی یا برابری دارند، کاربرد فلان استعاره در دو زبان فارسی و انگلیسی مشابه است.

تبادل: برابری در استفاده عینی از دو زبان است. مثلاً فلان عبارت یا جمله در انگلیسی معادل فلان جمله در فارسی است.

در مجموع در این مدل، هدف کشف ارتباط بین دو طرف مقایسه است. کشف ارتباط بین دو زبان مهم است. این مدل در روش‌های ترجمه shift و equivalence یا transposition کاربرد وسیعی دارد. از زیرشاخه‌های این مدل می‌توان مدل زبانشناختی (linguistic model)، مدل متن-زبانشناختی (text – linguistic model) و مدل critical را نام برد.

۱.۲ مدل فرایند – محور (process model)

در این مدل محصول کار مهم نیست بلکه فرآیند یا پروسه انجام کار مهم است. چون فاکتور زمان در این مدل بسیار لحاظ می‌شود از پویایی بالایی برخوردار است. دو گونه فرآیند یا پروسه در ترجمه قابل طرح است. اول فرایند ذهنی ترجمه و دوم فرآیند عینی آن. فرآیند ذهنی به اتفاقاتی که در ذهن مترجم می‌افتد تا بر مشکلات ترجمه فائق آید اطلاق می‌شود و فرآیند عینی به اتفاقاتی چون چرا این متن انتخاب شده است، خواننده آن کیست، چه کسی و به چه منظوری می‌خواهد این متن ترجمه شود، سیاست‌های خرد و کلان پشت پرده این ترجمه چیست، نقش مترجم کدام است و مسائلی از این دست می‌پردازد. اما آنچه مشهود است این است که در این مدل سه عامل وجود دارد: فرستنده پیام، خود پیام و گیرنده آن. نویسنده یا سخنران یک طرف این سازه است، متن پیام مرکزیت سازه را در اختیار دارد و خواننده یا شنونده طرف دیگر سازه است.

۱.۳ مدل علت – معلولی (causal model)

این مدل به مدل چرایی در ترجمه معروف است. در دو مدل قبلی معمولاً علت انجام کاری بیان نمی‌شود ولی در این مدل توضیح داده می‌شود که مثلاً چرا مترجم فلان متن را چنین و چنان ترجمه کرده است. در این مدل دلایل ترجمه متن و تأثیری که متن ترجمه شده بر خواننده دارد مطرح است. گیدن توری سه لایه یا بعد برای این مدل متصور است:

۱.۳.۱ لایه یا بعد اول به ذهن مترجم، میزان دانش و وضعیت روحی او، نگاه او به ترجمه، شخصیت و زندگی شخصی او می‌پردازد.

۱.۳.۲ لایه دوم به کار ترجمه و ترجمه کردن معطوف است؛ اینکه متن مبدا چیست، درخواست مشتری یا خواننده آن چیست، مترجم چه ابزارها و امکاناتی برای ترجمه دارد. به عبارت ساده‌تر تمام مراحل کار ترجمه از تماس مشتری با مترجم گرفته تا تحویل کار به مشتری در این لایه اتفاق می‌افتد.

۱.۳.۳ لایه یا بعد سوم به مسائل اجتماعی - فرهنگی مربوط است. در این لایه هنجارها، تاریخ، جهان بینی، مسائل اقتصادی و هر چیز دیگری که به حوزه علوم انسانی ارتباط دارد وارد می‌شوند. اینکه چرا فلان متن انتخاب می‌شود، سلیقه خواننده چیست و چرا مترجم فلان متن را به سیاقی خاص ترجمه می‌کند در این لایه خود را نشان می‌دهد.

پس نمی‌شود گفت بالاخره ترجمه علت است یا معلول، شاید بتوان گفت ترجمه از جنبه‌هایی علت و از جنبه‌های دیگر معلول است. از زیرشاخه‌های این مدل می‌توان به مدل اجتماعی - فرهنگی (Socio-cultural model) و مدل practical اشاره کرد.

۲- سیاق‌های ترجمه (translation methods)

از گذشته‌های دور همیشه بین اینکه ترجمه آزاد باشد یا تحت اللفظی بحث‌های فراوانی بوده است. تا ابتدای نیمه دوم قرن بیستم خیلی از نویسندگان به اینکه متن آنها آزاد ترجمه شود علاقه بیشتری نشان می‌دادند. آنها معتقد بودند روح متن مهم است نه خود آن، معنی است که اهمیت دارد نه لغات و کلمات و در کل پیام متن مهم‌تر از شکل و فرم آن است. در دوران خفقان کلیسا نویسندگان با این تعبیر در پی بیدار کردن مردم بودند و مترجم را نوعی منادی حقیقت به شمار می‌آوردند و می‌خواستند پیام آزادی که در قالب متن نمود پیدا می‌کرد با زبانی ساده و روان به دست جویندگان حقیقت برسد. چه واسیلیف‌ها، تاندیل‌ها و دلت‌ها که به خاطر این باور و تا حدی عمل به آن سوزانده نشدند. بعد از نیمه دوم قرن بیستم با ورود مباحثی چون مردم‌شناسی، فرهنگ، ارتباطات و غیره مشکلات ترجمه‌های ساختار - محور (linguistic - based) نمود بیشتری پیدا کرد و زبان محصول

فرهنگ به حساب آمد. با این تفکر نهضت معتقد به ترجمه‌ناپذیری متون جان تازه گرفت و تنها راه گریز، البته اگر راه گریزی می‌بود، ترجمه تحت اللفظی معرفی شد. والتر بنجامین و ولادیمیر ناباکف از طرفداران پروپاقرص این سیاق در ترجمه بودند.

اما اکنون پس از گذشت شصت سال از آن تاریخ فضای جدیدی در محیط ترجمه به وجود آمده است، دیگر ترجمه فقط سیاه یا سفید نیست بلکه به صورت یک پیوستار درآمده است که با اعمال سلیقه‌ها و متغیرهای گوناگون ایستگاه‌های زیادی برای آن در نظر گرفته می‌شود. نیومارک دو طرف این پیوستار را ترجمه لغت-به-لغت و ترجمه اقتباسی می‌داند. ایشان در کتاب *a textbook of translation* برای تفکیک سیاق از روش می‌گوید: سیاق در ترجمه به تمام متن مربوط می‌شود ولی روش یا تکنیک به بخش خاصی از کل متن مثلاً یک پاراگراف یا جمله ارتباط پیدا می‌کند.

در ادامه به طور اختصار به هریک از سیاق‌های ترجمه‌ای که پیتر نیومارک درباره آنها صحبت کرده است می‌پردازیم. لازم به یادآوری است که نیومارک برخی از این سیاق‌ها را از وینی و دارلنت نقل قول کرده است.

۲.۱ ترجمه لغت-به-لغت (word-for-word): این سیاق به ترجمه خطی هم معروف است. در این سیاق لغت زبان مبدأ با اولین و دم‌دست‌ترین لغت معادل در زبان مقصد جایگزین می‌شود بدون اینکه به فحوای کلام و شرایط مکانی-زمانی آن (context) توجه شود.

۲.۲ ترجمه تحت اللفظی (literal): در این سیاق ساختار گرامری زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می‌شود ولی تبادلات لغات همچنان یک به یک است و فحوای کلام هم لحاظ نمی‌شود.

۲.۳ ترجمه وفادار / امانتدار (faithful): در این سیاق سعی می‌شود فحوی کلام و شرایط زمانی-مکانی زبان مبدأ با قالب‌های زبان مقصد بیان شود. لغات فرهنگی زبان مبدأ بدون هیچ تغییری به زبان مقصد منتقل می‌شوند و به جهت قالب شدن ساختارهای زبان مبدأ بعضی مواقع نابهنجاری‌هایی در ترجمه بروز می‌کند.

۲.۴ ترجمه معناگرا (semantic): این سیاق ترجمه با ترجمه وفادار تنها یک فرق کوچک دارد؛ در این سیاق تا اندازه‌ای مسائل مربوط به زیباشناختی و طبیعی بودن متن ترجمه‌شده در نظر گرفته می‌شود. لغات فرهنگی کم‌وزن زبان مبدأ با معادل‌های فرهنگی زبان مقصد جایگزین می‌شود تا متن طبیعی‌تر جلوه کند. مثلاً لغت wine در زبان انگلیسی با لغت "دوغ" جایگزین می‌شود. این سیاق، سیاقی انفرادی است که در آن نظام فکری نویسنده اثر دنبال می‌شود و بیش-ترجمه یا ترجمه اضافه

صورت می‌گیرد. (توضیح: لغات فرهنگی در هر زبان دو گونه‌اند: لغات کم‌وزن که بار معنایی فرهنگی پایینی دارند و لغات سنگین‌وزن که بار معنایی فرهنگی آنها بالا است.)

۲.۵ اقتباس (adaptation): آزادترین سیاق ترجمه اقتباس است و بیشتر در ترجمه نمایشنامه‌ها و شعر مورد استفاده قرار می‌گیرد. معمولاً مضمون، اسامی اشخاص و پیرنگ نمایشنامه حفظ می‌شود ولی فرهنگ زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل نمی‌شود و متن در حین ترجمه بازنویسی و متن جدیدی نوشته می‌شود.

۲.۶ ترجمه آزاد (free): در این سیاق محتوای متن اصلی در متن مقصد تولید می‌شود بدون آنکه فرم یا ساختار زبان مبدأ به زبان مقصد وارد یا تحمیل شود. در این سیاق چون لغات و عبارات به گونه‌ای دیگر بیان می‌شوند (paraphrase) متن تولیدی در زبان مقصد طولانی‌تر از متن زبان مبدأ است.

۲.۷ ترجمه مصطلح یا طبیعی (idiomatic): در این سیاق پیام متن مبدأ بازتولید می‌شود و هرگاه لازم باشد متن زبان مبدأ حتی اگر عامیانه و مصطلح هم نباشد، در زبان مقصد به صورت مصطلح و عامیانه ترجمه می‌شود.

۲.۸ ترجمه ارتباطی (communicative): در این سیاق ترجمه تلاش می‌شود تا معنی دقیق فحوای کلام متن مبدأ به گونه‌ای به زبان مقصد برگردانده شود که متن و زبان استفاده شده در آن برای خواننده مقصد به راحتی قابل پذیرش باشد و به اصطلاح متن ترجمه شده سلیس و روان باشد تا با هنجارهای زبان مقصد تناقض نداشته باشد. در این سیاق اصل "تأثیر متقابل" یکی از ضروریات است. تأثیر متقابل یعنی احساسی که از خواندن متن ترجمه‌شده به خواننده دست می‌دهد همانند احساسی باشد که به خواننده متن اصلی دست می‌دهد.

با این تفاسیر فقط دو سیاق از این هشت سیاق دو اصل معروف در ترجمه یعنی اصل دقت و اصل اقتصادی بودن را توجیه می‌کنند. ترجمه معناگرا (semantic) حافظ منافع نویسنده اثر است و ترجمه ارتباطی (communicative) جانب منافع خواننده متن ترجمه شده را می‌گیرد.

۳- انواع متن

انسان موجودی اجتماعی و تعامل‌محور است و در تعاملات روزمره خود از عنصر پرکاربرد و کاملاً شناخته‌شده زبان استفاده‌های گوناگون می‌کند. با زبان می‌خواهد، می‌خورد، آرزو می‌کند، دعا می‌کند، می‌خندد و گریه می‌کند و هزاران کار دیگر انجام می‌دهد. در پس هر یک از این رفتارها یا

نمودهای بیرونی افراد فلسفه‌ای عمیق نهفته است. خداوند این پدیده عجیب را در وجود انسان به ودیعه نهاده تا او را لایق جانشینی خود کند. پدیده‌ای که تمام احساس‌ها، نیازها و رفتارهای این موجود دو پا را در خود جمع کرده است.

دامنه استفاده از زبان و بحث‌های پیرامون آن فراوان است و از آنجا که زبان هم در حوزه علوم انسانی قابل طرح و بحث است، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از کاربردهای آن وجود دارد. مثلاً بوهلر کاربرد زبان را شش‌وجهی می‌داند که سه وجه آن از بقیه مهم‌ترند. این سه وجه عبارتند از:

۳.۱ کاربرد بیانی (expressive)

۳.۲ کاربرد اطلاعاتی و حقیقی (informative)

۳.۳ کاربرد ندایی (vocative)

هر یک از این کاربردهای زبانی منجر به تولید متونی می‌شوند. در ادامه هر یک از این کاربردها و متون منتج شده از آنها به اختصار شرح داده خواهد شد.

۳.۱ کاربرد بیانی (expressive)

مرکز ثقل این کاربرد زبانی ذهن گوینده یا نویسنده است. نویسنده یا گوینده از جملات و عبارات برای بیان احساس خود استفاده می‌کند بدون آنکه منتظر دریافت پاسخ آنی باشد. نویسنده یا گوینده در این کاربرد جایگاه ویژه‌ای دارد.

متون بیانی خصوصیات دارند که از بارزترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- چون شخص در عالم خود سیر می‌کند رگه‌هایی از ادبیات تخیلی در این متون دیده می‌شود.
- جملات پرمغز و پرمحتوایی در این متون دیده می‌شود که نشان از توانش زبانی بالای نویسنده آنهاست.
- افراد از آنها برای زندگی‌نامه‌نویسی و مناظره فردی استفاده می‌کنند.

۳.۲ کاربرد اطلاعاتی (informative)

مرکز ثقل این کاربرد دنیای واقعی و واقعیت است. متونی که با این کاربرد نگاشته می‌شوند گرچه نویسنده دارند ولی نام و نشان وی معلوم نیست یا مهم نیست. موضوع این متون علمی، فنی، اقتصادی، صنعتی و تجاری است و در قالب کتاب، گزارش و مقاله نوشته می‌شوند. این متون به متون استاندارد مشهورند.

۳.۳ کاربرد ندایی (vocative)

متونی که با این کاربرد به رشته تحریر در می‌آیند، گرچه نویسنده دارند ولی نام و نشان او معلوم یا مهم نیست. این متون بیشتر در قالب یادداشت، دستورالعمل، تبلیغات، داستان و رمان است. این متون دو مشخصه بارز دارند:

- نوع ارتباط خواننده و نویسنده که مربوط به انفرادی یا اجتماعی بودن آن "تو یا شمایی" می‌شود. دستور دادن، خواهش کردن، همدیگر را با القاب و عناوین خطاب کردن، اسم کوچک یا فامیل همدیگر را صدا زدن، معلوم و مجهول شدن جملات، مناسبات قدرت از مشخصات این نوع ارتباط است.
- این متون باید فقط به زبانی نوشته شوند که برای خواننده بدون هیچ واسطه‌ای و به راحتی قابل فهم باشند. ترجمه این متون و اصرار بر ایجاد "تأثیر همسان" در خواننده مقصد فوق العاده دشوار است.

البته همانطور که قبلاً هم اشاره شد از نگاه بوهرلر زبان کاربردهای دیگری چون زیباشناختی (aesthetic)، تهییجی یا احساسی (phatic) و فرازبانی (metalingual) هم دارد که در جای خود از اهمیت بالایی برخوردارند اما در این مقاله مجال بیان آنها وجود ندارد. ضمناً تعابیر و واژه‌های فرهنگی موجود در این متون متفاوت ترجمه می‌شوند. به عبارت دیگر تعابیر فرهنگی در متون بیانی دست نخورده به متون ترجمه‌شده منتقل می‌شوند، تعابیر موجود در متون اطلاعاتی ضمن منتقل شدن با تعابیر فرهنگی زبان مقصد توضیح داده می‌شوند و این تعابیر در متون عاطفی با معادل فرهنگی خود در زبان مقصد جایگزین می‌شوند.

۴- روش‌های ترجمه

روش در ترجمه در محدوده کلمه و جمله قابل طرح است. یعنی وقتی واحد ترجمه جمله و کمتر از آن باشد، بحث پیرامون روش ترجمه موضوعیت پیدا می‌کند. همانند هر حوزه دیگری در حوزه روش‌های ترجمه هم فهرست‌های متنوعی وجود دارد که در این مقاله ابتدا اشاره مختصری به فهرست روش‌های پیتر نیومارک می‌اندازیم و در ادامه فهرستی که وینی و داربلنت تهیه کرده‌اند و اکثر صاحب‌نظران و محققان ترجمه بر روی آن اتفاق نظر دارند ارائه خواهد شد.

پیتر نیومارک روش‌های ترجمه را این‌گونه دسته‌بندی می‌کند:

۴.۱ انتقال (transference): در این روش واژه زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می‌شود. از اسامی دیگر این روش می‌توان به حرف‌نگاری (transliteration) و آوانویسی (transcription) اشاره کرد.

برای برگردان اسامی خاص و عناصر بومی متن مبدأ که معادل دقیقی در زبان مقصد ندارند از این روش استفاده می‌شود.

۴.۲ بومی‌سازی (naturalization): در این روش واژه زبان مبدأ با اندکی تغییر در نحوه بیان وارد زبان مقصد شده و جزئی از لغات آن می‌شود. مثلاً کلمه "یقورت" یک کلمه ترکی است که پس از انتقال به زبان انگلیسی "yogurt" نوشته و تلفظ می‌شود.

۴.۳ معادل فرهنگی (cultural equivalent): در این روش واژه فرهنگی زبان مبدأ به یک واژه فرهنگی زبان مقصد ترجمه می‌شود اگرچه این ترجمه وجانشینی درست و بجا هم نباشد. این نوع جایگزینی در متون معمولی و تبلیغات که خواننده توجه چندانی به آنها نمی‌کند یا برایش مهم نیست کاربرد دارد.

۴.۴ معادل کاربردی (functional equivalent): در این روش واژه فرهنگی زبان مبدأ به یک واژه خنثی و بعضی مواقع کلی در زبان مقصد تبدیل می‌شود. این روش بهترین راه خنثی کردن لغات فرهنگی است، یعنی بار معنایی فرهنگی لغت برداشته می‌شود و لغت در زبان مقصد به یک لغت عادی و غیر فرهنگی تبدیل می‌شود. مثل ترجمه wine به "چای".

۴.۵ معادل توصیفی (descriptive equivalent): در این روش معنی یک واژه فرهنگی با چند واژه یا یک عبارت در زبان مقصد توضیح داده می‌شود. لغات نوظهور فرهنگی که برای اولین بار وارد زبان مقصد می‌شوند بدین روش ترجمه می‌شوند. مثلاً واژه baptism وقتی قرار باشد برای اولین بار وارد متن ترجمه شده شود، برای رفع ابهام در درک آن باید توضیح داده شود.

۴.۶ ترجمه به روش تجزیه جزء به جزء (componential analysis): تجزیه جزء به جزء در ترجمه همانند تجزیه جزء به جزء در زبانشناسی نیست. در زبانشناسی تجزیه جزء به جزء یعنی تجزیه و شکافت معانی مختلف یک واژه به اجزای معنایی آن، ولی در ترجمه، تجزیه جزء به جزء یعنی مقایسه اجزای معنایی مشترک و اجزای معنایی متفاوت لغت زبان مبدأ با لغت زبان مقصد که معنی مشابهی دارد. اصولاً لغت زبان مبدأ معنای دقیق‌تر و عمیق‌تری نسبت به لغت زبان مقصد دارد و مترجم برای جبران این نقیصه و تولید لغتی که قرابت معنایی بیشتری با لغت زبان مبدأ داشته باشد چاره‌ای جز اضافه کردن یک یا چند جزء معنایی به لغت زبان مقصد ندارد.

۴.۷ مترادف (synonym): در این روش با توجه به فحوای کلام و شرایط مکانی-زمانی متن، نزدیک‌ترین معادل یا مترادف لغت زبان مبدأ در متن ترجمه آورده می‌شود. این روش زمانی کاربرد

دارد که نمی‌توان تعادل یک‌به‌یک بین لغت زبان مبدأ و لغت زبان مقصد برقرار کرد و لغت زبان مبدأ از جنبه‌های گرامری، معنایی و فرهنگی لغت مهمی به حساب نمی‌آید و کم و زیاد شدن بار معنایی آن آسیبی به کلیت متن وارد نمی‌آورد. به عنوان مثال لغت زبان مبدأ یک صفت یا قید است و آوردن مترادف هم‌کاربرد برای آن در متن مقصد در تمامیت پیام متن خللی ایجاد نمی‌کند.

۴.۸ روش مستقیم یا بی‌واسطه، گرده برداری (through – translation): ترجمه مستقیم یا گرده برداری به ترجمه تحت اللفظی هم‌آیندهای رایج (common collocations)، اسامی سازمان‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده یک اسم یا عبارت چند کلمه‌ای اطلاق می‌شود.

۴.۹ روش تبدیل یا تغییر مبنا (shift or transposition): در این روش قالب یا چارچوب گرامری زبان مبدأ در زبان مقصد تغییر پیدا می‌کند. این قبیل تغییرات عبارتند از:

- تبدیل جمع به مفرد و بالعکس
- عدم وجود ساختار یا قالبی از زبان مبدأ در زبان مقصد
- جایجایی در رده یا طبقه کلمات مثل تبدیل اسم به صفت و بالعکس، قید به فعل و غیره
- جایگزینی خلأ واژگانی با ساختاری گرامری
- تبدیل جمله مرکب به چند جمله ساده

۴.۱۰ تغییر صورت پیام با تغییر زاویه نگاه به آن، مدولاسیون (modulation): از آنجا که زاویه نگاه زبان مبدأ و زبان مقصد به مقوله‌های زبانی و کاربردهای آن متفاوت است، مترجم ممکن است پیام متن اصلی را مطابق با هنجارهای ساختاری زبان مقصد تولید کند. تغییر در زاویه نگاه به زبان ممکن است به صورت قالب‌های زیر نمود پیدا کند:

- تبدیل منفی به مثبت و بالعکس
- تبدیل جزء به کل و بالعکس
- تبدیل اسم معنی به اسم ذات و بالعکس
- تبدیل مکان به زمان و بالعکس
- تبدیل معلوم به مجهول و بالعکس

۴.۱۱ ترجمه مقبول یا مورد پسند (recognized translation): در این روش لغت رایج و متداول زبان مبدأ به صورتی که مقبول زبان مقصد و گویشوران آن باشد برگردانده می‌شود، مثلاً عبارت

۶۳ مدل‌ها، سیاق‌ها، انواع متن و روش‌های ترجمه

در باره ترجمه

hanging government در انگلیسی بسیار رایج و مرسوم است و برگردان آن به "دولت ائتلافی" سالهاست که در زبان فارسی پذیرفته شده و استفاده می‌شود.

۴.۱۲ جبران یا ترمیم (compensation): در این روش کمبود معنایی بخشی از جمله در بخش دیگری از جمله یا جمله بعدی جبران می‌شود.

۴.۱۳ دگرگویی (paraphrase): در این روش معنای یک واژه فرهنگی توضیح داده می‌شود. فرق این روش با روش "معادل توصیفی" (descriptive equivalent) در این است که در روش دگرگویی توضیح بیشتر و با جزئیات بیشتری ارائه می‌شود.

۴.۱۴ تزویج یا حدوث همزمان (couplets): وقتی مترجم دو روش مختلف ترجمه را با هم ترکیب کند تزویج پدید می‌آید.

۴.۱۵ یادداشت‌نویسی (notes): به مطالبی که در حین ترجمه به متن مقصد اضافه می‌شود و معمولاً در پی نوشته می‌شود یادداشت می‌گویند.

در پایان لازم به ذکر است که وینی و داربلنت به دو نوع استراتژی یا رویکرد مستقیم و غیرمستقیم در ترجمه قائل هستند که خود نوعی گریز به مقوله ترجمه آزاد و تحت اللفظی است: رویکرد مستقیم خود ۳ زیر مجموعه دارد:

- وام‌گیری (borrowing)
 - گرت‌برداری (calque or loan translation)
 - ترجمه تحت اللفظی (literal translation)
- رویکرد غیر مستقیم خود چهار زیر مجموعه دارد:
- تبدیل یا تغییر مبنا (transposition)
 - مدولاسیون یا تغییر زاویه نگاه (modulation)
 - تعادل (equivalence)
 - اقتباس (adaptation)

نتیجه‌گیری:

مدل ساختار یا سازه‌ای عینی یا ذهنی است که زوایایی از حقیقت شیء یا موضوعی را بیان می‌کند. در مدل‌سازی "قیاس" نقش تعیین‌کننده ای دارد. شخص در قیاس با شیء یا ایده ای، مدل کوچکی

از آن ارائه می‌کند. مدل‌سازی بعضی مواقع عینی و بعضی مواقع ذهنی است. در مورد اشیاء و اجسام که موجودیت عینی دارند و قابل رویت هستند مدل‌سازی کار چندان دشواری نیست، اما در مورد مفاهیم انتزاعی و غیرملموسی چون ترجمه مدل‌سازی کار پیچیده و دشواری است. مدل‌سازی در ترجمه همیشه بر مدار فرضیه و احتمال چرخیده است. در مدل‌های ارائه شده درست یا غلط بودن موضوعیت ندارد بلکه چقدر دور یا نزدیک بودن به واقعیت آن مهم است. سیاق در ترجمه به تمام متن مربوط می‌شود ولی روش یا تکنیک به بخش خاصی از کل متن مثلاً یک پاراگراف یا جمله ارتباط پیدا می‌کند. بر اساس طبقه‌بندی بوهرلر زبان شش کاربرد عمده دارد که سه کاربرد بیانی (expressive)، اطلاعاتی (informative) و ندایی (vocative) نقش پررنگ‌تری دارند. هر یک از این کاربردها منجر به تولید متونی می‌شوند که هر کدام موضوع و قالب خاص خود را دارند. در نوعی متن نویسنده مرکز ثقل است و در نوعی دیگر خواننده هدف به حساب می‌آید.

منابع

- Munday, J. (2001). *Introducing Translation Studies, Theories and applications*. London and New York: Routledge
- Newmark, P (1988), *a textbook of translation*, Prentice Hall International (UK) Ltd.
- Williams, J & Chesterman, A (2002), *the MAP; a beginner's guide to doing research in translation studies*, St. Jerome Publishing, Manchester, UK & Northampton MA.

فهرست معادل‌های اصطلاحات مطالعات ترجمه

برگرفته از کتاب «فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه»*
(بخش چهارم)

279	Pure language or Logos or Universal language or True Language	زبان ناب (لوگوس)	این اصطلاح را والتر بنیامین در مقاله‌هایی که درباره‌ی ماهیت زبان و ترجمه نوشته، به کار برده است.
280	Pure Translation Studies	مطالعات محض ترجمه	طبق نظر هولمز (۱۹۸۸) مطالعات محض ترجمه، زیر بخش غیرکاربردی مطالعات ترجمه است. به این ترتیب، مطالعات محض ترجمه، خود به دو شاخه توصیفی و نظری تقسیم می‌شود.
281	Radical Translation	ترجمه بنیادین	این اصطلاح را کواین (۱۹۶۰) برای اشاره به «ترجمه زبان قبائلی که تا کنون در حالت بدوی باقی مانده اند» به کار برده است. اهمیت چنین موقعیتی در این واقعیت نهفته است که مترجم نه می‌تواند به شباهت‌های زبانی و نه به فرهنگ مشترک اتکا کند و در نتیجه مجبور است یک زبان بیگانه را رمز گشایی کند.
282	Rank-bound Translation	ترجمه مقید-به- مرتبه	کتفورد (۱۹۶۵) این ترجمه را نوعی ترجمه کلی (Total Translation) توصیف کرده است.
283	Rank-restricted Theories of Translation	نظریه‌های محدود-به- مرتبه ترجمه	یکی از شش نوع نظریه‌ی محدود ترجمه (Partial Theory of Translation) در طبقه بندی هولمز (۱۹۸۸) است.

* فرح‌زاد، فرزانه، غلامرضا تجویدی و مزدک بلوری. فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه. شاتلورت و کاوی. تهران: یلدا قلم، ۱۳۸۵. [در این فهرست، معادل‌های پیشنهادی در کتاب مذکور عیناً نقل شده و اولین جمله به کار رفته در شرح واژه نیز جهت توجه بیشتر خوانندگان آمده است.]

284	Reader-oriented machine Translation	ترجمه ماشینی خواننده-مدار	اصطلاحی از سیگر (۱۹۹۴) برای اشاره به تولید سریع یک نسخه ی زبان مقصد از متن مبدأ با استفاده از ترجمه ماشینی (Machine Translation) صرفاً با این هدف که محتوای متن مبدأ به اطلاع خواننده ی زبان مقصد برسد.
285	Realia/ Reali (Russian)	عناصر بومی	بنا بر تعریف ولاخوف و فلورین (۱۹۷۰) عناصر متنی ای هستند که [به متن] رنگ و بوی محلی و تاریخی می دهند.
286	Receptor Language	زبان گیرنده	بنا بر تعریف نایدا و تیبر «زبانی» است که «پیامی از زبان اصلی یا زبان مبدأ با آن ترجمه می شود».
287	Translation with Reconstructions, Traduction avec Reconstructions (French)	ترجمه همراه با بازسازی	در تقسیم بندی گوداک (۱۹۹۰) یکی از انواع هفتگانه ی ترجمه است که نیازهای مختلف ترجمه را در محیطی حرفه ای برآورده می سازد.
288	Redundancy	حشو	بنا بر توصیف نایدا (۱۹۶۴) یکی از ویژگیهای تمام زبان های طبیعی اسن که باید در فرایند ترجمه حفظ گردد.
289	Refraction	انکسار	اصطلاحی عام که لفور دراوایل دهه ی ۱۹۸۰ برای اشاره به طیفی از فرایندهای ادبی که می توان ترجمه را نیز متعلق به آن دانست به کار برده است.
290	Regulative Translational Conventions	سنت های تنظیم کننده ترجمه ای	این اصطلاح را نرد (۱۹۹۱) ب) برای اشاره به یکی از انواع دوگانه ی سنت (Convention) ترجمه ای به کار برده است.

291	Relay Interpreting	ترجمه شفاهی امدادی	این اصطلاح به عمل ترجمه‌ی شفاهی بین دو زبان (معمولاً دو زبان کم‌گوشور) از طریق زبانی سوم و میانجی اشاره دارد (سلسکویچ و لدرر ۱۹۸۹:۱۹۹). هر گاه در ترجمه‌ی شفاهی‌ای که بتواند به تنهایی هم زبان مبدأ و هم با زبان مقصد کار کند حضر داشته باشد، چنین رویه‌ای ضروری است.
292	Repertoire	بُنی مجموعه/ واحد مجموعه	طبق تعریف توری «هر نشانه‌ای، صرف نظر از مرتبه و دامنه، که بخشی از...یک مجموعه‌ی نهادینه شده را تشکیل دهد» (۱۹۹۵:۲۶۸) اصطلاح مجموعه به «مجموعه قواعد و موادی که بر ساختن و به کار بردن هر فرآورده حاکم هستند» (اون زهر ۱۹۹۰ الف:۳۹)
293	Rephrasing	بازگویی	اصطلاحی است از هروی و هیگینز برای اشاره به «برگرداندن دقیق محتوای پیام هر متن مبدأ در یک متن مقصد که اساساً از نظر صورت متفاوت است، اما جزئیاتی را که متن مبدأ بیان شده اند نه اضافه و نه حذف می‌کند» (۱۹۹۲:۲۵۲)
294	Persistency or Resistance	مقاومت	اصطلاحی است از ونوتی (۱۹۹۵) برای اشاره به راهبردی برای ترجمه متن ادبی به نحوی که این متن چیزی از بیگانگی خود را حفظ کند؛ به این ترتیب این اصطلاح به طور کلی با ترجمه بیگانه ساز هم معناست. (Fraternizing Translation)
295	Restricted Translation	ترجمه محدود	این اصطلاح را کتفورد (۱۹۶۵) برای اشاره به شیوه‌ای از ترجمه که در مقابل با ترترجمه‌ی کلی (Total

Translation) قرار می گیرد به کار

برده است.

296	Restructuring or Transformation or Forward-transformation	بازسازی (گشتار) (گشتار روساخت گرا)	طبیق نظر نایدا و تیبر (۱۹۸۲/۱۹۶۹) سومین و آخرین مرحله در فرایند ترجمه است.
297	Retrospective Translation	ترجمه گذشته نگر	این اصطلاح را پُستگیت برای توصیف ترجمه ای «که در وهله ی نخست به نویسنده توجه می کند» (۱۹۲۲:۱۸) مطرح کرده است.
298	Rewriting	بازنویسی	اصطلاحی است از لفور (۱۹۸۵-۱۹۹۲) برای اشاره به مجموعه ای از فرایندها، از جمله ترجمه، که قادرند به نحوی متن اصلی را دوباره تفسیر کنند، تغییر دهند یا دستکاری کنند.
299	Rhymed Translation	ترجمه قافیه دار	یکی از هفت راهبرد ترجمه شعر که لفور (۱۹۷۵) در جریان بررسی ترجمه های انگلیسی یکی از اشعار کاتولوس تعریف کرده است.
300	Science of Translation	علم ترجمه	یکی از چند اصطلاح همپوشی است که به رشته ای اطلاق می شود که به مطالعه ی نظام مند پدیده های ترجمه می پردازد.
301	Secondary Translation Sekundäre Überstzung	ترجمه ثانویه	این اصطلاح را دیلر و کورنلیوس (۱۹۷۸) برای اشاره به یکی از دو روش ترجمه در طبقه بندی خویش به کار برده اند. ترجمه ثانویه بنا به تعریف ترجمه ای است که هدفش «مطلع کردن گیرنده ی زبان مقصد از رتباط بین فرستنده ی زبان مبدأ

302	Selective Translation Traduction Sélective or Trauction Documentaire (French)	ترجمه‌گزینشی	یکی از هفت نوع ترجمه‌ای است که گوداک (۱۹۸۹-۱۹۹۰) برای برآوردن نیازهای مختلف ترجمه که ممکن است در یک محیط حرفه‌ای پیش‌آید مطرح کرده است.
303	Semantic Disambiguation Monosemierung (German)	ابهام‌زدایی معنایی	این اصطلاح نمایانگر مرحله‌ای بسیار حیاتی در فرایند ترجمه از یک زبان بیگانه‌هاست.
304	Semantic Translation	ترجمه معنایی	ترجمه معنایی یکی از دو روش ترجمه در طبقه بندی نیومارک است که در آن «مترجم می‌کوشد در چارچوب محدودیت‌های نحوی و معنایی خاص زبان مقصد، معنای دقیق بافتی مرد نظر نویسنده را بازآفریند» (۱۹۸۸-۱۹۸۱:۲۲).
305	Sense-for-sense Translation	ترجمه مفهوم به مفهوم	اصطلاحی عام برای توصیف نوع ترجمه که به انتقال معنا یا «روح» متن مبدأ بشتر از بازآفرینی دقیق عبارت بندی متن اصلی اهمیت می‌دهد.
306	Serial translation	ترجمه زنجیره‌ای	بنا بر تعری کاساگرانده، نوع خاصی از ترجمه‌ی معکوس (Back translation) است که در آن «پیامی از رمز A به رمزهای B, C, D و غیره ترجمه می‌شود و در صورت تمایل، با ترجمه‌ی معکوس به رمز A برگردانده می‌شود (۱۹۵۴:۳۳۹).

307	Service translation	ترجمه خدماتی	این اصطلاح را نیومارک (۱۹۸۸) برای «چه ترجمه وارونه (Inverse translation) نیز می خوانند به کار برده است.
308	Shifts or Shifts of Expression	تبدیل ها (تبدیل های بیان)	این اصطلاح را اولین بار کتفورد به معنای «انحراف از تناظر صوری در فرایند حرکت از زبان مبدأ به زبان مقصد» (۱۹۶۵:۷۳) به کاربرد.
309	Sight Translation Traduction ávue (French)	ترجمه دیداری	اصطلاحی عام که به ترجمه‌ی بدون آمادگی قبلی و معمولاً شفاهی یک متن کتبی اشاره دارد.
310	Signed language Interpreting	ترجمه شفاهی زبان اشاره	نوعی ترجمه‌ی شفاهی که در آن مترجم با زبان گفتاری و زبان دیداری-اشاره‌ای ناشنویان کار می‌کند.
311	Simultaneous Interpreting	ترجمه شفاهی همزمان	این اصطلاح به یکی از دو شیوه‌ی اصلی ترجمه شفاهی (Interpreting) اشاره دارد.
312	Skopos theory Skopstheorie (German)	نظریه اکوپوس	رویکردی به ترجمه که رایس و ورمیر در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ مطرح کردند.
313	Source Language (SL)	زبان مبدأ	اصطلاح معیار برای زبانی که متن در دست ترجمه (یا متن مبدأ Source text) به آن نوشته شده باشد.
314	Source Text Source-language Text (ST)	متن مبدأ (متن زبان مبدأ)	هر متن (نوشتاری یا گفتاری) که نقطه‌ی حرکت ترجمه را فراهم می‌آورد.
315	Source text- oriented Translation Studies	مطالعات مبدأ-مدار ترجمه	اصطلاحی است از توری (۱۹۹۵-۱۹۸۰) برای اشاره به هر رویکردی به ترجمه، که در آن انتظار می‌رود برخی از ویژگی‌های متن مبدأ در متن مقصد بازآفریده شود یا

به بیان دیگر رابطه‌ی بین متن مبدأ و متن مقصد رابطه‌ای جزء به جزء باشد تا بتوان متن مقصد را ترجمه «محسوب کرد» (۱۹۸۰:۳۹-۴۰)

316	Specification or Modulation/Specification	تخصیص (مدولاسیون/ تخصیص)	این اصطلاح را فن لوون زوارت (۱۹۹۰-۱۹۸۹) برای اشاره به یکی از انواع دوگانه‌ی مدولاسیون (Modulation 2) به کار برده است.
317	Structure Shift	تبدیل ساختار	طبق نظر کتفورد (۱۹۶۵) نوعی تبدیل مقوله‌ای (Category Shift) که مستلزم ساختار دستوری در گذر از متن مبدأ به متن مقصد است.
318	Stylistic Equivalence or Translational Equivalence	تبادل سبکی (تبادل ترجمه‌ای)	بنا بر تعریف پوپویچ «تبادل نقشی میان عناصر متن اصلی و ترجمه با هدف دستیابی به نوعی همانندی و حفظ نامتغیر معنایی یکسان» است.
319	Sublanguage	زبان فرعی	این اصطلاح در بات ترجمه‌ی ماشینی (Machine Translation) به «زبانی که برای ارتباط برقرار کردن در یک حوزه‌ی فنی تخصصی یا برای یک هدف تخصصی به کار می‌رود» اشاره دارد (آرنولد و دیگران ۲۱۶:۱۹۹۴).
320	Subtitling	زیرنویسی	این اصطلاح به یکی از دو شیوه‌ی اصلی انتقال زبان در ترجمه کردن انواع فرآورده‌های ارتباط جمعی شنیداری-دیداری همچون فیلم و برنامه‌های تلویزیونی اشاره دارد.
321	Success	توفیق	این اصطلاح را رایس و ورمیر (۱۹۸۴) به کار برده اند.

Glücken (Germna)

322	System	نظام	این اصطلاح از آثار صورتگرایان روسی یعنی گروهی از نظریه پردازان ادبی که در اوائل سده بیستم فعالیت می‌کردند، برگرفته شده است.
323	Target Language (TL)	زبان مقصد/ زبان هدف	یکی از دو اصطلاح معیار برای اشاره به زبانی است که عمل ترجمه به آن صورت می‌گیرد.
324	Target Text or Target-language Text (TT)	متن مقصد (متن زبان مقصد)	یکی از اصطلاح های معیار برای توصیف متنی که در جریان ترجمه تولید شده است.
325	Target Text-oriented Translation Studies	مطالعات مقصد-مدار ترجمه	رویکردی به مطالعه‌ی ترجمه ادبی که توری (۱۹۸۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۵) مطرح کرده سات.
326	Term Bank or Terminological Data Banks	بانک‌های اطلاعاتی بانک‌های داده‌های اصطلاح شناختی	این اصطلاح به مجموعه‌های رایانه‌ای اصطلاحاتی (Terminology) اشاره دارد که برای کاربرانی مشخص پدید آمده و داخل خط (on-line) ذخیره شده است (سیگر ۱۶۷:۱۹۹۰).
327	terminology	مجموعه اصطلاحات	این اصطلاح به مجموعه‌های عظیم واژگان تخصصی که در گفتمان مربوط به هر حوزه‌ی فنی یافت می‌شود اشاره دارد.
328	Tertium Comartionis (Latin) Or Intended Meaning / Das Gemeinte(German) Or Mediating Language/ Lingua Universalis	میان زبان (معنای مورد نظر) (زبان میانجی)	این اصطلاح را برخی ترجمه پژوهان برای اشاره به زبانی نظری بین زبان مبدأ و زبان مقصد واسطه می‌شود به کار برده اند.

(Latin)

329	Texteme	بن متن / واحد متن	این اصطلاح را اون زهر (۱۹۹۰ ج) و توری (۱۹۸۰-۱۹۹۵) برای اشاره به هر مشخصه‌ی زیبایی یا متنی (در اندازه‌های متفاوت از یک آوای منفرد تا بخشی از متنی کامل) به کار برده اند که در هر متن (یا بافت) ادبی اهمیت خاصی از نظر نقش پیدا می‌کند.
-----	---------	----------------------	---

سؤالات آزمون ورودی

کارشناسی ارشد مترجمی - سراسری ۱۳۸۹

گردآوری سؤال‌ها و استخراج پاسخ‌ها: هادی حاجی علی

به دلیل درخواست دانشجویان عزیز علاقه‌مند به ادامه تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی مترجمی در این شماره آخرین سری سؤالات آزمون ورودی سال ۱۳۸۹ به همراه پاسخها و برخی منابع پیشنهادی تقدیم می‌شود. لازم به ذکر است در شماره سوم این مجله شرح و نقد کاملی درباره دوره‌های مذکور درج شده بود که علاقه‌مندان می‌توانند برای آشنایی بیشتر با نحوه سؤالات، منابع مربوطه و نیز شرح کامل دروس دوره‌های کارشناسی ارشد به آن شماره مراجعه کنند.

قسمت اول: اصول و مبانی نظری ترجمه

121. in her translation quality assessment model, Juliane House

- 1) argues that the concept of equivalence is not valid
- 2) states that equivalence is the basis of her model
- 3) believes in equivalence at various levels
- 4) proposes five types of equivalence

122. in her functional approach to translation, Reiss aims at

- 1) providing a linguistic analysis of text types
- 2) building on the concept of word and sentence equivalence
- 3) systematizing the assessment of translations
- 4) determining factors by which the ST and TT can be matched

123. "It is the task of the translator to release in his own language that pure language which is under the spell of another, to liberate the language imprisoned in a work in his recreation of the work." The above sentence was written by

- | | |
|--------------------|------------|
| 1) Walter Benjamin | 2) Derrida |
| 3) De Beaugrande | 4) Steiner |

124. the book Translation studies: An integrated approach was written by

- | | |
|-------------------|------------------------|
| 1) Mona Baker | 2) Lawrence Venuti |
| 3) Susan Bassnett | 4) Mary Snell – Hornby |

125. the transitivity system is concerned with of propositions.

- 1) examining the information structure
- 2) presenting the contents

- 3) examining the thematic structure 4) organizing the contents
- 126. "The translation methods employed depend on far more than just text type." This can be considered as a criticism leveled against**
- 1) Holz-Manttari's model 2) Roiss's theory
3) Leuven - Zwart's model 4) skopos theory
- 127. New mark believes that the heart of translation theory is**
- 1) translation problems 2) generalizations
3) textual analysis 4) discussion
- 128. communicative translation tends to be**
- 1) cultural 2) adequate
3) pretentious 4) acceptable
- 129. which of the following scholars elaborated on Catford's shifts?**
- 1) Blum-Kulka 2) Nord
3) Larson 4) Hatim
- 130. simple commercial MT systems usually require**
- 1) recombining 2) post – editing
3) programming 4) matching
- 131. popovic believes that recurring shifts reveal**
- 1) comparative elements 2) aesthetic properties
3) norms of translation 4) expression and style
- 132. to Miko, the major goal of the translator is to**
- 1) consider the three language functions on the story level
2) seek syntactic – pragmatic modulation
3) reproduce the denotative and connotative meanings
4) maintain the style of the ST
- 133. Van Leuve – Zwart's comparative model is based on**
- 1) micro – level and macro – level comparisons
2) contrastive analysis of ST-TT pairs
3) deep-structure and surface – structure analyses
4) comparison of SL-TL properties
- 134. when a translation is TT-oriented, it conforms to Norms.**
- 1) appropriateness 2) linguistic
3) acceptability 4) discourse
- 135. to Vinay and Darbelnet, a good translation is**
- 1) pragmatic 2) literal
3) relevant 4) direct
- 136. in Catford's theory, the maximum unit of translation is**
- 1) sentence 2) clause
3) morpheme 4) word
- 137. Bassnett believes that the problem with linguistic theories of translation concerns.....**

- 1) content characteristics
3) lexical replacement

- 2) level of equivalence
4) cultural aspects

138. which of the following is a basic requirement of a translation in Nida' theory?

- 1) approximation
3) dynamism
- 2) literalness
4) fluency

139. in new mark's semantic translation, the TT is regarded as

- 1) of the same value of the ST
3) independent of the ST
- 2) inferior to the ST
4) a copy of the ST

140. Venuti's approach to translation is based on

- 1) Schleiermacher's dichotomies
3) Catford's typology
- 2) Reiss's text-types
4) Chomsky's TG

141. The use of the French word "CAFÉ" IN English is an instance of

- 1) negative interference
3) acceptable calque
- 2) real cognates
4) false friends

142. "ترکیدن" and "پکیدن" are partly synonymous as they are

- 1) collocationally different
3) dialectically different
- 2) connotatively different
4) stylistically different

143. translating "I took mathematics final exam yesterday" into "دیروز امتحان ریاضی دادم" is an instance of

- 1) word- for- word translation
3) reversal of terms
- 2) mistranslation
4) transposition

144. Translating "you ain't seen nothing yet" into "تازه کجاشو دیدی" is an instance of

- 1) correspondence
3) mistranslation
- 2) transposition
4) modulation

145. Translating "the young man had risen from the table, stretching his arms a little, he walked to the window" into

"مرد جوان، که از پشت میز بلند شده بود، با دراز کردن دست‌هایش کمی تمدد اعصاب کرد و به کنار پنجره رفت"

Is an instance of

- 1) explicitation
3) simplification
- 2) under translation
4) standardization

146. the semantic role of the entity that performs an action is called..... .

- | | |
|------------|-----------|
| 1) patient | 2) source |
| 3) agent | 4) theme |

147. A(n) is a proposition implied by an utterance, but neither a part nor a logical consequence of that utterance.

- | | |
|-----------|----------------|
| 1) script | 2) inference |
| 3) schema | 4) implicature |

148. is the use of strategies that distance the speaker from the meaning or the implications of an utterance.

- | | |
|---------------------|------------|
| 1) discourse marker | 2) hedging |
| 3) turn taking | 4) script |

149. for the following situation identify the act carried out by the utterance: father to his son: "the car is dirty."

- | | |
|---------------|--------------|
| 1) requesting | 2) asserting |
| 3) rejecting | 4) asking |

150. the action or intent that a speaker accomplishes when using language in context is known as..... .

- | | |
|-------------------------|---------------|
| 1) speech accommodation | 2) speech act |
| 3) presupposition | 4) inference |

151. the unique characteristics of the language of an individual speaker are referred to as

- | | |
|-----------|-------------|
| 1) raport | 2) emblem |
| 3) hedge | 4) idiolect |

152. the linguistic holds that the language we speak establishes how we perceive and think about the world.

- | | |
|------------|----------------|
| 1) theory | 2) determinism |
| 3) context | 4) competence |

153. which word plays the semantic role of theme in "the boxes were loaded on the truck by Bill, the day before."?

- | | |
|--------------|-------------------|
| 1) Bill | 2) the truck |
| 3) the boxes | 4) the day before |

154. the words "dove" (a kind of bird) and "dove" (past tense of dive) represent examples of

- | | |
|---------------|-------------|
| 1) Homography | 2) Synonymy |
| 3) Homonymy | 4) Polysemy |

155. Which of the following is NOT a realization of unmarked theme in an English clause?

- 1) "it" in a cleft structure
- 2) predicator in an imperative
- 3) auxiliary in an interrogative
- 4) subject in an active declarative clause

قسمت سوم: بررسی مقابله‌ای

دوره ۳۰
شماره ۸

156. the phenomenon in which two or more items in the native language converge into one item in the target language is referred to as

- 1) split
- 2) reinterpretation
- 3) coalescence
- 4) under differentiation

157. one great advantage of the moderate version of contrastive analysis hypothesis over the strong version is that it can describe.....

- 1) errors the sources of which are mainly in the target language
- 2) overgeneralization errors due to the target language
- 3) errors the sources of which are in the native language
- 4) errors resulting from subtle L 1- L2 differences

158. cognates, i.e. words that are similar in form and meaning in the source and target language, are

- 1) easy to learn because they share the same form and meaning in the two languages
- 2) problematic due to the proper frequency of their use and register restrictions imposed upon them
- 3) problematic because learners of a foreign language expect to learn a different system
- 4) easy to learn because they are mostly borrowings or can be traced back to the same etymological source

159. a Persian learner of English produced this sentence: "John brang home some cookies. Select the choice that explains the source of the error.

- 1) the source of the error is in the native language of the learner, Persian. He has committed a translation error.
- 2) the learner made an error in word order in English. Adverbs of place should proceed the object of the verb. The correct form is "John brought some cookies home."
- 3) it is an intralingual error due to the fact that the learner has not yet learned that the past tense of the verb is brought.
- 4) the past tense of a group of verbs in English containing "i" before "n" is made by changing "i" to "a" in sing and drink; bring is similar to these verbs but does not follow the rule.

160. "we are not going on a picnic tomorrow. Cloudy sky and shower are predicted." In the above sentences, the second provides a reason for the first. The two sentences are, therefore, in a relationship.

- 1) phenomenon - reason
- 2) logical- sequential
- 3) cause- consequence
- 4) instrument- achievement

161. within the framework of error analysis,.....

- 1) teachers regard error as sins
- 2) true language learning process necessarily involves errors
- 3) overgeneralization is the unique source of errors
- 4) the distinction between errors and mistakes disappears

162. the relationship between “John met Ted at school” and “they went to the movies together” is established through..... .

- 1) reference
- 2) conjunction
- 3) substitution
- 4) lexical cohesion

163. transfer of training

- 1) is the main source of systematicity in interlanguage
- 2) should be encouraged to fight fossilization
- 3) may result in student's using erroneous forms
- 4) is the principle underlying Markedness Differential Hypothesis

164. the Markedness Differential Hypothesis explains relative degrees of difficulty by means of

- 1) cognitive feedback
- 2) grammar consciousness raising
- 3) affective feedback
- 4) principles of universal grammar

165. in contrast to the interlanguage system and the idiosyncratic dialect, the approximative system hypothesis.....

- 1) rejects the notion of transfer
- 2) refers to the uniqueness of the L 2 learner's language
- 3) is mainly based on systematic variability
- 4) emphasizes the dynamic nature of the L 2 learner's system

قسمت چهارم: واژه‌شناسی

166. in the constituents of a word are themselves lexemes.

- 1) initialism
- 2) compounding
- 3) inflection
- 4) derivation

167. which word is monomorphemic?

- 1) courier
- 2) pronoun
- 3) replace
- 4) morphemic

168. the morphological operation in which a new word (form) is created by copying a word or a part thereof, and affixing that part to the base is called

.....

- 1) initialism
- 2) reduplication
- 3) hypocorism
- 4) derivation

169. which of the following pairs of words are homophones?

- 1) bear (animal) – bear (carry)
- 2) wind (blowing) – wind (clock)

3) fare (to travel) – fair (lovely)

4) light (opposite of dark) – light (opposite of heavy)

170. the word formation process involved in producing “gas” from “gasoline” is

1) hypocorism

2) backformation

3) abbreviation

4) clipping

۱۷۱. کدام فرآیند در ساخت واژه‌های جدید بر مبنای ساختار واژه‌های بالفعل زبان دخالت

دارد؟

(۱) آمیزش (۲) ترکیب

(۳) تبدیل (۴) قیاس

۱۷۲. در کدام گزینه ریشه فعل به کار نرفته است؟

(۱) گوش درد (۲) گوش آزار

(۳) گوش زد (۴) گوش خیزک

۱۷۳. ساخت کدام واژه متفاوت از دیگر واژه‌ها است؟

(۱) تارزن (۲) گلزن

(۳) برزن (۴) جرز

۱۷۴. در کدام گزینه تنها تکنواژ وابسته به کار رفته است؟

(۱) ناخوشگوار (۲) سازشگاران

(۳) سرزنش (۴) کفشدوزک

۱۷۵. در کدام گزینه وند تصریفی به کار رفته است؟

(۱) ایستادگی (۲) سرشماری

(۳) کورکورانه (۴) هدایا

قسمت پنجم: مهارت ترجمه

۱۷۶. چه بسا عالم که جهلش او را بکشد و علمی که با اوست وی را سودی نبخشد.

1) often the ignorance of a man ruins him while the knowledge he has does not avail him.

2) many scientists may be destroyed by ignorance while their science may not be useful to them.

3) there are many scholars who may be killed by their ignorance and their knowledge helps them not.

4) how numerous are the learned men who are killed by their heedlessness and their knowledge profits them not.

۱۷۷. در ورای آن ریاکاری ممکن است چیزی از خیرخواهی و صداقت نباشد.

- 1) Behind that hypocrisy there might be nothing of admonishment and righteousness.
- 2) Behind that duplicity there may be nothing of admonition and rightfulness.
- 3) Beyond that dissimulation there may be nothing of sincere counsel and loyalty.
- 4) Beyond that double- dealing there is perhaps nothing of well- wishing and rightfulness.

۱۷۸. دیری نمی کشد که پرده‌های امور از (پیش چشمان) تو بردارند و داد مظلومان از تو بستانند.

- 1) soon the coverings of the affairs shall be taken away from you and you shall be requested to give satisfaction to the oppressed.
- 2) Little remains until the coverings of affairs are lifted from you justice is demanded from you for the wronged.
- 3) shortly, the curtains of all matters will be raised from your view and you will be required to render redress to the abased.
- 4) sooner or later the curtains of the matters will be turned aside from you and will be asked to give satisfaction to the wronged.

۱۷۹. هم خویش را برای یاد آوردن بازگشت به سوی پروردگارت بیشتر کن.

- 1) add to thy care to remember the returning unto God.
- 2) Multiply your concern for remembering the return unto your Lord.
- 3) enhance your interest to remind your returning toward the Lord.
- 4) increase your struggle to remember that you shall return unto Allah.

۱۸۰. کلید قدر نیست در دست کسی توانای مطلق خدای است و بس.

- 1) capacity's key is not in any person's hands; it is God Who is the Omnipotent One.
- 2) The key of fate is not in a man's hand; it is God Who is the Mighty One.
- 3) the key of destiny is in no one's hand; God; and He alone, is Absolutely Able.
- 4) the key of predestination is in no man's hand; God is the Powerful One, and that is enough.

پاسخ‌ها و منابع پیشنهادی برای برخی از سوالات تخصصی آزمون سراسری ۱۳۸۹ نظریه‌های ترجمه		
121	2	
122	3	Munday (2001), p73
123	1	Munday (2001), p170
124	4	Munday (2001), p183
125	4	Bell(1991), p134
126	2	Munday (2001), p76
127	1	Newmark (1988), p21
128	4	Munday (2001), pp44-46
129	1	Munday (2001), p97
130	2	Munday (2001), p
131	3	Munday (2001), pp113-119
132	4	Munday (2001), p62
133	3	Munday (2001), p63
134	3	Shuttleworth & Cowei (1997), p192
135	2	Munday (2001), p57
136	1	
137	2	Munday (2001), p49
138	4	Munday (2001), p42
139	2	Munday (2001), p45
140	1	Munday (2001), p146
141	4	
142	3	Munday (2001), p
143	3	Munday (2001), p57
144	4	Munday (2001), p57
145	1	Munday (2001), p150
زبان‌شناسی		
146	3	Yule (2006), p102
147	4	Yule (2006), p131
148	2	Yule (2006), p130
149	1	Yule (2006), p118
150	2	Yule (2006), p118
151	4	Yule (2006), p206
152	2	Yule (2006), p218
153	3	Yule (2006), p102

154	3	Yule (2006), p106
155	1	Yule (2006), p
بررسی مقابله‌ای ساخت جمله		
156	3	Keshavarz (2006), p15
157	4	Ziahosseini (1999), pp13,14 or Keshavarz (2006), pp10,11
158	2	Keshavarz (2006), p105
159	4	
160	1	
161	2	Keshavarz (2006), pp44,45
162	1	Ziahosseini (1999), p41
163	3	Keshavarz (2006), p 112
164	4	Keshavarz (2006), p17
165	4	Keshavarz (2006), p60
واژه شناسی		
166	2	Yule (2006), p54
167	1	تجویدی (۱۳۸۴) قسمت زبان فارسی، ص ۲
168	2	Yule (2006), p69
169	3	Yule (2006), p106
170	4	Yule (2006), p55
171	4	کتابهای زبانشناسی عمومی
172	1	کتابهای زبانشناسی عمومی
173	3	کتابهای زبانشناسی عمومی
174	2	تجویدی (۱۳۸۴) قسمت زبان فارسی، ص ۴
175	1	تجویدی (۱۳۸۴) قسمت زبان فارسی، ص ۵
ترجمه متون		
176	1	منافی (۱۳۸۳)، ص ۲۰۵
177	3	
178	2	
179	2	
180	3	منافی (۱۳۸۳)، ص ۱۹۱

...

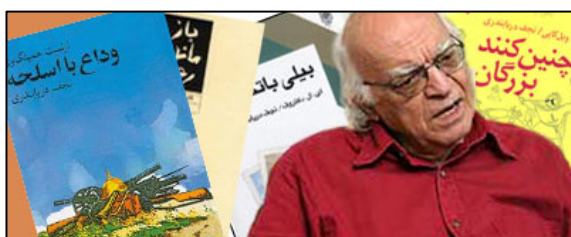
نشریه ها و خبرها

درباره ترجمه

علی معتمدی*

نجف دریابندری، مترجم پیشکسوت، روز ۹ خردادماه به دلیل سکته مغزی در بخش ICU بیمارستان ایرانمهر بستری شد، ولی خوشبختانه پس از کسب بهبودی به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد و بعد از چند روز بستری سلامتی نسبی خود را بازیافت. ایشان در دوره نقاهت خود ابراز

امیدواری کرد که دوباره به دنیای ترجمه بازگردد.



دریابندری که به گواه کارنامه کاری-اش مترجم و نویسنده پرکاری است پس از بهبودی بیکار نشست و کتابی با عنوان *از این لحاظ را روانه*

اداره فرهنگ و ارشاد کرد و مجوز نشر آن را گرفت. *از این لحاظ* شامل مقدمه‌های هجده کتاب او در ساختاری واحد است. کسانی که با ترجمه‌های دریابندری آشنا هستند، می‌دانند که ایشان برای هر کدام از کتاب‌های ترجمه خود مقدمه‌ای مبسوط و راهگشا می‌نوشت. حالا تصور کنید این مقدمه‌های پرمحتوا در قالب یک کتاب گردآوری و تنظیم شوند.

مقدمه‌ها و آثاری که در این کتاب تدوین شده‌اند به قرار زیر هستند:

مقدمه کتاب‌های *وداع با اسلحه* و *پیرمرد و دریا* اثر ارنست همینگوی؛ *قضیه رابرت اوپنهاইمر* اثر هاینر کیپه‌هارت؛ *چنین کنند بزرگان* اثر ویل کاپی؛ *رگتایم* و *بیلی باتگیت* اثر ای ال دکتروف، به همراه گفتگویی با این نویسنده؛ *بازمانده روز* اثر کازوئو ایشی گورو؛ *پیامبر و دیوانه* اثر جبران خلیل جبران؛ *هاکلبری فین* اثر مارک تواین، *آنتیگونه* اثر سوفوکلز؛ *خانه برنارد آلبا* اثر فدریکو گارسیا لورکا، به همراه نوشته‌ای درباره زندگی و هنر لورکا؛ دو نوشته یکی از مارتین هایدگر و دیگری از زیگموند فروید؛ *قدرت و تاریخ فلسفه* اثر برتراند راسل؛ *افسانه دولت* و *فلسفه روشن‌اندیشی* اثر ارنست کاسیرر؛ *متفکران روس* اثر آیزایا برلین؛ *تاریخ روسیه شوروی* اثر ای اچ کار، به همراه گفتگویی

* ali.mtmd@gmail.com (<http://tarjomani.wordpress.com/>)

با این نویسنده؛ و نیز دو ضمیمه، یکی درباره نمایشنامه و دیگری با عنوان گرم کردن جین نعش مرده را در شب تار. کتاب از این لحاظ در ۴۷۲ صفحه و با قطع رقعی به همت انتشارات کاروان منتشر و به بازار عرضه شده است. منبع: خبرگزاری مهر

برگزاری دوره دکترای مترجمی زبان انگلیسی

دوره دکترای مترجمی زبان انگلیسی و سرفصل دروس آن در تاریخ ۸۷/۱۰/۱۱ به تصویب شورای دانشگاه علامه، و در تاریخ ۸۸/۱۲/۲۲ به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسید. در جزوه مشخصات کلی برنامه آموزشی و سرفصل دروس این رشته، هدف کلی از ایجاد این دوره چنین اعلام شده است:

- تربیت پژوهشگران آموخته و آزموده دانشگاهی برای انجام پژوهش در حوزه ترجمه
- تربیت مدرسان دانشگاهی برای تدریس در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد
- تربیت فرهیختگان دانشگاهی برای تهیه و تدوین مواد درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد
- افزایش سطح کیفی تدریس درس‌های دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد
- افزایش سطح کیفی شیوه تدریس در دوره‌های پایین‌تر از طریق تربیت مدرسان متخصص
- ارتقای سطح کیفی ترجمه در سطح جامعه با تربیت متخصصان دانشگاهی

و...

قرار است از مهر ۱۳۹۰ پذیرش دانشجویان شروع شود. علاوه بر دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد مترجمی، دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی و آموزش زبان نیز می‌توانند دواطلب آزمون شوند، مشروط بر آن‌که موضوع پایان‌نامه ارشد آن‌ها درباره ترجمه باشد.

آزمون در سه مرحله برگزار می‌شود: ۱- آزمون عمومی، شامل دو بخش: الف) زبان عمومی، ب) استعداد تحصیلی؛ ۲- آزمون تخصصی، شامل موضوعات: الف) نظریه‌های ترجمه، ب) نقد ترجمه، پ) تحقیق در ترجمه؛ و ۳- مصاحبه شفاهی از پذیرفته‌شدگان مراحل ۱ و ۲.

۷۵٪ نمره کل به مراحل ۱ و ۲ اختصاص داده شده است. در مرحله مصاحبه، که ۲۵٪ کل نمره را شامل می‌شود، به مواردی چون پروپوزال موضوعات مورد علاقه دواطلب، تحقیقاتی که تاکنون انجام

داده، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، آمادگی و استعداد وی در تدریس در دانشگاه‌ها، و غیره پرداخته می‌شود.

از شرایط الزامی برای داوطلبان تسلط به زبان انگلیسی است.

همایش نقد ترجمه

گزارش: کتابیون دوالو - مسئول کمیته اجرایی همایش

مرکز پژوهش‌های ترجمه با همکاری دانشگاه علامه طباطبائی دومین همایش خود را با عنوان همایش نقد ترجمه در تاریخ هفدهم و هجدهم خرداد در محل دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی برگزار کرد.



در اولین جلسه، به ریاست دکتر تجویدی و دکتر ملانظر، مقاله‌های زیر ارائه شد:

- نقش پیش‌برنده / بازدارنده نقد در روند ترجمه متون فلسفه
- به روز رسانی نقد ترجمه‌های متون کلاسیک غرب
- دگرترجمه: شیوه‌ای عملی برای نقد ترجمه؟
- ترجمه شعر: فداسازی گریزناپذیر
- تأثیر نظریه‌پردازی در بهبود مراحل عملی ترجمه
- نقد ترجمه اسامی خاص داستان‌های هری پاتر به ترجمه ویدا اسلامی

ریاست جلسه دوم را دکتر فرحزاد و دکتر محمودزاده بر عهده داشتند. مقاله اول از دکتر منافی با عنوان نقد ترجمه و نقد ادبی و مقاله دوم از خانم دکتر تهرانی با عنوان نقد ترجمه: امکانات و محدودیت‌ها بود. سپس دو مقاله دیگر با عنوان‌های نگاهی به نقد: امکان، ضرورت و نقش آن در ترجمه و تأثیر نقد ترجمه بر کیفیت ترجمه: بررسی اصل تسلط مترجم بر موضوع ترجمه، ارائه شد.

روز دوم همایش با برگزاری کارگاه آموزشی نقد ترجمه با موضوع نقد ترجمه از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان آغاز شد. برگزارکننده این کارگاه خانم دکتر فرحزاد بود. در این کارگاه مطالبی از دکتر سعیدینیا و خانم فرح مدنی نیز ارائه شد. سپس جلسه به ریاست دکتر فرحزاد و دکتر کاظمی با ارائه مقالات زیر ادامه پیدا کرد:



مهمانان ویژه این هم‌اندیشی استادان ابراهیم یونسی، کامران فانی، و بهاء‌الدین خرمشاهی بودند که در روز نخست میزگردی با حضور این عزیزان و آقای مهدی افشار برگزار شد.

- نقد ترجمه در گفتمان جهانی شدن
- ابزار نقد ترجمه از دیدگاه آنتوان برمان، فیلسوف و ترجمه‌شناس زبان فرانسه (از دکتر عشقی)
- ترجمه یا باز آفرینی (از دکتر نظام زاده)
- نگاهی بر نقد ترجمه‌نمایشنامه: امکان ارائه چارچوبی نظری
- نیاز به ترجمه مجدد آثار ادبی زنانه با رویکرد نقد زن‌محور
- برجسته‌کردن نقش ویراستاران و بازبینان ترجمه در مقام درگاه‌داران اجتماعی دارای وفاداری‌های متعارض: مسئله‌ی ارزشیابی و نقد ترجمه
- روش‌شناسی رویکرد التقاطی در نقد ترجمه
- ارائه مقالات با برگزاری جلسه بعد از ظهر، به ریاست دکتر حیدری و دکتر منافی، به پایان رسید. عنوان مقاله‌ها به قرار زیر بود:
- بررسی عنصر حذف در پنج ترجمه
- نقد ترجمه رمان Cat's Cradle از دید انتخاب واژگان
- سیاق در ترجمه: ارزیابی انتقادی ترجمه فارسی ناطور دشت
- اصطلاحات هم‌آوا در قرآن: مطالعه موردی ترجمه‌های انگلیسی واژه فساد
- مطالعه تطبیقی رباعیات عمر خیام و ترجمه انگلیسی آن
- سرانجام هم‌اندیشی برگزاری میزگردی با حضور دکتر تجویدی، دکتر فرحزاد، دکتر محمودزاده، دکتر ملانظر و دکتر منافی بود که در آن دکتر ملانظر، با استناد به هولمز (۱۹۷۲)، به نقل از ماندی،



۲۰۰۱)، مفهومی جدید از نقد ترجمه را پیش کشیدند که این مفهوم سابقه چندانی در نوشته‌های این رشته در زبان فارسی ندارد.

در پایان قرار شد از بین مقاله‌های ارائه شده تعداد ده مقاله به انتخاب هیأت داوران در مجموعه مقاله‌ای با عنوان نقد ترجمه منتشر شود.

همایش شیوه‌های آموزش ترجمه

مرکز پژوهش‌های ترجمه دانشگاه علامه طباطبایی، در ادامه برگزاری هم‌اندیشی‌های نیم‌سالانه خود، در نظر دارد همایش دیگری با موضوع شیوه‌های آموزش ترجمه در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ۳۰ آذر و ۱ دی‌ماه ۱۳۸۹، در دانشگاه ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه برگزار کند. در اطلاعیه این مرکز از تمام استادان، دانشجویان، دانش‌آموختگان و سایر پژوهشگران درخواست شده است که، با ارائه یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های خود در محدوده موضوعات پیشنهادی زیر و سایر موضوع‌های مرتبط، در این هم‌اندیشی شرکت کنند:

- جهانی‌های ترجمه
- آموزش ترجمه ادبی
- آموزش ترجمه شفاهی
- آموزش ترجمه و فناوری
- آموزش ترجمه چندرسانه‌ای
- آموزش ترجمه و نیازهای بازار
- آموزش ترجمه و توانش ترجمه‌ای
- کاربرد نظریه‌ها در آموزش ترجمه
- جایگاه دانش زبانی، دانش تخصصی و دانش دایره‌المعارفی ترجمه‌آموز در فراگیری ترجمه
- تعامل مدرس-ترجمه‌آموز و ترجمه‌آموز-ترجمه‌آموز در کلاس‌های آموزش ترجمه
- جایگاه تجربه، دانش زبانی و دانش تخصصی مدرس در آموزش ترجمه
- کاربرد تحلیل مقابله‌ای و تحلیل خطا در کلاس‌های آموزش ترجمه
- معیارهای انتخاب متون ترجمه‌ای برای کلاس‌های آموزش ترجمه
- رویکردها و روش‌های مختلف آموزش ترجمه
- محوریت مدرس و ترجمه‌آموز در کلاس‌های آموزش ترجمه
- تجویزگرایی و توصیف‌گرایی در کلاس‌های آموزش ترجمه
- آموزش ترجمه و ویژگی‌های روانی-شخصیتی ترجمه‌آموز
- تهیه و تدوین مطالب درسی کلاس‌های آموزش ترجمه
- آسیب‌شناسی آموزش ترجمه در دانشگاه‌های ایران
- آموزش ترجمه به دانشجویان رشته‌های تخصصی
- هنجارهای اجتماعی-فرهنگی در آموزش ترجمه
- آموزش ترجمه، منظورشناسی و تحلیل گفتمان

- آموزش ترجمه و نگارش و ویرایش فارسی

- روش‌شناسی آموزش نظریه‌های ترجمه

علاقه‌مندان می‌توانند چکیده مقالات خود را به زبان فارسی و در ۱۵۰ کلمه، همراه با ۳ تا ۵ کلیدواژه، تا تاریخ ۲۰ مهر به رایانامه conference@translationstudies.ir ارسال نمایند. جزئیات ارائه مقالات و برنامه‌های همایش، هفته دوم شهریور در وب‌گاه مرکز پژوهش‌های ترجمه به نشانی www.translationstudies.ir اعلام خواهد شد.

شماره‌های ۲۹ و ۳۰ مطالعات ترجمه منتشر شد

عنوان‌های مقاله‌های هر شماره به ترتیب زیر است:

شماره ۲۹

- بررسی حضور مترجم به واسطه ی تبدیل ها در متون روایی

ترجمه شده با نگاهی به دیدگاه لوون-زوارت (۳) / ا. حری

- واژه سازی، وجه فراموش شده در ترجمه ی اصطلاحات علمی

و فنی / ا. حسینی و م. عزیزی

- جنس اسامی روسی و بیان آن ها به زبان فارسی از دیدگاه

ترجمه / م. محمدی و ر. برادری

- Manipulation in Translation of Children's Literature / S. Baleghizadeh & F. Ranjour

- Representation of Gender Relations in AVT / M. Ghavami-Adel

- The Role of Large Monolingual Corpora in Improving Machine Translation Quality / T. Mosavi Miangah

- Explication in English into Persian Translation: A Study of Text Types / R. Igder & A. Karimnia

- Hybridization, Dehybridization and Rehybridization / F. Parham

- English Present Participles and Their Equivalents in Persian / T. Khezrab



شماره ۳۰

- ترجمه اشارتگرهای شخصی به منزله شاخص‌های زبانی زاویه دید در سه ترجمه «به سوی

فانوس دریایی» / ا. حری

بررسی ترجمه‌های قرآن کریم به لحاظ آرایش واژگانی / م. منصوری

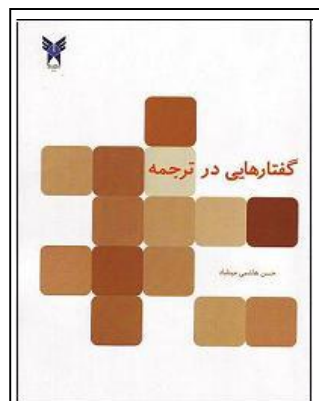
واکاوی بازخوردها و اظهارنظرهای معلمان ترجمه بر ترجمه دانشجویان / م.ر. هاشمی و ا. پاکار



- Strategic Assessment of EVS Regulation during Simultaneous Interpreting / K. Shabani
- Adequacy or Acceptability? Toward Making the Style of the Author Known / S. delzendehtrooy
- The Impact of Domestication and Foreignization on Comprehensibility of Translations of *Alice's Adventures in Wonderland* / A. Marzban & M. Mortazavi
- The Impact of Shifts on the Translation Text at Macro-Level, a Case Study of Browne's Translation of Dehknoda Satires / A. Khazae Farid
- Semantic Collocations in the *Holy Qur'an* and their English Translations / E. Davoudi Sharifabad & M. Rahimi Yagneh
- A Glance at the Ailing System of Teaching Translation in Some Iranian Universities / kh. Ghazizadeh & A. Jamalimanesh

گفتارهایی در ترجمه

این کتاب دربرگیرنده مجموعه مقالات آقای حسن هاشمی میناباد در خصوص ترجمه است. بیشتر این مقاله‌ها پیش‌تر در نشریات معتبری چون فصلنامه‌های مترجم، مطالعات ترجمه، درباره ترجمه، مجله زبان‌شناسی، و کتاب ماه ادبیات و فلسفه، چاپ شده‌اند. به همت آقای هاشمی میناباد این مقاله‌ها به اضافه چند مقاله جدید دیگر از ایشان در قالب یک کتاب خوش‌فرم و خوش‌چاپ منتشر شده است. ایشان در مقدمه کتاب خود می‌آورد، «مقالات این مجموعه به مطالب علمی و ملموس ترجمه اختصاص دارد. در این مقالات به نظریه و نظریه-پردازی توجهی اندک داشته‌ام، چرا که هدف اصلی نگارنده مسائل عملی ترجمه است و کمک به مترجمان، ترجمه‌آموزان، و دانشجویان ترجمه در آموزش این رشته و بهبود کارشان. نوشتن این مقالات را از ۱۳۷۰ شروع کردم که همچنان ادامه دارد. امیدوارم در آینده‌ای نزدیک بتوانم دستنامه ترجمه را، که مجموعه‌ای است از مسائل و مشکلات ترجمه و راهکارهای رفع آن، چاپ کنم.



مؤلف: حسن هاشمی میناباد
 ویراستار: مجتبا قدس
 انتشارات علمی دانشگاه آزاد
 اسلامی اراک
 چاپ اول / ۱۳۸۹
 قیمت: ۶۷۰۰ تومان
 ۳۰۹ صفحه